



در این شماره، پرونده ویژه‌ای با نام «مرثیه، مقتل، ادعیه و زیارات» را به مخاطبان گرامی تقدیم می‌کنیم. از جمله مطالب این پرونده گفت‌وگو با «علیرضا بکایی»، از مناجات‌خوان‌های پر مخاطب این سال هاست. در این گفت‌وگو موانع استجاب و شرایط استجاب دعا از منظری بررسی شده است. همچنین کتاب «ره‌توشه مناجاتیان» یکی از آثار علیرضا بکایی است که در این گفت‌وگو معرفی شده است.

در بخش ادبیات این شماره، مقاله دکتر «اسماعیل امینی» با نام «روش‌های انتخاب و عرضه شعر هیئت» حاوی نکات بسیار دقیق و ارزنده‌ای است که به مخاطبان گرامی پیشنهاد می‌کنیم. این مقاله در سومین جلسه از سلسله نشست‌های تخصصی شعر هیئت در بنیاد دعبل خرازی ارائه شده است.

همچنین گفت‌وگویی داریم با استاد «غلامرضا سازگار» که در آن «نوحه» را از حیث محتوا، مضمون و قالب بررسی کرده‌ایم. ایشان معتقدند: «نوحه زبان یک جامعه، یک هیئت و یک جمعیت عاشورایی است.»
ضمیمه لوح فشرده «عبرات ۱۴»، حاوی اشعار و نغمات مناسبتی ماه رمضان است.

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست

تخلق به اخلاق قرآنی (رهنمودهای رهبری)..... ۲
 مداحی افاضة خداست..... ۳
 تدوین نظام استانداردهای فرهنگی، علمی و آموزشی..... ۴
 برنامه‌ریزی برای ارتقاء کیفی مداحان در استان‌ها..... ۵
 نظام ارزش‌گذاری و طبقه‌بندی محصولات علمی، پژوهشی، فرهنگی و رسانه‌ای..... ۶
 برنامه‌ریزی فرهنگی (۲)..... ۷
 به همین سادگی؟!..... ۷
پرونده ویژه مرثیه، مقتل، ادعیه و زیارات
 مناسک و اعمال ماه مبارک رمضان..... ۸
 ره‌توشه مناجاتیان (گفت‌وگو با علیرضا بکایی)..... ۱۰
 مهارت از تباط با خدا..... ۱۴
 دعای مأثور و ملحون از نگاه معصومان..... ۱۷
 اهمیت و ضرورت مقتل خوانی..... ۱۸
 زمزمه (معرفی سایت شعر آیینی)..... ۲۰
 دوبیتی‌های انتظار..... ۲۱
 روش‌های انتخاب و عرضه شعر هیئت..... ۲۲
 نوحه و وحدت ذهنی شاعرانه..... ۲۵
 نوحه زبان یک جامعه، یک هیئت و یک جمعیت عاشورایی است (گفت‌وگو با غلامرضا سازگار)..... ۲۶
 کوثریه..... ۲۸
 عبرات..... ۳۲
 اشعار مناسبتی ماه رمضان..... ۳۳
 نظر سنجی..... ۳۶

نشریه داخلی بنیاد دعبل خرازی

مدیر مسئول: علی عظیمی

مشاور تحریریه: حجت الاسلام والمسلمین محمد مهدی انصاری

سر دبیر: امیر عیسی ملکی

طراحی و صفحه‌بندی: علی اصغر خان محمدی

با سپاس از:

مجید مبینی، مسعود دیبانی، حسن بختیاری، متین رضوانی پور، میثم ملانجفی، مسعود اسکندری، عیسی نصیری، پوریا شیرآشینی، فاطمه غریبی، الهام غریبی، مجتبی روشن‌روان، مسعود توحیدی، بهنام حمیدی، محمد حسینی، بهنام گلشنی، معصومه توحیدی

آدرس: خیابان بهشتی، خیابان قنبرزاده، خیابان عشق‌یار (نیلوفر)،

خیابان سیزدهم، پلاک ۲۶

کد پستی: ۱۵۳۳۹۴۳۱۱۱

صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۵۶۵۶

تلفن: ۸۸۵۴۸۵۹۷-۸۸۷۶۷۱۷۸

پایگاه اطلاع‌رسانی: www.deabel.com/news



هو الحبيب

به هوش که کربلا هنگامه به مسلخ کشاندن نفس
 آماره و هواهای ظلمانی نفس است.
 کربلا آموز شگاه ادبار به خود و اقبال به خداست.
 و تا انسان بار سفر از خیمه سیاه نفس بدر فرما بر نبسته
 و در کربلا قتیل عشق را به نظاره ننشیند به یقین راه و
 رسم موحد زیستن را نخواهد آموخت.
 در این تجلی‌گاه رفیع، مادحان و ذاکران اند که با
 افتخار در یافت لقب روضه‌خوان، باربستگان از شب
 دیجور را به سوی کاروان نور راه نمایند
 و نشریه «دعبل» بر آن است، مجلسی از روضه فراهم
 آورد تا در بساط آن روضه‌خوانان با نوای حزین خویش
 بنالند و جویندگان راه، گرم بگریند و در یک کلام
 محملی از اشک در غازی کشته‌اشک‌ها فراهم آورد.

گویند رمز عشق مگویند و مشنوبید

مشکل حکایتی ست که تقریر می‌کنند

شیعیان دیگر هوای کربلا دارد حسین ...
 و اینک حسین است که بار سفر بسته و در ورای
 قلب‌های محبان نشسته، جان‌های عاشق را به تیر
 محبت هدف ساخته و برای رفتن به وادی کرب و بلا،
 بلی‌گویان را صلامی دهد که:

هر که دارد عطش کرب و بلا بسم الله
 اگر حبیب خدا سعادت جوینان را به گفتن کلمه
 توحید فرا خواند، انگشت اشارت متوجه حضرت حسین
 ساخت که

حسین منی و انا من حسین
 هر که راهی طریق توحید است و سرمایه از اخلاص
 بر گرفته است، بداند که کربلا دانشگاه گسستن از علایق
 فضول و رهیدن از موانع وصول است.

لااله الا الله گویان بسیارند؛ اما احرار و تارکین
 نفسانیات بسیار کم



سبک زندگی را منطبق با قرآن قرار دادن

تخلق به اخلاق قرآنی

این است که باید از آن تبعیت و پیروی کرد. اما اینکه حالا اکثریت مردم دنیا این جور حرف می‌زنند، این جور حرکت می‌کنند، این جور رفتار می‌کنند، ما باید عقل خودمان را، دین خودمان را، هدایت الهی را معیار قرار دهیم برای رد و قبول. امت مؤمن و مسلم آن امت و ملتی است که معیار را از قرآن می‌گیرد، از هدایت الهی می‌گیرد؛ این می‌شود معیار.

یکی از چیزهایی که قرآن و هدایت الهی به ما تعلیم داده است، تبعیت از داور خرد و عقل انسانی است؛ این هم قرآنی است. یعنی پیروی از آنچه که عقل سلیم به آن حکم کند و قضاوت عقل پشت سر آن باشد، این هم یک امر قرآنی است، این هم امر دینی است؛ اینها شد معیار. آنچه که بندگان برگزیده خدا، معصومین عندالله به ما یاد دادند، این می‌شود معیار؛ معیار اینها است. اینکه حالا مردم کشورهای غربی، مردم مادی، مردم فلان بخش از دنیا، در رفتارشان، در اعمالشان، در مسائل زندگی‌شان، در ارتباطاتشان، در تشکیل خانواده، این جور عمل می‌کنند، ما هم باید این جور عمل کنیم، این خطا است.

هدایت قرآن را باید در زندگی خود حاکم کرد. ما بحمدالله هم قرآن را داریم، هم کلمات اهل بیت علیهم السلام را داریم؛ که «آنی تارک فیکم الثقلین»



یکی از عیوب ما و جوامع مادر طول زمان این بوده است که گاهی فرهنگ خود را متأثر می‌کردیم از فرهنگ بیگانگان



یضَلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ان يَتَّبِعُونَ الْاَلْطَنَّ و ان هم الْاَیْخِرُ صَوْنٌ.

آنچه که انسان جا دارد آن را فرا بگیرد و اگر لازم بود، از آن تقلید کند، عبارت است از طریق هدایت؛ «صراط الذین انعمت علیهم».

از خدای متعال می‌خواهیم که ما را هدایت کند به راه کسانی که به نعمت الهی واصل و نائل شده‌اند؛

خدای متعال را شاکریم که ما را با قرآن مأنوس کرد. جامعه مسلمان ما تا قبل از سال‌های پیروزی انقلاب، با اینکه علاقه‌مند به قرآن بود، عاشق قرآن بود، اما مأنوس با قرآن نبود. این هم از برکات انقلاب است که جوان‌های ما، صاحبان صوت و ذوق و هنر تلاوت و استعداد و آمادگی برای فراگیری، بحمدالله در این میدان وارد شدند و پیشرفت کردند. ولی اینها مقدمه است؛ مقدمه برای فهم قرآن و تخلق به اخلاق قرآن. یک مسئله، مسئله احترام ظاهری قرآن، اصوات قرآنی؛ این در جای خود چیز محترم و مهمی است. مسئله بالاتر، تخلق به اخلاق قرآنی است؛ سبک زندگی را منطبق با قرآن قرار دادن.

یکی از عیوب ما و جوامع مادر طول زمان این بوده است که گاهی فرهنگ خود را متأثر می‌کردیم از فرهنگ بیگانگان. کسانی این را در میان جامعه ما و کشور ما به عمد ترویج کردند؛ ما را سوق دادند به سمت زندگی کسانی که دل و جان‌شان خالی بود از نور معنویت؛ در سبک زندگی، در کیفیت پوشش، در کیفیت راه رفتن، در کیفیت معاشرت‌ها و ارتباطات اجتماعی. اگر هم کسی به آنها اعتراض کرد، گفتند که دنیا امروز این جور است. در حالی که قرآن به ما می‌آموزد: «وان تطع اکثر من فی الأرض»



روح مداحی و ذاکری اهل بیت رسول الله
تبلیغ کانونی ترین و اصلی ترین مسئله عالم «اعتقاد به توحید» است

مداحی افاضه خداست

میزگرد بررسی آموزش ستایشگری اهل بیت علیهم السلام

«حاج ماشاءالله عابدی فر» در گفت و گو با گروه فرهنگی و آموزشی بنیاد دعبیل خزاعی، ضمن اشاره بر لزوم آموختن هنر و فنون مداحی برای ستایشگران و ذاکران اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به وجه معنوی و الهی ستایشگری اهل بیت علیهم السلام تأکید کرد و گفت: «مداحی افاضه خداست. مداحان قبل از داشتن صدای خوب و رسا و سایر هنر و فنون مداحی باید آن توفیقی را که از جانب خداوند به ذاکران و مداحان اهل بیت علیهم السلام داده می شود، دریابند.»

عابدی فر با اشاره بر وظیفه مهم و رسالت سنگینی که بر دوش مداحان و ذاکران اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هست، بر لزوم همراهی و همسویی مداحان و ذاکران اهل بیت علیهم السلام با روحانیان و علما تأکید کرد.

در این گفت و گو که به همت گروه فرهنگی و آموزشی بنیاد دعبیل خزاعی برگزار شد، «حجت الاسلام و المسلمین محمد مهدی انصاری»، «علی عظیمی»، «حاج مهدی خادم آذریان»، «حسن بختیاری» و «حاج ماشاءالله عابدی فر» دیدگاه‌های خود درباره «آموزش ستایشگری اهل بیت علیهم السلام» را مطرح کردند.

در این میزگرد با طرح موضوعاتی نظیر «سبک زندگی دینی» و «سرمایه اجتماعی»، نقش و کارکرد نهاد عزاداری در هدایت و تقویت این موضوعات مورد نقد و بررسی قرار گرفت. طرح این مسئله که ساختار و سازمان آموزش و پرورش در حوزه ستایشگری اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به چه ترتیب و آدابی باید نهادینه شود، تادر حوزه‌های سابق الذکر مشتمل باشد، از موضوعات این میزگرد بود.

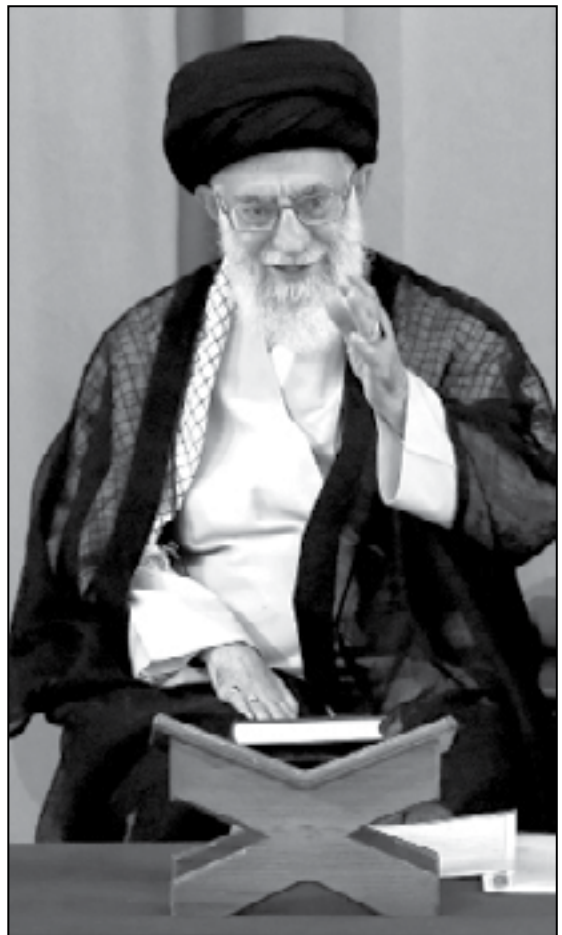
علی عظیمی، رئیس هیئت مدیره بنیاد دعبیل خزاعی، توجه به این نکته را که موضوعاتی نظیر «سرمایه اجتماعی» و «سبک زندگی» در مختصات زمانی و مکانی مختلف، ملاحظاتی متفاوتی دارد، لازم و ضروری دانست. ایشان با اشاره به تعالیم رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام، این مسیر را ادامه راه امامان معصوم علیهم السلام دانست و در طرح تدوین آموزش ستایشگری اهل بیت علیهم السلام توجه به این نکته را بخشی ضروری و جدانشدنی از این جریان معرفی کرد.

«حاج مهدی خادم آذریان»، نماینده بنیاد دعبیل خزاعی در استان آذربایجان شرقی، نیز اظهار امیدواری کرد، با تعامل دائمی و سازنده میان روحانیان و مداحان و ذاکران اهل بیت علیهم السلام شاهد رشد و ارتقاء کیفی مداحی در جامعه باشیم.

در این میزگرد، «حجت الاسلام و المسلمین محمد مهدی انصاری» با نیم‌نگاهی به تاریخ، تعریف و جایگاه ستایشگری اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در منظومه تبلیغی شیعه، بر وجه پیام‌رسانی مداحان و ذاکران اهل بیت علیهم السلام تأکید کرد و توجه به اقتضائات گوناگون در این حوزه را لازم و ضروری دانست. ایشان روح مداحی و ذاکری اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را تبلیغ کانونی ترین و اصلی ترین مسئله عالم که «اعتقاد به توحید» است، دانست. به عقیده انصاری، طرح آموزش ستایشگری اهل بیت علیهم السلام باید در مسیری هدایت‌شده که نتیجه آن ارسال پیام مبنایی، اعتقادی و ریشه‌ای عالم، یعنی بحث توحید، باشد.

این میزگرد روز شنبه، یازدهم تیرماه ۱۳۹۲ ش. در دفتر مرکزی بنیاد دعبیل خزاعی برگزار شد.

مشروح این میزگرد در پرونده ویژه «آموزش ستایشگری اهل بیت علیهم السلام» در شماره دوازدهم نشریه «دعبیل» ویژه شهریور ماه ۱۳۹۲ ش. بخوانید.



یا «آئی تارک فیکم الثَّقَلین»؛ دو چیز گرانبه‌ها را در بین شما گذاشتم. هر دو بحمدالله در اختیار ما است؛ باید از اینها استفاده کنیم، جامعه را بر اساس اینها شکل دهیم.

این جلسه قرآن، این آموزش قرآن، این تجوید قرآن، این حُسن تلاوت قرآن با نغمه‌های خوب، با صدای خوب، همه مقدمه برای این است. این را به چشم ذی‌المقدمه نگاه نکنیم، این مقدمه است؛ از اینجا باید وارد شد و با قرآن انس گرفت.

آنچه که انسان جادارد آن را فرا
بگیرد و اگر لازم بود از آن تقلید
کند عبارت است از طریق هدایت



بحمدالله امروز جامعه ما با قرآن مأنوس شده‌اند. البته ما به این قانع نیستیم؛ ما معتقدیم همه آحاد جامعه باید با قرآن ارتباط برقرار کنند، بتوانند قرآن را بخوانند، بتوانند قرآن را بفهمند، بتوانند در قرآن تدبیر کنند. آنچه که ما را به حقایق نورانی می‌رساند، تدبیر در قرآن است؛ و این حفظ قرآن که بحمدالله امروز در بین شما جوانها، در بین جوان‌های کشور، در سرتاسر کشور رواج پیدا کرده است، یک مقدمه خوبی است برای تدبیر. یعنی حفظ و تکرار و انس با آیات کریمه قرآن و پی‌درپی آیات الهی را مورد توجه قرار دادن، موجب می‌شود که انسان بتواند در قرآن تدبیر کند.

امیدواریم خداوند متعال جامعه قرآنی کشور را روز به روز پیشرفته‌تر کند، موفق‌تر کند و به استاید عزیز قرآن ان شاءالله توفیق دهد که بتوانند جوانان بیشتری را تربیت کنند؛ و کشور ما و ملت ما را با قرآن زنده بدارد. پروردگار! حیات ما را حیات قرآنی قرار بده؛ مرگ ما را مرگ در راه قرآن قرار بده؛ ما را در قیامت با قرآن محشور کن. پروردگار! لطف و فضل خودت را بر کشور ما، بر ملت ما، بر همه کشورهای مسلمان و بر امت‌های اسلامی نازل بفرما. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

بیانات در محفل انس با قرآن - ۱۳۹۲/۰۴/۱۹

پنجمین نشست شورای هماهنگی تشکل‌های ستایشگران اهل بیت علیهم السلام

تدوین نظام استانداردهای فرهنگی، علمی و آموزشی

محمد حسینی

و آله و سلم، گامی رو به جلو در اقدامات این حوزه برداشته شود. ایشان با معرفی تعدادی از استادان و کارشناسانی که حضور آنها را در نشست‌ها و همایش‌ها مفید و ضروری دانست، برای استفاده از محصولات نشست‌های علمی و تخصصی در سایر نشست‌ها مخصوصاً همایش‌های نخبگان عرصه ستایشگری اهل بیت علیهم السلام اعلام آمادگی کرد.

مصطفی خورسندی، رئیس کانون مداحان و شاعران آیینی، نیز بر لزوم هماهنگی بیشتر میان نهادهای فعال در عرصه ستایشگری اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تأکید کرد و گفت: «ما می‌توانیم به جای برگزاری فقط یک همایش سالانه، سلسله‌نشست‌هایی را در طول سال تدارک ببینیم. این سلسله‌نشست‌ها به‌طور فصلی در سطح تهران برگزار می‌شود و در نهایت نشست سالیانه در سطح کشوری برگزار خواهد شد.

در این نشست‌ها می‌توانیم نخبگان این عرصه را شناسایی کنیم، اولویت‌شناسی و نیازسنجی کنیم و شرایط را برای فعالیت استادان و کارشناسان مهیا کنیم. از خروجی‌های مهم این سلسله‌نشست‌ها، باید جواب این پرسش باشد که، نیاز امروز مداحان چیست؟ موضوعات مهم این عرصه، چه موضوعاتی است؟ سپس باید درباره‌ی این موضوع تصمیم‌گیری شود که، نحوه‌ی عرضه‌ی مطالب به مخاطبان به چه شکلی باید باشد؟»

علی اکبر مداحی: ان شاء الله با همکاری اعضای شورای هماهنگی تشکل‌های ستایشگران اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم گامی رو به جلو در اقدامات این حوزه برداشته خواهد شد



در پنجمین نشست شورای هماهنگی تشکل‌های ستایشگران اهل بیت علیهم السلام که یکشنبه، نهم تیرماه ۱۳۹۲ ش. برگزار شد، تشکیل کمیته‌ی محتوایی علمی تشکل‌های ستایشگران اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مصوب شد. در این نشست مقرر شد که جلسات به صورت هفتگی و منظم برگزار شود و در جلسات اول این کمیته لازم است که اعضای اصلی شورا حضور داشته باشند.

برگرفته از یک مرام‌نامه و راهبرد مشخص باشد. ■ همه‌ی نهادها علاوه بر نزدیکی و هماهنگی، بر اساس یک نقشه‌ی راه موحد تعریف کار مشخصی داشته باشند. ■ اثرگذاری و دامنه‌ی خدمات مخاطبان افزایش یابد. ما می‌توانیم با تشکیل «دبیرخانه‌ی تشکل‌های همسو» و برگزاری جلسات دوره‌ای منظم (حتی با تعریف یک دستور کار حداقلی مثل اطلاع از وضعیت عملکرد یکدیگر و برنامه‌های در دست اقدام) این کار را انجام دهیم. کافی ست این نشست‌ها منظم برگزار شود، ظرفیت‌های قابل به‌اشتراک‌گذاری به سایر مجموعه‌ها معرفی شود، پروژه‌های مشترک تعریف شود و تقسیم کار به‌طور دقیق بین اعضا انجام شود.»

مدیر عامل بنیاد با اشاره به برخی اقدامات هیئت علمی بنیاد دعیل خزاعی، مخصوصاً برگزاری سلسله‌نشست‌های تخصصی شعر هیئت، بر لزوم انجام اقدامات زیر به عنوان پیگیری برای تحصیل اهداف شورای هماهنگی تشکل‌های ستایشگران اهل بیت علیهم السلام تأکید کرد: - برقراری پیوند میان محصولات نشست‌های علمی با همایش‌هایی که در سایر تشکل‌ها برگزار می‌شود. - آشنا کردن استادان عرصه‌ی ستایشگری اهل بیت علیهم السلام با نیازمندی‌های علمی و آموزشی در این حوزه و ایجاد زمینه‌ی مناسب برای فعالیت‌های ایشان و حضور دائمی و پررنگ در این عرصه.

- حضور مسئولان یا نمایندگان تشکل‌ها در همایش‌ها مدیر عامل بنیاد دعیل خزاعی با اشاره به اینکه در هیچ‌کدام از مجموعه‌های فعال در حوزه ستایشگری اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یک کمیته‌ی تحقیق و پژوهش که به‌طور جدی فعال باشد، حضور ندارد، گفت: «یکی از مهم‌ترین امور در این حوزه تدوین نظام استانداردهاست. برای این منظور باید از هر تشکل یک نماینده‌ی محتوایی حضور یابد و در مورد سؤالات و چالش‌های اساسی این حوزه تصمیم‌گیری کند ... متأسفانه در حال حاضر مشخص نیست که چند پایان‌نامه‌ی حوزوی و دانشجویی در حوزه مداحی وجود دارد. یکی از وظایف کمیته‌ی تحقیق و پژوهش این خواهد بود که افراد صاحب‌نظر و نویسندگان این عرصه را برای حضور در جلسات دعوت کند.»

علی اکبر مداحی، مسئول سازمان بسیج مداحان، با استقبال از مباحث طرح‌شده در این نشست، اظهار امیدواری کرد که با همکاری اعضای شورای هماهنگی تشکل‌های ستایشگران اهل بیت رسول الله صلی الله علیه

پنجمین نشست شورای هماهنگی تشکل‌های ستایشگران اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم با حضور «علی اکبر مداحی»، مدیر هیأت رزمندگان اسلام و مسئول سازمان بسیج مداحان، «مصطفی خورسندی»، رئیس کانون مداحان و شاعران آیینی و مدیر عامل بنیاد دعیل خزاعی برگزار شد.

در این نشست بانگ‌های بر جایگاه ستایشگران اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در اسناد بالادستی نظام، موضوع فعالیت‌های مشترک تشکل‌ها به‌ویژه برگزاری همایش‌ها طرح و بررسی شد. از آنجا که هماهنگ نبودن در ارائه‌ی خدمات باعث موازی‌کاری و عدم تناسب (عدالت) در ارائه‌ی خدمات به اعضای هر یک از این نهادها خواهد شد و همچنین اتخاذ راهبردهای غیر همسو و بعضاً متناقض از سوی مجموعه‌های فعال در عرصه ستایشگری اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم باعث کاهش میزان اثرگذاری و تشویش اذهان مخاطبان خواهد شد، این سلسله‌نشست‌ها با توجه به جامعه‌ی هدف و موضوع مشترک فعالیت‌های اعضای این شورا با پیگیری بنیاد دعیل خزاعی دنبال می‌شود. هدف از برگزاری این نشست‌ها افزایش میزان اثرگذاری و بهره‌بری در ارائه‌ی خدمات این تشکل‌هاست که با راهبردها و سیاست‌های مشترک و همسو محقق خواهد شد.

یکی از مهم‌ترین امور در این حوزه تدوین نظام استانداردهاست برای این منظور باید از هر تشکل یک نماینده‌ی محتوایی حضور یابد و در مورد سؤالات و چالش‌های اساسی این حوزه تصمیم‌گیری کند



در این نشست مدیر عامل بنیاد دعیل خزاعی با طرح سؤالاتی از این قبیل که: چه کسی دقیقاً بین نهادهای فعال در حوزه ستایشگری اهل بیت علیهم السلام تقسیم کار می‌کند؟ چه کسی بین ظرفیت‌های اختصاص داده شده به عرصه ستایشگری اهل بیت علیهم السلام موازنه ایجاد می‌کند؟ و ... گفت: «ما می‌توانیم با استفاده از ظرفیت‌های مشترک و حتی طراحی و اجرای پروژه‌های مشترک به اهداف زیر نائل شویم: ■ روح کلی همه‌ی خدمات از سوی تمامی نهادها



احراز سطح مداحان استان خراسان شمالی

برنامه‌ریزی برای ارتقاء کیفی مداحی در استان‌ها

محمد حسینی

مدیر عامل بنیاد دعبل خزاعی، «میثم غضنفری» و قائم مقام مدیر عامل، «حسن بختیاری»، در نشست با «حجت الاسلام زین العابدین روحانی‌نیا»، مدیر کل تبلیغات اسلامی سازمان تبلیغات اسلامی در خراسان شمالی، درباره نحوه تعامل بنیاد دعبل خزاعی و اداره کل تبلیغات اسلامی استان گفت‌وگو کردند. حجت الاسلام روحانی‌نیا با اشاره به ارتباط نزدیک اداره کل تبلیغات اسلامی استان خراسان



نشست مدیران بنیاد دعبل خزاعی با مدیر کل تبلیغات اسلامی در خراسان شمالی

شمالی با مداحان و شاعران آیینی اظهار داشت: «در این استان مداحان ارزشمندی هستند که با برگزاری جلسات آموزشی، نقش مؤثری در ارتقای سطح مداحی استان دارند.» روحانی‌نیا با اشاره به فاصله زیادی که کیفیت مداحی این استان با استان‌های هم‌جوار مخصوصاً خراسان رضوی دارد و با تأکید بر لزوم برنامه‌ریزی برای ارتقاء کیفی مداحی و ذاکری اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در استان‌ها، گفت: «امیدوارم با همراهی بنیاد دعبل خزاعی و به کمک مداحان پیش‌کسوت و توانمند استان، در آینده‌ای نزدیک ارتقاء کیفی نحوه ستایشگری و مداحی برای اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را شاهد باشیم.»

در این نشست میثم غضنفری، مدیر عامل بنیاد دعبل خزاعی، تأکید کرد: «بنیاد موظف است که در وهله نخست، افراد نیازمند و پیش‌کسوت عرصه مداحی و ذاکری اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را تحت پوشش خدمات خود قرار دهد. متأسفانه توجه نکردن به این امر باعث سبیلی از توقعات و انتظارات به سمت بنیاد دعبل و نمایندگان آن در استان‌ها شده است. همین موضوع و کمبود اعتبارات لازم برای ارائه خدمات به همه



ارزیابی مداحان بیمه شده استان خراسان شمالی

متقاضیان، موجبات ناراحتی و واکنش‌های منفی برخی از مداحان را به همراه داشته است.» قائم مقام مدیر عامل بنیاد دعبل خزاعی، حسن بختیاری، نیز ضمن قدردانی از زحمات ادارات کل تبلیغات اسلامی در استان‌ها گفت: «انتخاب نمایندگان بنیاد در استان‌ها در بدو تأسیس بنیاد دعبل خزاعی، با مشورت ادارات کل تبلیغات اسلامی استان‌ها صورت گرفته است. این ادارات در طول خدمات‌رسانی بنیاد دعبل خزاعی، پیوسته مورد مشورت در موضوعات مختلف بوده‌اند.»

ارزیابی مداحان بیمه‌شده استان خراسان شمالی

در سفر استانی مدیران بنیاد دعبل به خراسان جنوبی، ارزیابی مداحان بیمه‌شده استان نیز در برنامه‌های ایشان بود. در این سفر که به منظور به‌روزرسانی بانک اطلاعات مداحان استان و احراز سطح کیفی مداحی هر یک از بیمه‌شدگان انجام شد، ۵۴ نفر از مداحان استان ارزیابی شدند. ارزیابی مداحان استان خراسان شمالی، بیست و ششم و بیست و هفتم خردادماه ۱۳۹۲ ش. با حضور «سید میرزا شریعت‌دوست» و «حاج قاسم مهرنیا» در حسینیه گرونی‌ها انجام شد.

در پنجمین نشست شورای هماهنگی تشکل‌های ستایشگران اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اظهار امیدواری شد که به تدریج اعضای دیگری نیز برای شرکت در این جلسات دعوت شوند و موضوعات زیر در دستور کار قرار گیرد:

■ دیدبانی فرهنگی در سطح ملی، جمع‌آوری و تحلیل آمار و اطلاعات، تدوین پیشنهادهای فرهنگی برای نهادهای سیاست‌گذار فرهنگی در موضوع ستایشگری (شورای انقلاب فرهنگی، شورای فرهنگ عمومی، کارگروه مدیریت کلان دستگاه‌های فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی، کمیسیون فرهنگی مجلس، وزارت ارشاد، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان اوقاف و امور خیریه و سازمان حج و زیارت)

مصطفی خورسندی: از خروجی‌های مهم این سلسله نشست‌ها باید جواب

این پرسش باشد که نیاز امروز مداحان چیست؟ موضوعات مهم این عرصه چه موضوعاتی است؟ سپس باید درباره این موضوع تصمیم‌گیری شود که نحوه عرضه مطالب به مخاطبان به چه شکلی باید باشد؟



■ همکاری مشترک در طراحی و تدوین سند چشم‌انداز، مأموریت، اهداف و راهبرد، ساختارها و آیین‌نامه‌های داخلی برای تشکل‌های فعال بر اساس:

- رهنمودهای مقام معظم رهبری
- چشم‌انداز ۲۰ ساله
- برنامه‌های توسعه
- اصول و اهداف سیاست‌های فرهنگی کشور
- مصوبه ساماندهی شئون فرهنگی در شورای انقلاب فرهنگی
- همکاری مشترک در تعریف دقیق مخاطبان با استفاده از شیوه‌های علمی افکار‌سنجی و بر اساس متدهای جامعه‌شناختی
- همکاری مشترک در اخذ نظرهای صاحب‌نظران، کارشناسان و پیش‌کسوتان

■ هماهنگی بین عملکرد اعضا برای جلوگیری از موازی‌کاری و هم‌افزایی میان اعضا از طریق تعمیق روابط

■ اجرای طرح‌های مشترک برای سنجش میزان اثربخشی برنامه‌ها و خدمات فرهنگی اعضا

■ اجرای برنامه‌های مشترک برای سازمانی (بهبود وضعیت منابع انسانی، برنامه‌ریزی راهبردی و عملیاتی، ایجاد کتابخانه‌های تخصصی، به‌اشتراک‌گذاری منابع اطلاعاتی، سخت‌افزار و نرم‌افزار، توانمندی‌ها و معرفی کارشناسان و صاحب‌نظران کمتر شناخته‌شده به دیگر اعضا)



پنجاه و چهارمین نشست هم‌اندیشی در بنیاد دعبل برگزار شد

نظام ارزش‌گذاری و طبقه‌بندی محصولات علمی، پژوهشی، فرهنگی و رسانه‌ای

محمد حسینی

و یا به دلیل بد عرضه کردن محتوا در مجالس ایجاد شده باشند.»

در این نشست «محسن حسام‌مظاهری» پیش‌تر نظام ارزش‌گذاری و طبقه‌بندی محصولات علمی، پژوهشی، فرهنگی و رسانه‌ای را در قالب «کتاب سال عاشورا» تشریح کرد. همچنین «عبدالمیر فائق» با تأکید بر اهمیت دقت در جزئیات این طرح اظهار امیدواری کرد، و برایش نخست نظام ارزش‌گذاری و طبقه‌بندی محصولات علمی برای بررسی در هیئت علمی به زودی آماده شود.

در پنجاه و چهارمین نشست هم‌اندیشی اعضای هیئت علمی بنیاد دعبل خزاعی، سومین نشست تخصصی شعر هیئت با موضوع «روش‌های انتخاب و عرضه شعر هیئت» نیز بررسی شد. اعضای هیئت علمی با توجه به غنا و کیفیت مطلوب مقالات ارائه شده در نشست‌های تخصصی شعر هیئت اظهار امیدواری کردند، برنامه‌ریزی برای حضور مخاطبان بیشتر لحاظ شود.

پنجاه و چهارمین نشست هم‌اندیشی در بنیاد دعبل خزاعی، سه‌شنبه بیست و پنجم تیرماه ۱۳۹۲ ش. با حضور اعضای هیئت علمی بنیاد، آقایان: محمدرضا سنگری، غلامحسین رفیعا، مهدی آصفی، مهدی امین‌فروغی، عبدالامیر فائق، محسن حسام‌مظاهری و مدیر گروه فرهنگی و آموزشی بنیاد دعبل خزاعی، عزت‌اله پوریان، در دفتر مرکزی بنیاد برگزار شد.

بررسی‌های دقیق در هیئت علمی در اختیار فرهنگیان، پژوهشگران، عالمان و فعالان رسانه‌ای قرار گیرد.» ایشان در خصوص تدوین بسته‌های پرسشی مورد نیاز برای طرح‌های خرد و کلان افکارسنجی و پژوهشی به رعایت و در نظر داشتن موارد زیر تأکید کرد:

- سنجش برای چه؟
- تعیین و تشخیص جامعه مخاطب
- تعیین سنجش گران
- چگونگی سنجش
- چه چیزهایی را می‌خواهیم بسنجیم؟

رئیس هیئت علمی بنیاد دعبل خزاعی دربارهٔ تدوین بسته‌های پرسشی برای استفتاء از مراجع و علوم دینی به تذکر مقام معظم رهبری اشاره کرد؛ که «کاری نکنید، وقتی از مجلس بیرون می‌روند به جای روشن بینی به شک و ابهام برسند.» و گفت: «منظور از این مسئله، هم مسائل فقهی مربوط به به‌ذاکری و مداحی است و هم مسائل مستحدثه؛ مثلاً در زمینه تحریفات و مسائل نوظهوری که در میان مخاطبان محافل و مجالس ذاکری اهل بیت علیهم‌السلام مطرح می‌شوند. ما باید به این مسائل بپردازیم. برخی اتفاقات در محافل و مجالس شبه‌انگیز است و باید احصاء شوند. متأسفانه در این حوزه کاری انجام نشده است. اولین گام برای انجام این امر حضور در محافل و مجالس و احصاء موارد است. شبهاتی که ممکن است با عامل بیرونی

پنجاه و چهارمین نشست هم‌اندیشی اعضای هیئت علمی بنیاد دعبل خزاعی برگزار شد. در این نشست نقد و بررسی اقدامات علمی، فرهنگی و آموزشی بنیاد دعبل مخصوصاً «سلسله نشست‌های تخصصی شعر هیئت» در دستور کار اعضای هیئت علمی قرار گرفت. در ادامه، اعضای هیئت علمی بنیاد دعبل خزاعی با نیم‌نگاهی به سایر جلسات و مصوبات گذشته، دربارهٔ موضوعات زیر هم‌اندیشی کردند:

- طراحی نظام ارزش‌گذاری و طبقه‌بندی محصولات علمی، پژوهشی، فرهنگی و رسانه‌ای (کتاب سال، محصولات فرهنگی و...)

- تدوین بسته‌های پرسشی مورد نیاز برای طرح‌های خرد و کلان افکارسنجی و پژوهشی

- تدوین بسته‌های پرسشی برای استفتاء از مراجع و دانشمندان علوم دینی

- تدوین سرفصل‌ها، موضوعات و اولویت‌های پژوهشی

رئیس هیئت علمی بنیاد دعبل خزاعی، دکتر محمدرضا سنگری، در این نشست به پیش‌نویس «نظام‌نامهٔ نحوهٔ حمایت از رساله‌ها و پایان‌نامه‌های دانشگاهی و حوزوی یا موضوع ستایشگری اهل بیت علیهم‌السلام» که قبلاً در بنیاد دعبل خزاعی تهیه و تنظیم شده، اشاره کرد و گفت: «نظام ارزش‌گذاری و طبقه‌بندی محصولات علمی، پژوهشی، فرهنگی و رسانه‌ای نیز باید به‌طریقی مشابه تهیه و پس از

یادداشت



به همین سادگی؟!

میشم غضنفری

حتماً بارها نام «حسان»، «فرزدق»، «کمیت»، «سید حمیری»، «عفان طایی»، «دعبل خزاعی»، «ابن سکیت» را شنیده‌اید. «قرار است» نام شما را در ادامه این فهرست بنویسند. «؟»

«جامهٔ ذاکری اهل بیت علیهم السلام» آن هم به دست «اهل بیت (ع)» ابتدا برای این بزرگواران دوخته شد. چقدر دربارهٔ آنها می‌دانید؟

ذکر و ذاکری را در «بینش»، «منش» و «روش» اینان بیابید، نه در رفتار «ستاره‌ها» و اغوای «رسانه‌ها» و فضای «همهمه‌ها».

در ذاکری اهل بیت علیهم السلام:

- مخاطب، «مهم» است نه «محور».

- ذاکر «خادم» است نه «مراد».

- ذکر، چاشنی «فکر» است، نه مخدر «روح».

- نغمه، ترنم «روح» و سوز «دل» است نه هیجان بی کلمه!

- شعر، «اندیشهٔ موزون» است. منت «ثقلین» را به دوش می‌کشد نه منت موسیقی را!

- نوحه، از «دل» آغاز می‌شود نه از «زبان».

چنین که باشد «لاجرم بر دل نشیند».

- ذاکر را با میزان خلوصش خواهند سنجید نه با میزان فروش نوارش.

پاسخ «ذاکری اهل بیت علیهم السلام چه هست؟» فراتر از فهم من است؛ اما پاسخ «ذاکری اهل بیت علیهم السلام چه نیست؟» را می‌دانم:

ذاکری اهل بیت علیهم السلام تظاهر نیست، نمایش نیست، داستان نیست، شغل نیست، زبان بازی نیست، سرگرمی نیست، ابزار نیست، بی‌نیاز از دانش نیست، بی‌نیاز از اعتقاد نیست، بی‌ربط با نیت ذاکر نیست، شور بی‌شعور نیست، صرفاً صدای خوش نیست، خارج از قواعد شرع نیست.

ذاکری اهل بیت علیهم السلام ساده نیست. لااقل «به همین سادگی» نیست!



یادداشت

برنامه‌ریزی فرهنگی ۲

دیناقاسمی

تهران در دوره‌ای از مدیریت این کلان‌شهر را با توجه جدی به هیئات مذهبی در زمانی دیگر حکایت از دو نگاه متفاوت از دو مدیر، در یک مسند خاص نشان می‌دهد.

یکی از دلایل اختلاف نظر گروه‌های مختلف جامعهٔ کنونی ایران در زمینهٔ ارزیابی و تدوین صورت مسئلهٔ فرهنگی، همین امر است و این اختلاف نظر به حیطهٔ وظایف و مسئولیت‌های اجرایی در سطح کلان نیز کشیده می‌شود. یکی وظیفهٔ دولت را سیاستگذاری برای اصلاح اخلاق جامعه و رواج دادن آداب مشخص و مشهود دینی می‌داند و دیگری وظیفهٔ دولت را بر آوردن نیازهای عمومی فرهنگی همچون تسهیل دسترسی به خدمات و کالاهای فرهنگی از قبیل کتاب، سینما و تئاتر.

بر این اساس به نظر می‌رسد تا زمانیکه «دامنهٔ سیاست‌ها و حوزهٔ عمل» دولت و نهادهای عمومی مشخص نشود، یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاستگذاری فرهنگی در کشور حل نشده باقی می‌ماند. در حقیقت به دلیل تعریف مبهم و گنگی که از فرهنگ در ذهن برخی سیاستگذاران و مدیران خرد و کلان فرهنگی وجود دارد، دامنهٔ اقدامات آنها نیز مبهم است. برخی از مدیران فرهنگی به حوزهٔ تخصصی خود کم توجه‌اند؛ یعنی هر چیزی را که رنگ و بوی فرهنگی، تبلیغاتی و دینی باشد در حیطهٔ وظایف خود می‌پندارند و به شرح وظایف خود کم توجه‌اند؛ مثلاً برخی نهادهای اجرایی در شهر تهران با استفاده از امکانات گستردهٔ خود به جای سازمان تبلیغات اسلامی ایفای نقش می‌کنند؛ درحالی‌که اهالی ساکن پایتخت انتظار حل مشکلاتی از قبیل فرهنگ شهری را از ایشان دارند.

توجه: سلسله یادداشت‌های برنامه‌ریزی فرهنگی که زین پس در سایت و ماهنامهٔ دعبل منتشر می‌شوند، برگرفته از کتاب «سیاستگذاری فرهنگی» نوشتهٔ دکتر «کیومرث اشتریان»، استاد دانشگاه تهران است. نگارنده در تدوین این سلسله یادداشت‌ها تلاش می‌کند در حد توان کار در حوزهٔ هیئات مذهبی و در سطحی وسیع‌تر، تلاش در زمینهٔ تبلیغ دینی را با به‌کار بردن مثال‌هایی ملموس به برنامه‌ریزی فرهنگی مرتبط کند.

در یادداشت پیشین به اختصار به مفهوم برنامه‌ریزی و رابطهٔ آن با مفاهیم گسترده‌تر همچون ارزش، هدف و سیاستگذاری پرداخته شد. تصریح شد که سیاستگذاری عبارت است از مجموعه راهکارهایی کلی که برای دست‌یابی به هدف خاص طرح می‌شوند و در نهایت، این سیاست‌ها به سیاست‌های خردتر تبدیل می‌شوند که مجریان آن را نشان می‌دهند و سپس برنامه‌ریزی‌ها توسط مدیران به اجرا در می‌آیند. در ادامهٔ یادداشت گذشته، اینک به مراحل یا چرخهٔ سیاستگذاری اشاره می‌کنم:

مراحل سیاستگذاری به ترتیب عبارتند از:

تشخیص و صورت‌بندی مسئله

مبانی نظری و شناسایی راه‌حل‌ها

تصمیم‌گیری

اجراء نظارت و انتصاب ابزار سیاستگذاری

ارزیابی سیاست اجرا شده

تشخیص و صورت‌بندی مسئله:

صورت‌بندی مسائلی یکی از اساسی‌ترین ضروریات برای فائق آمدن بر ابهام و کلی‌گویی در سیاست‌گذاری فرهنگی است، از طرفی مسئله‌یابی و صورت‌بندی مسئلهٔ فرهنگی خود از موضوعات سهل و ممتنع است؛ مثلاً دامنهٔ گستردهٔ فرهنگ در عرصهٔ سیاستگذاری، موضوع منازعات گروه‌های سیاسی و اجتماعی قرار می‌گیرد. از آنجایی که آمال هر گروه با گروه دیگر متفاوت است، هر گروه یا حتی هر سازمان تعریف خاص از فرهنگ، سیاست فرهنگی و وضعیت فرهنگی مطرح می‌کند و در نتیجه ارزیابی گروه‌های سیاسی از وضعیت فرهنگی و سیاست‌های فرهنگی نیز احتمالاً در معرض یادگیری گروه‌ها یا سازمان‌های متولی در حوزه‌های مشترک قرار می‌گیرد. اگر گروه‌های گسترده، فرهنگی را به اخلاق عمومی در چهارچوب‌های مصطلح فقهی محدود کند، طبیعتاً انتظاری که از وضعیت فرهنگی جامعه دارد در تعارض با گروهی قرار می‌گیرد که فرهنگ و سیاست‌های فرهنگی را در چهارچوب خدمات و کالاهای عمومی تعریف می‌کند. تأسیس و توسعه فرهنگسراها در شهر

نقش مداحان و شاعران آیینی در ایام ماه مبارک رمضان

مناسک و اعمال ماه رمضان

طلعت ده پهلوان

و طهارت علیهم السلام را گرم و اشک عاشقانه شیعیان آل الله را جاری می سازند، از عوامل مهم بقاء فرهنگ شیعیان اند. مداحی اهل بیت و نوحه خوانی در سوگ آنان، از جمله کارهایی است که حادثه عاشورا را زنده نگه داشته است، ائمه نیز از مداحان و ذاکران، تقدیر و تشویق می کردند، صلّه می دادند، دعا می کردند و برای این کار، فضیلت و ثواب بسیار می شمردند.^۱

امام صادق علیه السلام فرموده است: «الحمد لله الذی جعل فی الناس من یفد الینا و یمدحنا و یرثی لنا» «خدا را سپاس که در میان مردم، کسانی را قرار داده که به سوی ما می آیند و ما را مدح و مرثیه می گویند.»^۲ روایت دیگری از امام رضا علیه السلام در تشویق دعبل به مرثیه خوانی در ایام مصایب اهل بیت علیهم السلام می فرماید: «یا دعبل! احب ان تنشدنی شعرا فان هذه الایام حزن کانت علینا اهل البیت» «ای دعبل، دوست

یکی از برکات مکتب تشیع بر خورداری از مناسبت های فراوان در طول سال با محوریت اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم در ماه های مبارک و روزهای میلاد و وفات آنان است. این مناسبت ها زمینه برپایی آیین و مراسمی را در خانه ها، مساجد و محافل مذهبی فراهم می آورد که از رهگذر آنها، هم پایه های اعتقادات دینی و باورهای مذهبی مردم استحکام می یابد و هم پیوند معنوی و عاطفی شیعه با اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام عمیق تر و مستحکم تر می شود که این از عوامل مهم بقاء فرهنگ شیعی است.

لگو دادن به مخاطبان

مداحان اهل بیت علیهم السلام که با ذکر مصایب و فضایل خاندان وحی، مجالس شیعیان اهل بیت عصمت



مرثیه، مقتل، ادعیه و زیارات

در این شماره از نشریه «دعبل» پرونده ویژه «مرثیه، مقتل، ادعیه و زیارات» را گشودیم. رعایت آداب ادعیه و زیارات، بایسته های دعا از منظر اهل بیت علیهم السلام و اهمیت و ضرورت مقتل خوانی از مباحث این پرونده هستند.

در یادداشت «مناسک و اعمال ماه مبارک رمضان» نیم نگاهی به نقش مداحان و شاعران آیینی در ماه مبارک رمضان داریم. در این پرونده، در گفت و گو با «علیرضا بکایی» کتاب «ره توشه ی مناجاتیان» اثر ایشان را معرفی کرده ایم. حاج رضا بکایی در این گفت و گو برخی موانع و شرایط استجاب دعا را ذکر می کنند.

آخرین مطلب این پرونده، مقاله ای از دکتر «محمد رضا سنگری» درباره مقتل خوانی است. ایشان در این مقاله، عناصر مقتل خوانی و اهمیت و ضرورت آن را برمی شمارند.

برای مطالعه مطالب بیشتر درباره موضوع این پرونده به پایگاه اطلاع رسانی بنیاد دعبل خزاعی مراجعه کنید:

<http://www.deabel.com/news/>

در بخش پرونده های ویژه سایت، مطالب هر پرونده با مقالات، یادداشت ها و گفت و گوهای بیشتر پیگیری می شوند.





دارم برایم شعر بسرایی و بخوانی، چون این روزها، روزهای اندوه ما اهل بیت است.»^۲

مداحی در ماه مبارک رمضان، نوعی الگو دادن به مخاطبان و شخصیت پردازی اجتماعی و الگویی برای جامعه ارزشی است. سنجگری برای پراکندن و نشر فضیلت‌ها در قالبی مؤثر و فراگیر نسبت به همه است و مداحان به خاطر اهمیت کارشان در جامعه و در شکلدهی افکار و عواطف، نقش مهمی دارند. فلسفه مداحی در این ماه مبارک، ترویج خوبی‌ها و تبیین روحیه‌های والای ائمه و شهدای اسلام و دمیدن روح تعهد و حماسه در شیعه است. بنابراین به تعبیر مقام معظم رهبری: «جامعه مداح و ذاکر و ستایشگران اهل بیت، طبقه‌ای هستند که در سایه این روش، بیشترین تأثیر را در تعمیق فرهنگ و معارف اسلامی در ذهن مردم دارند... قضیه، فقط قضیه شعرخوانی نیست. مسئله، مسئله پراکندن مباح و فضایل و حقایق در قالبی است که برای همه شنوندگان، قابل فهم و درک باشد و در دل آنها تأثیر بگذارد.»^۳

خلوص مداح در این ایام زمینه جذب مردم را فراهم می‌کند. وجود یک جامعه سالم مدیون توجه به اعتقادات دینی و محبت اهل بیت علیهم السلام است و مجهز شدن مداحان به سواد دینی و اطلاعات مداحی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. در واقع یک مداح باید برای نفوذ در دل‌های روزه‌داران، با نیت خالص، انتخاب اشعار زیبا و مستند و با آمادگی کامل فرهنگی و دینی در مجالس ماه مبارک رمضان حضور یابد.^۴

قداست و فضیلت ماه مبارک رمضان

در فضیلت و شرافت ماه رمضان همین بس که در میان ماه‌های قمری تنها ماهی است که خدای تبارک و تعالی نام آن را در کتاب شریف خود ذکر نموده و آن را ظرف زمانی نزول انزالی قرآن - که جزء بهترین هدایای الهی به جامعه بشریت است - معرفی فرموده است. در قرآن کریم راجع به این ماه عظیم چنین آمده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید روزه بر شما واجب شده همان طور که بر اقوام قبل از شما واجب شده بود؛ شاید با تقوا شوید و این روزهایی چند است. پس هر کس از شما مریض و یا مسافر باشد باید ایامی دیگر به جای آن بگیرد و اما کسانی که به هیچ وجه نمی‌توانند روزه بگیرند، عوض روزه برای هر روز یک مسکین طعام دهند و اگر کسی عمل خیری را داوطلبانه انجام دهد برایش بهتر است. و این که روزه بگیرد برای تان خیر است؛ اگر بنای عمل کردن دارید.» روزه فقط امساک از اکل و شرب نیست؛ بلکه شرایطی دیگر هم همراه آن است. تعهد و مسئولیت‌های انسان در برابر روزه، این فریضه الهی زیاد است.^۵

فلسفه مداحی در این ماه مبارک ترویج خوبی‌ها و تبیین روحیه‌های والای ائمه و شهدای اسلام و دمیدن روح تعهد و حماسه در شیعه است



بنابراین ماه مبارک رمضان، از قداست و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چنانکه در دعای مخصوص این ماه می‌خوانیم: «... و هذا شهر عظمته و کرمته و شرفته و فضله علی الشهور...» رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم میفرماید: «اگر کسی در این ماه، یک آیه از قرآن تلاوت کند، ثوابش مثل کسی است که در غیر ماه رمضان، یک بار قرآن را ختم کرده باشد.»^۶ از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است: «هر کس در ماه رمضان، صدقه‌ای بدهد خداوند ۷۰ نوحه بلا را از او

مبطلات دیگر و خلاصه اجتناب از گناهان و معصیت خداوند می‌باشد؛ زیرا روزه‌دار بدون پرهیز از تمامی محرّمات، روزه واقعی را در خویش تحقق نبخشیده است.

در جای دیگر روایت شده که حضرت رضا علیه السلام در رابطه با شرایط روزه و روزه‌داری چنین فرمودند: «بیدان آبی روزه‌دار آید خدای رحمت کند، که به راستی روزه ستر و حجابی است که خداوند او را بر زبان‌ها و گوش‌ها و چشم‌ها و سایر جوارح زده است، هر گاه معتاد بر زشتی‌ها و شر و فساد باشند، (چون زبان و گوش و چشم و سایر جوارح هر گاه تحت کنترل دقیق ایمان و دین شخص باشند، از شر آنان کاملاً در امان می‌باشد) که طهارت (و حجاب صوم) بر اسماع و ابصار و غیره، او را از آتش جهنم می‌پوشاند و حجابی محکم از آتش برای او خواهند شد. به تحقیق خداوند بر هر «آدم» خسته‌ای برای روزه گرفتن حقی مقرر فرموده است؛ پس اگر آن حق را اداء کند (و به خوبی حق روزه‌داری را به جای آورد) هر آینه صائم و روزه‌دار است. (یعنی حق روزه را به جای آورده) و هر کس بعضی از آن شرایط را ترک نموده، از فضیلت و ثواب روزه‌اش به قدر و به حسب آنچه ترک کرده کاسته است.»^{۱۲}

منابع و مآخذ

- ۱- مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، ج ۲، ص ۱۹۴
- ۲- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۶۹
- ۳- جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۶۷
- ۴- ستودگان و ستایشگران، صص ۳۱-۳۰. این کتاب که مجموعه‌ای بر گرفته از سخنان مقام معظم رهبری در دیدارهای مکرر با واعظ و مداحان و شاعران آیینی است، بر محور موضوع مداحی، روضه‌خوانی، مرثیه‌سرایي و ... است و برای مداحان و ذاکران و شاعران اهل بیت علیهم السلام نکات بسیار سودمندی دارد. این کتاب در سال ۱۳۷۲ ش. در نشر «حوزه هنری» چاپ شده است.
- ۵- اصول و روش مداحی، صص ۲۱۰-۲۱۱
- ۶- قرآن کریم، آیات ۱۸۵-۱۸۳ سوره بقره و همچنین رک: امام صادق علیه السلام فرمود: «شهر رمضان راس السنة.» سید بن طاووس، اقبال الاعمال، ص ۴
- ۷- اقبال الاعمال، ص ۲۴
- ۸- امالی صدوق، ص ۹۳
- ۹- بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۱۶
- ۱۰- من لایحضره صدوق، ج ۲، ص ۷۴۰
- ۱۱- بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۹۵
- ۱۲- مستدرک الوسائل، نقل از وقایع ایام خیابانی، ص ۴۳۲

دور می‌کند.»^۸ امام علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌فرماید: «هیچ مؤمنی نیست که ماه رمضان را به حساب خداروزه بگیرد، مگر آن که خدای تبارک و تعالی هفت خلعت را برای او لازم گرداند: هر چه حرام در پیکرش باشد محو و ذوب گرداند. به رحمت خدای عزوجل نزدیک می‌شود. (با روزه خویش) خطای پدرش حضرت آدم را می‌پوشاند. خداوند لحظات جان دادن را برای او آسان کند. از گرسنگی و تشنگی روز قیامت در امان است. خدای عزوجل از خوراکی‌های لذیذ بهشتی او را نصیب دهد. و بالاخره خدای عزوجل، برائت و بی‌زاری از آتش دوزخ را به او عطا فرماید.»^۹

مداحان به خاطر اهمیت کارشان در جامعه و در شکلدهی افکار و عواطف نقش مهمی دارند



آداب و مناسک ماه مبارک رمضان

به هر حال، در جایگاه ویژه‌ی ماه مبارک رمضان و اهمیتی که بزرگان دین به این ماه داده‌اند، هیچ گونه تردیدی نیست. ماه رمضان از گذشته‌های دور تا کنون با آداب و مناسک خاصی همراه بوده است؛ از جمله بازی‌های ماه رمضان، کلوخ‌اندازان، افطاری دادن، الهه رضونی، الوداع، عید فطر، گری گشو، روزه کله گنجشکی، استقبالی و ... که این آداب در گذر زمان دستخوش تغییر و تحولاتی شده‌اند؛ اما همچنان و با جلوه‌هایی دیگر به حیات خود ادامه داده‌اند. امروزه بخشی از این آداب مرتبط با ماه مبارک رمضان، کمرنگ شده‌اند؛ اما همچنان بسیاری از آنها مانند رسم افطاری و سحری دادن بزرگان و ریش سفیدان، اطعام یتیمان و مستمندان، انجام مراسم شب‌های قدر، سوگواری و نوحه‌سرایي در ایام شهادت حضرت علی علیه السلام، برگزاری جشن عید فطر و اقامه نماز عید فطر، همه و همه جلوه‌هایی از مناسک این ماه صیافت الهی است. هر یک از معصومین در ادای مناسک و اعمال این ماه احادیثی ذکر کرده‌اند. حضرت فاطمه علیها السلام سیده نسوان عالم در آداب روزه‌داری می‌فرماید: «صائم با روزه خویش کاری نکرده (یعنی حق روزه را ادا نکرده) هر گاه زبان و گوش و چشم و جوارحش را (از آنچه که بر آنها حرام است) حفظ نکرده باشد.»^{۱۱} یعنی روزه یک مسلمان واقعی از حفظ شکم از کل خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و

دعا نردبان است و انسان را بالا برده و به خداوند می‌رساند

ره توشهٔ مناجاتیان

گفت و گو با علیرضا بکایی



«علیرضا بکایی» را اکثراً با حزن و آرامشی که در مناجات خوانی‌های او وجود دارد می‌شناسند. ایشان از مناجات خوان‌های معروفی است که سال‌ها با دعا و مناجات لحظات روحانی و دل‌انگیزی را برای مستمعان و حاضران در جلسات دعا و مناجات خوانی خلق کرده است. بکایی در کتابی به نام «ره توشه‌ی مناجاتیان» دربارهٔ سلوک، آداب و شرایط اجابت دعا در بیان بزرگان و اولیاء دین می‌نویسد. در نگارش این کتاب دیدگاه علمای برجستهٔ دینی نظیر امام خمینی (ره) و بخشی از دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در مورد دعا مورد توجه قرار گرفته است. سایر بخش‌های کتاب مربوط به عالمان و روحانیان بزرگی مانند: حاج محمدتقی املی، میرزا جواد ملکی تبریزی، آیت‌الله کشمیری، علامه تهرانی و رجبعلی خیاط، آقایان بهجت، حق شناس، انصاری همدانی، آیت‌الله قاضی است که در گفتار و کردار خود به این موضوع اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند. در این کتاب پس از نگارش نکاتی در اهمیت زیارت، برای حسن ختام، کتاب با داعی از امام خمینی (ره) به پایان می‌رسد.

در ادامه گفت‌وگوی «دعبل» با حاج علیرضا بکایی را دربارهٔ این کتاب و موضوع دعا و مناجات بخوانید.

الهام غربی

از خداوند فقط درخواست برآورده کردن خواسته‌هایمان را داریم؛ البته این موضوع رد نشده و مورد تأیید است و حضرت موسی علیه‌السلام گفتند: «که نخود آشتان را هم از ما بخواهید و اگر به غیر از ما رجوع کنید شرک است؛ مگر آنکه کسی را جلوی راهتان قرار دهیم.»

نوع اول دعا، بسیار زیبا و مختص به کسانی است که دعا می‌خوانند. در بعضی دعاها مانند دعای «مناجات شعبانیه» نوع اول دعا یعنی «خواندن» را توصیه می‌کنند و عبارت این دعا نشان‌گر این نکته است: «الهی حبیلی کمال الانقطاع الیک».

در نوع «خواستن» چون چیزی مورد نیاز است، انسان‌ها را به آن سمت می‌کشاند و میان انسان و دعا ارتباط برقرار می‌کند. گاهی انسان با زبان حال و گاهی نیز از ادبیات معصومان علیهم‌السلام استفاده می‌کند که به این نوع دعا کردن، «دعای مثنوره» گفته می‌شود. دعای مثنوره دعایی است که از خود امامان علیهم‌السلام به صورت مستقیم نقل شده و آنها این دعا را می‌خواندند؛ مانند دعای کمیل، دعای جوشن صغیر، دعای جوشن کبیر، دعای ابوحمزه ثمالی، دعای افتتاح.

در اینجا سؤالی مطرح می‌شود که اگر انسان با ادبیات خود با خداوند صحبت کند، بهتر است یا از ادبیات کسانی استفاده کند که انسان کاملی بوده و به خداوند نزدیک‌تر هستند؟ در جواب باید گفت که به طور یقین اگر از ادبیات امامان علیهم‌السلام استفاده کنیم و در قالب این ادبیات درخواست‌های خود را بیان کنیم، بهتر است.

دعا، نیاز انسان است و نمی‌توان منفک از دعا بود؛ بنابراین نمی‌توان گفت که گروهی جزو گروه مناجاتیان هستند. علت تأثیر گذاری دعا بر انسان این است که دعا، از طرف امامان علیهم‌السلام است. هر کس می‌تواند به اندازه فرهنگ و دانش خود با خداوند صحبت کند؛ اما وقتی این صحبت‌ها در ظرفی مانند دعای کمیل قرار گیرد، بسیار بهتر است؛ زیرا ادب سخن گفتن با خداوند، محتوا و این که چه چیزی از خداوند بخواهد را به انسان می‌آموزد. بعضی از دعاها انشای امامان هستند، امامان علیهم‌السلام، معصوم و عاری از هرگونه گناه بودند آنها می‌خواهند که ما با این نوع ادبیات با خداوند صحبت کنیم.

نیاز روحی ما اقتضا می‌کند، برای دعا که امری مستقل است، وقت مستقلی قرار دهیم؛ البته این موضوع به ظرفیت و معرفت انسان‌ها بستگی دارد، بعضی انسان‌ها زمان مشخصی را برای دعا خواندن انتخاب می‌کنند؛ مانند نیمه شب، سحرگاهان و بعضی نیز هنگامی که با مشکلی روبه‌رو می‌شوند، دعا می‌خوانند. این نوع دعا خواندن به خوبی، رابطه عبد و مولای تعریف نمی‌کند؛ البته این نوع دعا خواندن رد نشده است و هیچ ایرادی ندارد؛ فقط در این نوع دعا خواندن، انسان از درک لذت دعا خواندن محروم است و به نظر فرق آن، این است.

دعبل: به نظر شما دعا چه تأثیری بر انسان‌ها دارد؟

دعا، خوراک معنوی و نوعی عبادت است و عبادت هم جزو لاینفک نیاز انسان‌هاست. به نظر من، اگر حتی به دعا،

در چند قرن گذشته می‌زیستند، دعاخوان بودند.

دعبل: مهم‌ترین ویژگی مناجاتیان چیست؟ به نظر من مناجاتیان گروه خاصی نیستند؛ یعنی اعتقاد ندارم که گروهی هستند که اهل مناجات بوده‌اند.

دعا پاسخ‌گوی نیازهای روحی و اعتقادی انسان‌هاست و یکی از راه‌های کسب معرفت و شناخت امامان محسوب می‌شود



به طور یقین اگر از ادبیات امامان استفاده کنیم و در قالب این ادبیات درخواست‌های خود را بیان کنیم بهتر است



در ابتدا می‌خواهم تعریفی از دعا عرضه کنم؛ دعا نیاز روزانه انسان‌هاست. اصل دعا به دو معنا، یکی «خواندن» و دیگری «خواستن» است.

«خواندن»؛ یعنی، انسان بدون مطالبه به نزد خداوند برود و بگوید: «خداوند! تو مدیر و صاحب من هستی، من آمده‌ام با تو صحبت کنم و چیزی از تو نمی‌خواهم.» انسان‌های کمی با این رویکرد به نزد خداوند می‌روند؛ چون ارتباط ما با خداوند به صورت مطالبه‌گرانه است و

دعبل: لطفاً کمی درباره «ره‌توشه‌ی مناجاتیان» توضیح دهید؟

کتاب «ره‌توشه‌ی مناجاتیان» از نظر موضوع و محتوا به مسئله دعا می‌پردازد؛ از آنجا که جایگاه دعا در نظام دینی برای سالیان طولانی، دغدغه فکری من بود و آگاهی از این موضوع که دعا در نظر بزرگان دینی و اعتقادات مذهبی ما از جایگاه و حساسیت ویژه‌ای برخوردار است، بر آن شدم تا در این کتاب به این موضوع بیشتر بپردازم و در نگارش این کتاب از نظرها و دیدگاه‌های علمای برجسته دینی استفاده کردم.

دعا پاسخ‌گوی نیازهای روحی و اعتقادی انسان‌هاست و یکی از راه‌های کسب معرفت و شناخت امامان علیهم‌السلام محسوب می‌شود. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم فرموده‌اند: «من از دنیا می‌روم و دو چیز از خود به یادگار می‌گذارم؛ یکی قرآن و دیگری عترت»

«عترت» به درستی معنی و درک نشده است و تنها «حدیث ثقلین» توانایی عرضه کردن معنی درست و کامل عترت را دارد. این حدیث مورد تأیید اهل سنت و شیعه است. «قرآن» را قرآن؛ اما «عترت» را دوستی فرزندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم معرفی می‌کنند، به خاطر اینکه حدیث ثقلین نفرموده است که دوستی عترت من. به نظر من جایگاه دعا محو شده است. متأسفانه گاهی شاهد هستیم که از دعا، استفاده ابزاری می‌شود. دعا دارای جایگاه محکم و قوی‌ای است و خواندن آن نیز آداب ویژه‌ای دارد.

حضرت امام خمینی (ره) برای خواندن دعا ترتیب قائل شده‌اند؛ «نحوه خواندن دعا و اینکه چه دعایی مستجاب می‌شود؟ چه زمانی دعا بخوانیم؟ چه زمانی دعا نخوانیم؟ و چه زمانی دعا را به صورت فردی و چه زمانی دعا را به صورت جمعی بخوانیم؟» این موارد نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه خاص دعا در دین اسلام است؛ بنابراین دعا اصل مهمی از دین است.

قصد من از جمع‌آوری این مطالب، بالا بردن سطح اطلاعاتم بود. در طول کار متوجه شدم موضوعات دست‌نخورده بسیاری در این حوزه وجود دارند که دانستن آنها برای انسان‌ها مفید است؛ بنابراین در کتاب «ره‌توشه مناجاتیان» به این موضوع‌ها اشاره و به بیان دیدگاه‌های

بعضی از علمای زمان معاصر، مانند حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری و علمای شاخص گذشته که وزنه علمی بالایی داشتند در سرفصل‌های مجزا و مستقل پرداختم. به نظر من اگر کسی قصد خواندن دعا برای خود و دیگران دارد، باید از استادان مجرب این حوزه آموزش ببیند و تمرین بسیار انجام داده باشد؛ مانند خواندن قرآن، کسی که می‌خواهد قاری قرآن شود، مطمئناً بدون آموزش نمی‌تواند به هدف خود برسد. این موضوع که دعا را قرآن صاعد معرفی کرده‌اند، بیان‌گر همین مسئله است و جمله حضرت امام خمینی (ره) که از استادشان نقل فرمودند: «قرآن، قرآن نازل است و از بالا به پایین آمده است؛ دعا، قرآن صاعد است و از پایین به بالا می‌رود.» و تعبیر امام خمینی (ره) این بود که وقتی از پایین به بالا می‌رود، باید دعاخوان را هم از پایین به بالا ببرد. در تاریخ شاهد هستیم که علمای بزرگی همچون؛ چون مرحوم شاه‌آبادی، مرحوم دستغیب، مرحوم کلباسی که

نگاهی پاداش گونه داشته باشیم که در اعمال نیز تعریف شده است که پاداش دعا، ثوابی در آخرت است، باز هم در انسان ها اثر گذار است؛ اما اگر دعا را با شرایطی بخوانیم (با ادبیات امامان یا زمان مشخصی را برای آن قرار دهیم) این تأثیر را به طور مستقیم حس می کنیم.

انسان در طول روز با انسان های مختلف و متفاوتی صحبت می کند و این دور از معرفت است که با همه به صحبت بنشیند؛ اما با صاحب اصلی خود صحبت نکند. منظور از دعا این است که انسان صحبت هایی را در قالب دعا با پروردگارش بگوید. دعا رابطه انسان و خداوند را دو طرفه می کند. همان طور که می گوئیم: «الهی، ربی و سیدی» یعنی ما هم با تو صحبت می کنیم. هنگامی که جریان دوسویه شود، در انسان ها اشتیاق شناختن ایجاد می شود، این که چه کسی

است؟ چه چیزی را برای من در نظر گرفته است؟ عنایات ویژه او به بندگانش چه چیزی است؟

دعا خواندن خروجی های فراوانی دارد؛ وقتی انسان دعای می کند و راز خود را با

خداوند در میان می گذارد، دیگر آن را را با خلق خداوند نمی گوید. معمولاً وقتی برای مان مشکلی پیش می آید آن را با همه در میان می گذاریم و وقتی از اطرافیان مان ناامید می شویم به خداوند رجوع می کنیم. این نشان دهنده این است که معرفت انسان به حضرت حق بسیار کم است. فرمودند: «هر کسی را که می خواهی با او تماس بگیری اجازه دهید ما آن شخص را نزد شما بفرستیم؛ چون او بنده ما است.» نباید وقتی همه راه ها بر شما بسته شد به امام جماعت مسجد رجوع کنید.

بعضی از انسان ها برای خود و گاهی برای دیگران هم دعا می خوانند و حس خود را به دیگران منتقل می کنند. دایره حوزه دعا بسیار وسیع و گسترده است. شما اجازه دارید در هنگام قنوت با زبان فارسی با خداوند صحبت کنید.

در خواندن دعا باید به میزان در خواست، خضوع و جود داشته باشد. خواندن دعا تمرینی است تا انسان در برابر خداوند کرنش و لشکر کشی نکند. انجام گناه، برابر است با قلدوری کردن در برابر خداوند؛ اما این قلدوری جاهلانه است و اگر عامدانه باشد بسیار سخت و دشوار است.

امامان معصوم علیهم السلام همواره توصیه می کنند که در دعا بگوئید: «ما جاهل بودیم» همان طور که در دعاهای مختلف مثل «دعای کمیل» و «ابوحمز» ثمالی «بارها به جهل مان اعتراف می کنیم. بسیار ناپسند است که انسان در برابر مولای خود مرتکب جرم شود و بازگشت از آن بسیار سخت است. دعا انسان را متواضع می کند.

دعای: بهترین ماه برای استجابت دعا کدام ماه است؟

به نظر من هر زمانی برای دعا خواندن خوب و مناسب است و برای ارتباط با خداوند نباید زمان خاصی را در نظر گرفت؛ اما به دعا خواندن در ماه های «رجب، شعبان و رمضان» تأکید بیشتری شده است. همین طور به هنگام طلوع آفتاب، غروب آفتاب، بارش باران، نیمه شب، شب جمعه، نیمه شعبان، همه

شب های رمضان، روز عید فطر، روز عید قربان، روز ۱۷ رجب، ایام البیض، هنگام خواندن نماز و هنگام قرائت قرآن وضعیت ویژه ای برای پذیرش انسان ها فراهم شده است؛ البته انسان در هر زمانی پذیرفته می شود؛ اما فضیلت خواندن دعا در این زمان ها بیشتر است.

تنها راه پرسرعت، طولانی و اتوبانی برقراری ارتباط با خدا، دعاست. بهترین دعاها مانند «ابوحمز» ثمالی، «افتتاح»، «جوشن صغیر»، «جوشن کبیر» مربوط به ماه رمضان هستند. بسیار سفارش شده است که «نیمه های شب از خواب برخیزید و به خواندن دعا و عبادت مشغول شوید و اندکی از چیزی که در اختیار شما قرار دادیم، به ما دهید؛ البته ما به آن احتیاج نداریم و ۱۰ برابر آن را به شما برمی گردانیم.»

دعای: با توجه به متن کتاب «ره توشه‌ی مناجاتیان» برخی از موانع و شرایط استجابت دعا را بگوئید.

موانع استجابت دعا در آداب دعا یک اصل است و سرفصلی را به خود اختصاص می دهد و مقدم این است تا در جلد دوم کتاب «ره توشه‌ی مناجاتیان» به صورت علمی و پژوهشی به این موضوع بپردازم. حدود ۱۳ مانع برای استجابت دعا ذکر شده است که از آنها می توان به «مطلق گناهان» اشاره کرد. حضرت علی علیه السلام می فرمایند: «المعصیة تمنع الاجابة»؛ «گناه مانع اجابت دعا است.» گناه و معصیت مانند این است که دعا به دیوار برخورد کند. برای همین باید قبل از دعا، توبه صورت گیرد تا راه دعا باز شود. دعای بدون توبه مانند این است که در ظرفی که تمیز و مناسب پختن غذا نیست، غذا تهیه کنیم؛ اگر با بهترین مواد خوراکی هم این خوراک تهیه شود، باز هم دلدپذیر نخواهد شد؛ بنابراین اول باید ظرف را تمیز و پاکیزه، سپس در آن خوراک تهیه کرد. انسان نیز در مرحله اول باید توبه کند؛ سپس آماده دعا خواندن شود.

دعا معطر است، مانند شیشه عطری که با باز کردن در آن، همه جا معطر می شود. «اللهم اغفر لی کل ذنب یحسب رزقی، و یحجب مسألتی، أو یقصر بی»؛ دعا نه تنها باعث استجابت دعا می شود؛ بلکه رزقت را هم زیاد می کند، «خداوند! بیخش گناهی را که در پرونده من است که مانع رزق من شده اند.» نباید فکر کرد رزق و روزی ما همین حقوق روزمره ماست، خداوند هزاران روزی را برای مادر نظر گرفته است.

از موانع دیگر استجابت دعا می توان به «ظلم و کمک به ظالم»، «عقوق والدین»، «قاطع رحم» یعنی کسی که خویشی را ببرد و پیوند برادری را گسسته کند و «ترک امر به معروف و نهی از منکر» یعنی کسی که خود گناه انجام نمی دهد؛ ولی نسبت به گناه کردن دیگران هم بی تفاوت است، اشاره کرد.

در باره داشتن خلوت گاه برای دعا خواندن هم، منظور این است که انسان برای دعا خواندن و انجام فعالیت های معنوی خود برنامه ریزی کند که متأسفانه این گونه نیست. دعا باعث مراقبت انسان در هنگام گناه می شود و یادآور عبور نکردن از خط قرمزهای گناه است.

دعای: در نگارش کتابتان از کدام منابع تاریخی استفاده کردید؟

در نگارش این کتاب از دیدگاه علمای برجسته دینی استفاده کردم. مجموعه ای از بیانات حضرت



بهرتر خواندن دعا، زیر نظر استادان مجرب این حوزه آموزش ببینند؛ چون دعاخوانی فقط روخوانی کردن نیست؛ بلکه باید درک درستی از دعا داشته باشند. نکته بعدی این است که اگر مداح یا هر کس دیگری بتواند با دعا ارتباط برقرار کند، می‌تواند بین مخاطب و دعا نیز ارتباط برقرار کند؛ اگر غیر از این باشد روخوانی محض است که این نوع دعا خواندن در انسان تحولی ایجاد نکرده و اثرگذار نیست. اگر دعا در جایگاه و زمان خاص خود خوانده شود، انسان به مطالب جدیدی دست پیدا می‌کند و حس جدیدی در انسان ایجاد می‌شود و نهایتاً به یک ارتباط جدید دست پیدا می‌کند. از نمونه‌های بارز این حس می‌توان به دوران دفاع مقدس اشاره کرد. رزمندگان در جبهه‌ها با مناجات و نماز عجین شده بودند و در خلوت خود مشغول به راز و نیاز بودند. همان‌طور که اهل معرفت سفارش به راز و نیاز در خلوت می‌کنند.

همه دعاهای مناسب و خوب هستند و بعضی از دعاهای مانند دعای کمیل، ابوحزمه ثمالی، دعای افتتاح ضمن اینکه دعا هستند معارف، خدانشناسی و خودشناسی را نیز به همراه دارند. هر دعا ادبیات و لذت خاص خود را به همراه دارد. از آنجا که مداحان و ذاکران مورد تأیید هستند، نباید ارتباطشان را با دعا و قرآن قطع کنند، هر مداح در روز باید حداقل ۵۰ آیه مطالعه کند و زمانی را برای دعا و خلوت خود اختصاص دهد و از آنجایی که نمی‌تواند همه اطلاعات خود را در اختیار مردم قرار دهد باید درصدی از آن را در اختیار مردم و مخاطبان خود قرار دهد.

دعبل: شما اثر جدیدی در دست تولید دارید؟

بله، مدت کمی است که در حال تألیف جلد دوم کتاب «ره توشه مناجاتیان» هستم. این کار کاملاً علمی و روایی است. در این کتاب به موضوعاتی چون «برکات دعا»، «برآورده شدن حوائج»، «دعا کلید است»، «سالم ماندن انسان از کید شیطان»، «زنده شدن دل و برگرداندن غذای الهی»، «مثلاً گاهی اوقات خداوند برای ما چیزی را در نظر گرفته است، به درگاه خداوند دعا و التماس می‌کنیم و آن را برمی‌گردانیم، موضوع دیگری که در کتاب به آن پرداخته‌ام، «انس در وحشت» است؛ مثلاً گاهی انسان در تنهایی می‌ترسد وقتی دعا می‌خواند با این وجود که تنها است؛ ولی دیگر حس ترس را ندارد و این از برکات دعا است.

دعبل: اگر در مورد موضوع مناجات و کتاب «ره توشه مناجاتیان» نکاتی هست که لازم می‌دانید به آنها اشاره کنید، بفرمایید.

امیدوارم در ماه شعبان و رمضان که در پیش داریم، انس با قرآن و دعا که فرهنگ غنی اهل بیت علیهم‌السلام است را تقویت کنیم که اگر غیر از این باشد نیاز معنوی ما تأمین نخواهد شد. امیدوارم وظیفه‌ای را که بر دوش ما گذاشته شده، به نحو خوب و کامل انجام دهیم تا مورد تأیید امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار بگیرد. توصیه من این است که با دعا خواندن فضای معنوی بیشتری به جامعه تزریق شود؛ چون دعا کلمات معصومان علیهم‌السلام است و خطا و اشتباه در آن وجود ندارد؛ زیرا متأثر از وحی است؛ برای همین است که دعا را قرآن صاعد می‌خوانند.

مذهبی، جوانان حضور می‌یابند؛ اگر بتوانیم نکات بارز و برتر این مطالب را معرفی کنیم و خوراکی مناسب را در اختیار جوان‌ها قرار دهیم، قطعاً با استقبال بهتری مواجه خواهیم شد.

توصیه‌ای به مداحان دارم و آن این است که برای بهتر خواندن دعا زیر نظر استادان مجرب این حوزه آموزش ببینند



دعبل: شما راه کار تبلیغ را برای جلوگیری از این کار پیشنهاد می‌کنید؟

راهکار من برای این کار اطلاع‌رسانی درست است. کسی باید اطلاع‌رسانی را انجام دهد که در این حوزه تخصص داشته باشد و بتواند در این موضوع ورود کند و نقاط قوت را اطلاع‌رسانی و در اختیار مخاطب قرار دهد. مخاطبان باید از خروجی این کتاب آگاه شوند تا وقت خود را برای مطالعه این کتاب اختصاص دهند. در گذشته برای مطالعه جوان‌ها مسیر مطالعاتی تعریف می‌کردند به این صورت که از کجا شروع به خواندن کنیم؟ چه کتابی را بخوانیم؟ دسته‌بندی کتاب و ... که متأسفانه امروز چنین کاری انجام نمی‌شود و تقریباً می‌توان گفت که نیمه تعطیل است.

دعبل: اصلی‌ترین نکاتی که برای نوشتن کتب مذهبی، به ویژه کتاب‌هایی از این قبیل باید رعایت شود چه نکاتی است؟

بستگی به حوزه مطالعاتی و تحقیقاتی نویسنده دارد. ابتدا، باید نوع گرایش نویسنده مشخص شود. دوم، موضوعی را انتخاب کند که کمتر به آن موضوع پرداخته شده باشد تا از دوباره کاری و رونویسی از مطالب گذشته جلوگیری شود. به نظر من اگر نویسنده روی مسئله و موضوع خود، تحقیق میدانی انجام دهد و بعد از آن این اطلاعات را جمع‌آوری کند و به زبان روز و زنده به نگارش درآورد، مطمئناً کاری تولید خواهد کرد که هم جذاب و هم ماندگار است؛ البته کتب مرجع از این نکات مستثنی و دارای وضعیت خاصی هستند.

اگر بتوانیم همواره با دعا خواندن در جامعه رنگ و بوی معنوی و ارتباط با خدا را ایجاد کنیم می‌توان همیشه انتظار فضای رضانی از جامعه داشت



دعبل: اگر قرار باشد شما به خواندن دعایی تأکید کنید کدام دعا را پیشنهاد می‌کنید؟

همه دعاهای خوب هستند و دعای بد وجود ندارد. دعاهای مفاهیم ویژه و بالایی برخوردارند و مهم این است که، خواننده دعا با دعا ارتباط برقرار کند و نباید فقط دعا را روخوانی کند. توصیه‌ای به مداحان دارم و آن این است که برای

امام خمینی (ره) با عنوان‌های «دعا از منظر امام خمینی (ره)»، «چرا معصومان علیهم‌السلام استغفار می‌کردند»، «اسرار دعا چیست؟»، «دعا نعمت خداست»، «دعا منبع عرفان است»، «دعا بهترین عبادت است»، «دعا در قنوت چیست؟» و برخی از دعاهایی که از ائمه معصومان علیهم‌السلام وارد شده است و امام به آنها اشاره داشته‌اند.

بخش بعدی، بخشی از دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در مورد دعا را مورد توجه قرار داده است که با عنوان‌های «مقصود از دعا»، «شرایط اجابت دعا»، «عنانس یا خدا»، «دعا پشتوانه نظام»، «دعا سلاح مؤمن»، «علامت پاسخ به دعا»، «دعا نورانیت دل دارد»، «دعا نیاز جوانان است»، «دعا فرصت عبادت»، «انس با صحیفه سجاده» و تأکید بر مناجات شعبانیه در این کتاب گنجانده شده است که همه این موارد عقیده روایی و حدیثی دارد.

«اگر دلی شکست و اشکی جاری شد، اجازه داده شده است تا شما صحبت کنید» آقای بهجت این جمله را بسیار تکرار و تأکید می‌کردند: «اگر اشکی از چشم‌تان جاری شد، بدان که تواجزه دعا کردن داری.»

سایر بخش‌های کتاب مربوط به علمای بزرگی است که جایگاه علمی بالایی دارند، مانند: «حاج محمدتقی آملی، میرزا جواد ملکی تبریزی، آیت‌الله کشمیری، علامه تهرانی و رجب‌علی خیاط»؛ بخش دیگر کتاب مربوط به جمله‌هایی از بزرگانی، مانند: «آقایان بهجت، حق شناس، انصاری همدانی، آیت‌الله قاضی» است که نگاهی به دعا داشتند و من از جملات آنها در این کتاب استفاده کردم.

دعبل: به نظر شما کتاب‌هایی که با این موضوع به نگارش در آمده و در این حوزه به چاپ رسیده‌اند از اقبال عمومی خوبی برخوردار هستند؟ (هم از نظر مخاطب و هم از حیث تولیدکنندگان این آثار)

در حال حاضر به طور کلی کتاب در کشور جایگاه مناسبی ندارد. درست است که هر سال نمایشگاه کتاب برگزار می‌شود و آمار قابل توجهی از تعداد بازدیدکنندگان عرضه می‌شود؛ اما این کامل و کافی نیست. به نظر من از دلایلی که مردم هنوز با دعا خواندن انس نگرفته‌اند، این است که مردم با موضوع دعا، آشنایی جامعی ندارند و از دعا استفاده ابزاری می‌شود؛ در حالی که دعا نردبان است و انسان را بالا برده و به خداوند می‌رساند.

یکی از راه‌هایی که باعث ارتقای معنوی جامعه می‌شود، خواندن دعا است. شاهد هستیم که در ماه رمضان، آمار تخلفات بسیار کاهش می‌یابد؛ چون فضای جامعه به فضای معنوی تبدیل می‌شود و شیطان در غل و زنجیر است؛ اگر بتوانیم همواره با دعا خواندن در جامعه رنگ و بوی معنوی و ارتباط با خدا را ایجاد کنیم، می‌توان همیشه انتظار فضای رضانی از جامعه داشت.

به نظر من در جامعه استقبالی از کتاب و به‌ویژه این‌گونه کتاب‌ها نمی‌شود و مسئولان و سیستم‌های فرهنگی روی این مسئله فعالیت چشمگیری انجام نمی‌دهند؛ البته به تازگی فعالیت‌هایی برای معرفی کتاب در شبکه‌های صدا و سیما انجام شده است؛ اما کافی و کامل نیست و باید بیش از اینها روی این مسئله کار انجام شود. کتاب تعیین‌کننده و نشان‌گر راه به انسان است. مطمئن هستیم که اگر روی موضوع کتاب، فعالیت‌هایی انجام شود، نتیجه بسیار خوبی خواهد داشت. امروز شاهد رویکرد مثبت جوانان به معنویات هستیم؛ مثلاً در مراسم اعتکاف، در دعاهای ماه رمضان و در جلسات

باز خوانی چند نکته، به بهانه برپایی آیین‌های مناجات ماه مبارک رمضان

مهارت ارتباط با خدا

مسعود دینانی

اول:

دین بر خلاف آنچه تعاریف سنتی بیان می‌کردند، تنها در سه‌گانه اعتقادات، احکام و اخلاق خلاصه نمی‌شود. بر مبنای تعاریف سنتی و ساده از دین، دین‌دار کسی بود که باورها و اعتقادات صحیح دینی داشته باشد، به احکام شرعی پایبند باشد و فضیلت‌های اخلاقی را رعایت کند و از رذیلت‌ها دوری نماید. این نگاه کاستی‌های فراوانی با خود داشته و دارد که شاید بزرگ‌ترین کاستی آن بی‌توجهی به جایگاه عواطف و احساسات دینی باشد. دین بدون جوشش احساسات و عواطف و شور و شوق و اشتیاق دین‌دار هیچ معنایی نخواهد داشت و در بهترین حالت چیزی جز یک نظام خشک فکری و مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها و احکام بی‌ضمانت و بی‌روح نخواهد بود. دین مجموعه‌ای از امور و عناصر گوناگون و متعدد است و به همین جهت دین‌داری نیز بسیار بسیار فراتر از اعتقادات و احکام و اخلاق خواهد بود.

دوم:

دین‌داری نیازمند فراگرفتن برخی مهارت‌هاست. مادام که فرد دین‌دار به این مهارت‌ها و هنرها دست نیابد، کمیت دین‌داری‌اش لنگ خواهد بود. دین‌داری از ارتباط با خداوند و رفتن به سمت خدا آغاز می‌شود و این ارتباط اولین مهارتی است که شخص دین‌دار باید آن را آموخته باشد: مهارت ارتباط با خدا. با اندکی تأمل و دقت می‌توان به فهرست مفصلی از مهارت‌هایی که شخص دین‌دار برای دین‌داری و دین‌ورزی خود به آن‌ها نیازمند است دست یافت.

سوم:

دین‌داری مسئولیتی است که نمی‌توان آن را از سر خود باز کرد و به عهده دیگران گذاشت. قرار نیست اصناف دینی نظیر روحانیان و مداحان مسئولیت امور دینی مردم را به عهده بگیرند و آنان را از فراگرفتن و آموختن و به کار بستن مهارت‌های دینی بی‌نیاز سازند.

در ببنای دقیق‌تری می‌توان مهارت‌های دین‌داری را به دو گونه تخصصی و عمومی تقسیم کرد، برخی از مهارت‌های دین‌داری و دین‌ورزی، مهارت‌هایی تخصصی هستند که فراگرفتن آنها از عهده همه کس ساخته نیست. این گونه مهارت‌ها را می‌توان به متخصصان امور دینی واگذاشت. مهارت تبیین دقیق نظام معارف، مهارت تفسیر وحی، مهارت شناخت سنت و سیره، مهارت اجتهاد و مهارت‌هایی از این دست را می‌توان مهارت‌های تخصصی دانست که آموختن آنها از یک سو به استعداد و علاقه ویژه نیازمند است و از سوی دیگر به فعالیت دراز مدت تخصصی احتیاج دارد. در سوی دیگر اما مهارت‌هایی از دین‌داری هستند که

از اولیات دین‌داری به حساب می‌روند. مهارت اقامه نماز، مهارت قرائت قرآن، مهارت حج، مهارت زیارت و اموری از این دست را می‌توان مهارت‌های عمومی دین‌داری و دین‌ورزی قلمداد کرد. در این میان نکته قابل توجه آن است که قرار نیست متولیان امور دینی عهده‌دار همه رفتارها، مناسک و آیین‌ها و مهارت‌های دینی باشند. نهایت وظیفه و رسالت متولیان امور دینی آموختن این مهارت‌ها به مردم و نظارت بر اجرای صحیح و خارج از انحراف و بدعت آنها توسط مردم است. بد عادت کردن مردم و تنبل کردن آنها در انجام امور دینی که به خودشان مربوط است و سلب مسئولیت و احساس اعتماد به نفس در انجام امور مذهبی فردی یکی از آسیب‌های حوزه دین‌داری به شمار می‌رود.

دین‌داری مسئولیتی است که نمی‌توان آن را از سر خود باز کرد و به عهده دیگران گذاشت قرار نیست اصناف دینی نظیر روحانیان و مداحان مسئولیت امور دینی مردم را به عهده بگیرند و آنان را از فراگرفتن و آموختن و به کار بستن مهارت‌های دینی بی‌نیاز سازند



چهارم:

دعا کردن یکی از مهارت‌های اولیای است که فرد دین‌دار باید آن را بیاموزد. دعا کردن کوتاه‌ترین، در دسترس‌ترین، سهل‌الوصول‌ترین و قطعی‌ترین راه ارتباط بنده با خدای خویشتن است. اگر چه دعا نیز آداب و شرایط خاص خود را دارد اما ماهیت دعا به گونه‌ای است که همه‌زمانی و همه‌مکانی است و برای همه کس در هر موقعیتی امکان‌پذیر است. دعا خواستن از خدا و خواندن خداست؛ خواستن و خواندن که بی‌شک لبیک و اجابت و استجاب الهی او را به همراه دارد؛ چنانکه فرمود: «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»، «بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را» و نیز فرمود:

«وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»
دعا از مهارت‌های دینی است که فرد دین‌دار خود باید آن را انجام دهد. متأسفانه باور برخی از دین‌داران از یک سو آن است که دعا حتماً باید توسط افرادی خاص و دارای کرامت و صاحب‌نفس انجام شود تا به استجابت برسد و در سوی دیگر برخی از دین‌داران دعا را آیینی جمعی می‌دانند که توسط مداحان و روحانیان اجرا می‌شود و دیگران از طریق شنیدن و حضور در جمع در دعا کردن مشارکت می‌ورزند.

نه تأثیر دعای اولیای صاحب‌نفس الهی محل انکار است و نه جایگاه و شأن دعای در جمعیت مؤمنان. آنچه محل بحث و مورد تأکید است آن است که دعا باید توسط خود فرد دین‌دار خوانده شود و اگر فرد دین‌دار نتواند با خدای خود سخن بگوید و نتواند در ساده‌ترین شکل آنچه می‌خواهد را از خدای خود طلب کند و در جست‌وجوی آن باشد تا دعا کردن را به عهده دیگران بگذارد و خود تماشاگری بیش نباشد، دین‌داری او ناقص است و از اولیات و مقدمات دین‌داری عمومی بی‌بهره خواهد بود.

شبیبه به دعا کردن در این مسئله، توسل به اهل بیت عصمت و طهارت است. بی‌شک توسل به اهل بیت علیهم‌السلام در منظومه معارف دینی ما جایگاه مهمی دارد به گونه‌ای که اکثریت قریب به اتفاق امور دینی ما با توسل و سلام و صلوات و مدد گرفتن از اهل بیت پیامبر آغاز می‌شود و همین گونه نیز پایان می‌پذیرد. توسل نیز یکی از آموزه‌های دینی و مهارت‌های دین‌داری است که فرد باید خود آن را انجام دهد. شخص دین‌دار باید خود توانایی ارتباط برقرار کردن با ولی و امام معصوم خود را داشته باشد و بتواند شخصاً به او توسل پیدا کند نه اینکه گمان کند توسل جستن به اهل بیت فقط و فقط از عهده مداحان و روضه‌خوانان بر می‌آید.

این وظیفه روحانیان و مداحان است که به عنوان دو قشر اصلی متولی امور دینی و مذهبی به چنین آسیبی حساس باشند و تلاش کنند تا این باور اشتباه را از اذهان عمومی مردم پاک نمایند. وابسته شدن مردم در انجام همه امور مذهبی به این دو قشر اتفاق مبارکی نیست و بیش از آنکه نشانگر جایگاه این دو قشر در میان مردم باشد نمایانگر ضعف دین‌داری و دین‌ورزی عامه مردم است. بماند که متأسفانه در میان این دو قشر کسانی هستند که از این وابستگی همه‌جانبه استقبال می‌کنند و به علت مزایای مادی و غیرمادی که همگان دانند بر آن حتی اصرار نیز می‌ورزند.

و خود در خلوت خویشتن از انواع این اشک‌ها و گریه‌ها بهره‌مند باشند تا بتوانند در هر موقعیتی رفتار متناسب با آن موقعیت را پیشه کنند.

هشتم:

منظور از این سخن، نفی برخی رفتارهای لطیف و پل زدن‌های ظریف و هنرمندانه‌ای که ستایشگران و مداحان اهل بیت به زیبایی از عهده آن بر می‌آیند نیست. منظور نفی افراط‌هایی است که در این زمینه انجام می‌شود؛ به گونه‌ای که برخی از مداحان می‌کوشند تا ضعف خود را با روضه‌خوانی اهل بیت بپوشانند. به نظر می‌رسد مداحی که نتواند مناجاتی گرم و پر شور و عاشقانه با خدا ارائه دهد و یا نتواند در مقام توبه و پشیمانی با خداوند گفت‌وگویی ساز کند، مدام مجبور می‌شود برای گرم کردن مجلس خود با گریه حضار، سراغ مصیبت‌خوانی اهل بیت برود.

همچنین دقت به این نکته نیز ضروری است که نقد این رفتار به معنای انکار مقام، جایگاه و ارزش و اهمیت و ضرورت توسل به اهل بیت در مناجات و ادعیه نیست. چنانکه پیش از این نیز گفته شد، در آموزه‌های شیعی دعا و مناجات با خدا و با توسل به اهل بیت آغاز می‌شود و با توسل به اهل بیت پایان می‌پذیرد؛ اما این نکته نیز هست که راه توسل جستن به اهل بیت فقط از ذکر مصیبت آنان نمی‌گذرد و این بهانه که شرط قبولی دعا توسل پیدا کردن به اهل بیت است و توسل به اهل بیت با ذکر مصیبت آنها صورت می‌گیرد چندان مسموع و پذیرفتنی نیست. همان قدر که اشاره‌ای و نیم‌نگاهی به مصائب اهل بیت و روضه‌خوانی آنان در مناجات می‌تواند زیبا و دوست‌داشتنی باشد، اصرار بیش از اندازه بر روضه‌خوانی در دعاها و مناجات‌ها به گونه‌ای که مضامین دعا را تحت الشعاع خود قرار دهد مایه دلزدگی و رنجش و خستگی خواهد بود.

آخر:

آخرین نکته و یکی از مهم‌ترین نکته‌هایی که باید متولیان و سیاست‌گذاران امور دینی و مذهبی به‌ویژه روحانیان و مداحان به آن توجه داشته باشند آن است که تنوع و کثرت گونه‌های مختلف آیین‌ها، مراسم و سنت‌های دینی و مذهبی را به رسمیت بشناسند و از تلاش برای یک‌دست‌سازی و یکسان‌سازی این گونه‌ها با هم دست بردارند. آیین مصیبت‌خوانی و عزاداری اهل بیت، آیین مناجات با خدا، آیین شب‌زنده‌داری و احیاء، آیین مولودی‌خوانی و برپایی جشن میلاد ولادت اهل بیت، آیین بزرگداشت اعیاد بزرگ دینی همچون معیت، قربان و غدیر، آیین قرائت قرآن، آیین نماز، آیین اعتکاف و دیگر آیین‌ها هر کدام برای خود هویتی خاص دارند که می‌تواند آن‌ها را هم در فرم و قالب و هم در محتوا و مضمون از دیگر آیین‌ها متمایز کند. متأسفانه آنچه در این سال‌ها بر جامعه مذهبی ما گذشته است یکسان شدن محتوای این آیین‌ها و شبیه شدن آنها به یکدیگر بوده است؛ به گونه‌ای که حتی محتوا و فرم و قالب مراسم جشن‌های دینی با مراسم مصیبت‌خوانی و روضه‌ما یکسان شده است. احترام به این تنوع موجب غنای دین در جامعه می‌شود و ظرفیت بیشتری از جامعه را به سمت دین می‌کشاند و به نیازهای متنوع روحی و عاطفی دین‌داران پاسخی کامل‌تر خواهد داد.

مداح باشد. صرف توجه به چنین اموری اشک مؤمن را جاری می‌سازد و اگر کسی برای چنین گریه‌کردن‌هایی محتاج به خواندن مداحان و روحانیان باشد تا شاید از نوای غم‌انگیز و حزن‌آلود آنان اشکش جاری شود، راه را به اشتباه رفته است.

هفتم:

دعا کردن یکی از مهارت‌های اولیه‌ای است که فرد دین‌دار باید آن را بیاموزد دعا کردن کوتاه‌ترین در دسترس‌ترین سهل‌الوصول‌ترین و قطعی‌ترین راه ارتباط بنده با خدای خویشتن است



در بحث از گریه کردن و اشک ریختن به مثابه یکی از مهارت‌های اصیل دینی باید به تنوع گریه‌ها و اشک ریختن‌ها در دین توجه داشت. گریه و اشک‌های دینی گونه‌های مختلفی دارد که همه آن‌ها اهمیت دارند و هر کدام از این اشک‌ها در موقعیت خود باید چشم‌ها و گونه‌های دین‌دار را خیس کنند. از جمله گونه‌های اشک دینی، اشک بر مصائب اهل بیت خصوصاً مصائب سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین است. اشک بر مصائب اهل بیت بی‌شک اکسیر اعظمی است که در وصف فضیلت آن فراوان سخن گفته‌اند و مطلب نوشته‌اند. اما این همه ماجرا نیست. گریه دینی گونه‌های دیگری نیز دارد که باید آنها نیز بر گونه دین‌دار بیبارند. اشک دلتنگی، اشک توبه و پشیمانی، اشک شوق و اشتیاق و

این وظیفه روحانیان و مداحان است که به عنوان دو قشر اصلی متولی امور دینی و مذهبی به چنین آسیبی حساس باشند و تلاش کنند تا این باور اشتباه را از اذهان عمومی مردم پاک نمایند و ایسته شدن مردم در انجام همه امور مذهبی به این دو قشر اتفاق مبارکی نیست



عاشقی، اشک ترس و خوف و خشیت، اشک امید و رجا. سیرة اهل بیت ما نقطه‌به‌نقطه پر از انواع این اشک‌ها و گریه‌هاست. در این میان نکته‌ای که به چشم می‌خورد آن است که برخی از روحانیان و مداحان که به این تنوع بی‌توجهند هر نوعی از گریه و اشک ریختن را در نهایت به گریه بر مصیبت اهل بیت تحویل می‌دهند و به عنوان مثال در اوج مناجات با خدا نیز برای اشک گرفتن از مردم مجبور به خواندن روضه می‌شوند. روحانیان و مداحان خود باید این تنوع را بشناسند و با آن همدلی نمایند

نهم:

مناجات کردن با خدا یکی از مهارت‌ها و هنرهایی است که فرد دین‌دار باید آن را بداند و به کار گیرد. دین‌داری از پذیرفتن ولایت الله آغاز می‌شود و باطن ولایت حب و دوستی و عاشقی است و شیوه عاشقان و دوستان، نجوا و مناجات است. در نگاهی دقیق مناجات کردن با دعا خواندن متفاوت است. در اصطلاح این متن، دعا طلب در خواست و حاجت از خداوند است و امید به بر آورده شدن او؛ اما مناجات واگویی‌های عارفانه و زمزمه‌های عاشقانه بنده با مولای خود است در حالی که می‌تواند خواسته‌ای و نیازی و حاجتی و تقاضایی در میان نباشد. بنده دین‌دار باید بتواند در خلوت خویشتن با خدای خودش مناجات کند و با او زمزمه داشته باشد و درد دل کند. این تصور که مناجات با خدا و سخن گفتن و نجوای او فقط و فقط از عهده افراد و اقشاری خاص ساخته است، تصویری سراسر غلط و اشتباه است. حتی مناجات اهل بیت که به مثابه عالی‌ترین مناجات بشری در اختیار ماست نیز باید توسط خود فرد دین‌دار خوانده شود و توسط خود او فهم شود و توسط خود او به آستان الهی عرضه شود. حضور در جماعت به معنای سلب مسئولیت مناجات کردن با خدا نیست؛ چنانکه برخی مناجات کردن را با مناجات خواندن و مناجات شنیدن اشتباه می‌گیرند و گمان می‌کنند شنیدن مناجات مداح و روحانی با خدا به معنای مناجات کردن با خداست و یا گمان می‌کنند خواندن متن مناجات اهل بیت با خدا بدون فهم و همدلی با مضامین آن در حکم مناجات با خداست. مناجات با خدا چه در قالب مناجات‌هایی که از اهل بیت رسیده است و چه با زبان شخصی و مادری با خداوند عملی است که باید توسط خود دین‌دار صورت گیرد و قابل حواله به دیگران نیست.

ششم:

از دیگر مهارت‌های دین‌داری و دین‌ورزی، مهارت گریه کردن و اشک ریختن است. دین‌دار باید قلبی رئوف و رقیق داشته باشد به گونه‌ای که در حریم آستان قدس الهی به راحتی بشکند و های‌های گریه سر دهد. گریه و اشک در آموزه‌های دینی ما جایگاهی بس رفیع و والا دارد؛ چنانکه اشک سلاخ مؤمن دانسته شده است. در این میان آنچه قابل توجه است آن است که نباید تربیت دینی افراد به گونه‌ای باشد که برای گریه کردن و اشک ریختن محتاج به عوامل بیرونی و خارجی باشند. وابسته بودن در گریه کردن و اشک ریختن به زیر و بم صدای مداح و حزن‌آلودی نوای او امری پذیرفتنی نیست. اشک ریختن و گریه کردنی که در آموزه‌های دینی ما مدام از آن سخن گفته شده است، اشک و گریه‌ای است که از توجه فرد دین‌دار به موقعیت و مقام و حالت خود حاصل می‌شود نه از لحن حزن‌آلود مداح و روضه‌خوان. صرف توجه فرد دین‌دار به مقام و موقعیت و قرب و بعد خویشتن و توجه به آنچه از سر گذارنده است و آنچه در پیش رود او را به مقام گریه می‌رساند. چنانکه در دعای ابوحمزه چنین می‌خوانیم که: «فَمَالِي لَا إِلَهِي إِلَّا لَخْرُوجِ نَفْسِي إِلَيْكَ لِظُلْمَةِ قَبْرِی إِلَيْكَ لِضِيقِ لِحْدِي إِلَيْكَ لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ وَنَكِيرِ إِيَّای إِلَيْكَ لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِی عَرِيَانًا ذَلِيلًا...» گریه بر خروج نفس هنگام مرگ و ظلمت و تنگی و تری قبر و بازخواست نکیر و منکر و خروج از قبر در روز قیامت، عریان و ذلیل، امری نیست که نیازمند به آب و آتش زدن

دعای ماثور و ملحون از نگاه معصومان

مجید مبینی

طلب حاجت از درگاه الهی، سطح معرفت و شناخت خود را نیز از پروردگار ارتقا می‌دهد. خدانشناسی برگرفته از دعاها می‌تواند بالاتر از خدانشناسی برگرفته از احادیث باشد، چرا که مخاطب احادیث معمولاً مردم عامه بوده‌اند، اما دعاها خلوت معصومان علیهم السلام با خدا بوده است.

علامه حسن زاده آملی در این باره می‌فرماید: «دعیه، هر یک مقامی از مقامات انشایی و علمی ائمه دین است. لطایف شوقی و عرفانی و مقامات ذوقی و شهودی که در ادعیه نهفته‌اند، در روایات وجود ندارند و دیده نمی‌شوند، زیرا در روایات مخاطب مردم‌اند و با آنان محاورت داشتند و به فراخور عقل و فهم و ادراک و معرفت انسان با آنان تکلم می‌کردند و سخن می‌گفتند نه به کنه عقل خودشان. در کافی وارد شده است که امام صادق علیه‌السلام فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هیچ‌گاه مطابق عقل خود با بندگان سخن نگفت. اما در ادعیه و مناجات‌ها به کنه عقل خودشان مناجات و دعا داشتند؛ دعای عرفه در توحید و زیارت جامعه کبیر در ولایت، اصل و رکن معارفند». (نور علی نور، ص ۳۱)

هر چند که با زبان خود با خدا سخن گفتن و دعا کردن جایز است، اما اولویت استفاده از دعاهای ماثوری است که از معصومان علیهم السلام نقل شده است و شایسته است که مداحان نیز بر این امر اهتمام ورزند. استفاده از دعاهای ماثور، این حسن را دارد که غیر از راز و نیاز با خدا و طلب حاجات، نوعی یادگیری معارف دینی نیز هست. بسیاری از آموزه‌های آسمانی در لابه‌لای سطور دعاها وجود دارد و فردی که از آن دعاها بهره می‌برد، همزمان با

خدانشناسی برگرفته از دعاها می‌تواند بالاتر از خدانشناسی برگرفته از احادیث باشد چرا که مخاطب احادیث معمولاً مردم عامه بوده‌اند اما دعاها خلوت معصومان با خدا بوده است



ماه مبارک رمضان ماه رحمت الهی است، هر چند که برخی این ماه را ماه روزه می‌خوانند، حال آنکه روزه صرفاً یکی از اعمال این ماه است و افرادی که توفیق این عبادت را نداشته باشند، می‌توانند با به جای آوردن سایر اعمال این ماه همانند نماز، قرائت قرآن و دعا، بکوشند تا از برکات ماه رحمت بهره‌مند شوند.

یکی از اعمال مورد تأکید در ماه مبارک رمضان، دعا است. در ادامه نکاتی چند درباره بایسته‌های خواندن دعا از منظر معصومان علیهم السلام ذکر می‌شود که مراعات آنها می‌تواند بر غنای مجالس مناجات و دعا در ماه مبارک رمضان بیفزاید.

دعای ماثور و غیر ماثور

دعا را می‌توان به دو گونه ماثور و غیر ماثور تقسیم کرد. دعای ماثور به دعایی گفته می‌شود که از معصوم علیه‌السلام رسیده باشد و دعای غیر ماثور نیز دعایی است که افراد با زبان خودشان از خدا درخواستی می‌کنند و دعایشان مستند به روایات نیست.

خواندن دعاست، چرا که در روایات بر صحیح خواندن قرآن و ادعیه تأکید شده است.

امام جواد علیه السلام فرمودند: «ما استوی رجلان فی حسب و دین قسط إلا کان أفضلهما عند الله عز و جلّ آدیهما... بقرآءة القرآن كما أنزل، و دعائه الله عز و جلّ من حیث لا یلحن، و ذلك أن الدعاء الملحون لا یصعد إلى الله عز و جلّ». «دو مردی که در شرافت و دیانت برابرند، آن یک نزد خدا برتر است که ادیب‌تر باشد... زیرا قرآن را همان‌طور که نازل شده است قرائت می‌کند، و در دعا کردن، دعا را درست می‌خواند، چرا که دعای نادرست به سوی خدای عز و جلّ بالا نمی‌رود». (عدة الداعی، ص ۲۳).

البته بالاتر رفتن دعا به معنای عدم قبول و عدم استجابت دعا نیست، چرا که شرط اصلی دعا حضور قلب است و اگر دعایی از چنین شرطی برخوردار باشد، ملائکه آن دعا را به دعای صحیح تبدیل می‌کنند و آنگاه آن دعای صحیح را بالا می‌برند.

بنابراین چنین نیست که اگر دعایی نادرست خوانده شود، مستجاب نخواهد شد، بلکه منظور آن است که دعایی که صحیح خوانده شود، فضیلتی دارد که دعای غیر صحیح فاقد آن است. علامه حسن زاده آملی در این باره

می‌فرماید: «دعای به اعراب صحیح را کمال و رتبتی است که در ملحون آن نیست نه اینکه اعراب و معرفت نحو، یکی از شروط و آداب دعا باشد. عبارت دعا مقبول بودن (که مراد از تعبیر به صعود آنست) غیر از استجابت دعا و حال و دل شکسته داشتن است. صحت لفظ را شأنی است و رتبت معنی را شأنی دیگر و چون جمع شوند نور علی نور است. لذا منطق وحی و سفرای حق و هادیان خلق قاطبة مرد و زن اعم از عوام و خواص را به دعا و ذکر و رابطه با پروردگار دعوت فرمودند و بدانان وعده و نوید داده‌اند که لحن نادرستان به صورت دست در می‌آید و مقبول می‌شود که آنما الاعمال بالتّیات، و نیة المرء خیر من عمله، و در هر دو حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است و در عین حال آنان را به فرا گرفتن علوم ادب خوانده‌اند.» (نور علی نور، ص ۶۵).



یکی از نکات مهمی که مداحان باید در هنگام دعا خواندن مد نظر داشته باشند صحیح خواندن دعا است چرا که در روایات بر صحیح خواندن قرآن و ادعیه تأکید شده است



دعای ملحون و غیر ملحون

ملحون به دعایی گفته می‌شود که فرد آن را غلط بخواند و غیر ملحون نیز به دعایی گفته می‌شود که صحیح خوانده شود. یکی از نکات مهمی که مداحان باید در هنگام دعا خواندن مد نظر داشته باشند، صحیح

آشنایی با مضامین عالی دعاها، مآثور و به تبع آن ارتقای سطح معرفت و خداشناسی، زمینه‌ساز خودسازی بیشتر انسان خواهد بود.

آیت الله جوادی آملی درباره تأثیر آشنایی با مضمون دعاها، مآثور در خودسازی می‌فرماید: «این که مآر را به خواندن دعای جوشن کبیر و احصای اسمای الهی ترغیب و تشویق کرده‌اند، مقصود تلفظ محض و شمارش صرف، نیست؛ بلکه غرض این است که آدمی با شمارش این اسما و صفات و آشنایی با مضمون و معنای آنها، خود را بسازد و به آنها متخلق گردد. در واقع دعای جوشن کبیر و مانند آن، دعوت‌نامه حق تعالی است.» (ادب فنای مقربان، ج ۱، ص ۵۷).

بنابراین استفاده از دعاها، مآثور به جای دعاهایی که زبان حال است، باعث می‌شود که فرد دعاکننده، با یک دعای هم‌حاجات خویش را خواسته باشد و هم شناخت خود را از خدا افزایش دهد که این خداشناسی، زمینه را برای خودسازی بیشتر وی فراهم خواهد کرد.

دعاهای غیر مآثور بزرگان دین

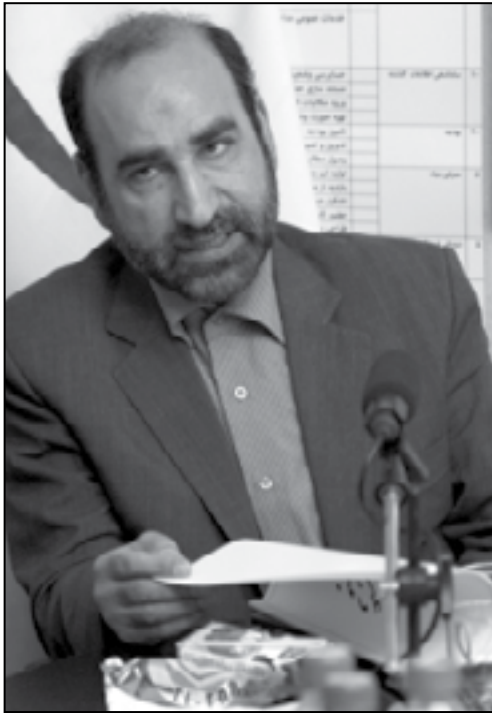
از ادعیه‌ای که بزرگان دین آنها را ابداع کرده باشند، نیز می‌توان بهره برد، چرا که آن دعاها مورد

تأیید امامان معصوم علیهم السلام است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «أما دعاء الشیعة المستضعفین ففی کلّ علّة من العلل دعاء موقت، و أما دعاء المستبصرین فلیس فی شیء من ذلك دعاء موقت لأنّ المستبصرین البالغین دعاؤهم لا یحجب» «دعای شیعیان عادی در هر حادثه‌ای دعای موقت است (که سزاوار نیست در زمان مکان دیگری استفاده شود) اما دعای شیعیان کمال یافته، دعای موقت نیست، چرا که دعای آنان همیشه به اجابت می‌رسد.» (بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۶۵).

به عنوان نمونه، سید بن طاووس (صاحب لهوف) - که از منظر علامه طباطبایی، همراه با سید بحر العلوم و ابن فهد حلی (صاحب کتاب دعای عده الداعی) از کملین (انسان‌های کامل) به شمار می‌روند - در کتاب اقبال، در بخش دعای هلال شوال، دعایی را ذکر می‌کنند که از نشانات و ابداعات آن بزرگوار به شمار می‌رود.

اهمیت و ضرورت مقتل خوانی

محمد رضا سنگری



کودک، زن یا مرد، هر یک تأثیر متفاوتی خواهند داشت)، وضع ظاهری نیز بر مقتل خوانی تأثیر دارد مثلاً لباس ویژه تعزیه داشتن، یا آراستگی نامناسب ظاهری هر یک فضایی متفاوت در مقتل خوانی همراه دارند.

۲. مقتل (متن مقتل): متن مقتل به اعتبار چند ویژگی می تواند تأثیر متفاوت داشته باشد.

- متن متعلق به زبان و زمان متناسب با زبان و زمان مخاطبان باشد، مثلاً خواندن لهوف سید بن طاووس با خواندن (متن) نفس المهموم متفاوت است. (شکل امروزی شده دمع السجوم فی نفس المهموم آه یاسین حجازی نمونه دیگر است)

- ساختار و بافتار متن: برخی متن های مقتلی نثر ادبی اند، برخی نثر معمولی، برخی فارسی - عربی و برخی نثر و شعر توأمان است (مانند روضه الشهداء) که این ساختارهای متفاوت خوانش متفاوت را در پی خواهد داشت.

- اعتبار و سندیت متن؛ مقتل غیر معتبر آمیخته با تحریفات، متفاوت با مقتل منقح و پیراسته است و بازتاب خوانش هر یک، فضای متفاوت می سازد.

۳. فضا (آتمسفر) خوانش متن: یکی از عناصر تأثیر گذار در مقتل خوانی فضایی است که مقتل در آن عرضه می شود. این فضا شامل فضای فیزیکی نیز هست.

عناصر فیزیکی فضا مانند نور، جای نشستن (روی صندلی، روی زمین)، سالن، مسجد، حسینیه و ... و عناصر فضای

مقدمه:

مقتل، به معنی «قتلگاه» و «گاه قتل» است؛ اما معمولاً به متنی اطلاق می شود که روایت مکتوب رویداد کربلا و عاشورا است؛ مقتل نویسی در گذشته حوزه های وسیع تر داشت و مقتل امیر المؤمنین، مقتل حمزه و ... را نیز شامل می شد؛ اما بعدها مقتل به همان روایت کربلا اختصاص یافت. نگارش مقتل عاشورایی با فاصله ای اندک از کربلا آغاز شد که متأسفانه عمده آن مقاتل از جمله مقتل مشهور «ابی مخنف» از بین رفته اند. رواج و گسترش مقتل خوانی در ایران پیشینه طولانی دارد؛ اما اوج آن در دوره صفویه بوده است. شناخت عناصر مقتل خوانی ما را در برگزاری مجالس آیینی مقتل خوانی یاریگر خواهد بود.

عناصر مقتل خوانی

در مقتل خوانی چند عنصر مهم و کلیدی مؤثرند:

۱. مقتل خوان: کسی که مقتل را می خواند عنصر اصلی در انتقال روح مقتل به مخاطب است. ویژگی مقتل خوان مانند:

- فضای درونی و روحی او هنگام خواندن مقتل
- آمادگی و مطالعه و تسلط او بر مقتل و مقتل خوانی
- نحوه قرار گرفتن او در مقابل مخاطب (در مقتل خوانی ایستاده خواندن، نشسته خواندن، بر منبر خواندن، از پشت تریبون خواندن متفاوت خواهد بود و هر یک از این موقعیت ها تأثیر متفاوت خواهند داشت.)

- تیپ مقتل خوان (روحانی، غیر روحانی، جوان، پیر،



روش‌های انتخاب و عرضه شعر هیئت

در بخش ادبیات این شماره، مقاله دکتر «اسماعیل امینی» با نام «روش‌های انتخاب و عرضه شعر هیئت» به استحضار می‌رسد. این مقاله در سومین جلسه از سلسله نشست‌های تخصصی شعر هیئت ارائه شده است.

معرفی سایت «زمزمه» و گزارش نهایی مسابقه پیامکی «دوبیتی‌های انتظار» از دیگر موضوعات این شماره است.

در این شماره باب گفت‌وگو درباره «نوحه» را گشودیم. در گفت‌وگو با استاد «غلامرضا سازگار» از ایشان درباره مضمون، محتوا و قالب نوحه پرسیدیم. ایشان معتقدند: «نوحه زبان یک جامعه، یک هیئت و یک جمعیت عاشورایی است».

اشعار مناسبتی ماه رمضان نیز در انتهای این بخش به استحضار می‌رسد. لوح فشرده عبارات ۱۳ حاوی نغمات این اشعار است که به این شماره پیوست شده است.



می‌کند و به همین سبب «معرفت و محبت» را توأم با روش می‌سازد؛ به‌ویژه اگر مقتل با رویکرد معرفت و محبت توأم نگاشته شده باشد.

۳. مقتل خوانی، به سبب سیر روایی و زنجیرهٔ رخدادها، بهتر و عمیق‌تر و دقیق‌تر مخاطب را با خود همراه می‌سازد. در نتیجه «مستمع و مخاطب» را بیشتر جذب می‌کند.

۴. هیجان و احساسات مداح و ذاکر در هنگام روضه و مرثیه برانگیخته می‌شوند و در نتیجه گاه گسستگی، نابه‌سامانی یا لغزش دامن‌گیر مداح و ذاکر می‌شود؛ اما مقتل به سبب مکتوب بودن - هر چند هیجان و احساس همراه باشد - کمتر دچار این لغزش‌ها می‌شود.

۵. مقید بودن ذاکر و مداح به «متن» راه را بر بسیاری تحریف‌ها و افزودن‌ها - دو پر نگاه غلو و وهن - می‌بندد. مقتل خوانی، راهی برای تحریف‌زدایی است.

۶. مقتل خوانی، انگیزه «متن خوانی» و کتاب خوانی را تقویت می‌کند. مستمعان پس از شنیدن مقتل و «دیدن» کتاب مقتل برای خواندن آن تشویق و ترغیب می‌شوند.

۷. مقتل، اسوه‌یابی است. ابا عبدالله الحسین علیه‌السلام خود فرمود: «لکم فی اسوه»، «من برای شما اسوه هستم». اگر مقتل، ظرافت‌مندانه و هوشمندانه به سیرت حسینی و اصحاب و یاران و خانواده‌اش اشارت داشته باشد، نقش و جایگاه «اسوه‌ای» مقتل پر رنگ‌تر می‌شود.

۸. مقتل خوانی، زمینه را برای گسترش و کشف و پرداختن به حوزه‌های دیگر مقاتل نیز فراهم می‌کند. شیخ آقا بزرگ تهرانی (ره) در الذریعه ۱۴ مقتل را نام برده است؛ مانند مقتل حجر بن عدی، مقتل رشید هجری، مقتل زیدالشهید، مقتل الحسن بن علی، مقتل علی و مقتل اولاد مسلم و ...

اگر باب مقتل خوانی باز شود، این گونه مقاتل نیز مطرح خواهند شد.

۹. مقتل خوانی، زمینه‌نگارش مقاتل نوبازبان نو و چالاک و متناسب با زمان را فراهم می‌سازد. همان‌گونه که در قلمروهای مختلف دینی نیاز به قلم و زبان تازه همواره احساس می‌شود. نگارش مقاتل نو، نوعی نیاز است.

۱۰. مقتل خوانی اقتضا به بزرگان مقتل خوان است؛ بزرگانی چون علامه شیخ جعفر شوشتری، شهید حکیم و ... رسم مقتل خوانی اهل منبر را نیز شامل می‌شود. چه بسیار بزرگان که بر منبر مقتل خوانده‌اند.

۱۱. مقتل، راهی برای معرفی منابع محکم، موثق و مستند است. در طول بسیاری از مقاتل و منابع و مآخذ مقتل ذکر می‌شود که این خود یا دیگر کسانی خواهد بود که در پی پیدا کردن متون معتبر مقتل هستند.

۱۱. متن مقتل همواره با ویژگی‌هایی چون

- روایی و سلامت

- روایی و اعتبار

- زیبایی و آرایه‌های بلاغی و عناصر تخیلی

- استناد تاریخی و اعتبار اسناد

- سیر و توالی منظم حوادث

- درآمیختن نظم و نثر و شگردهای داستانی

همراه است و همین باعث تأثیر و جذابیت متن می‌شود. مقتل خوان پس از ممارست و مداومت در مقتل خوانی ذهن و زبانی با این ویژگی‌ها خواهد یافت.

۱۲. مقتل خوانی می‌تواند مقدمهٔ منبر و سخنرانی باشد. در این صورت جان و روح و ذهن مخاطب‌ها را برای دریافت‌های بعدی آماده می‌سازد.

۱۳. مقتل خوانی اگر پس از مرثیه و نوحه باشد فرصت آرام‌تری را فراهم می‌آورد تا با تمرکز بیشتر مخاطب‌ها بتوانند وقایع را بشنوند و درک و دریافت کنند.

۱۴. مقتل خوانی اگر با خواندن متن‌هایی متناسب با کودکان، نوجوانان، زنان و مردم متوسط باشد این حسن را خواهد داشت که مخاطب‌ها دچار دیر فهمی، بدفهمی یا اصولاً «درک نکردن» نشوند که لازمهٔ این موضوع، نگارش مقاتل ویژهٔ کودکان، نوجوانان و ... است.

خوانش شامل شرایط قبیل از خواندن مقتل (قبل از مقتل روضه خوانده شده باشد یا نوحه یا شعر یا سخنرانی و ارتباط مقتلی که خوانده می‌شود با هر یک از این مسائل و موضوعات)

نیز شرایط حین خواندن و حالات و موقعیت حین خواندن مقتل.

۴. مخاطب مقتل: مجلس و محفلی که در آن مقتل عرضه می‌شود چه مخاطبانی دارد. ویژگی‌های مخاطبان از چند منظر در مقتل خوانی مؤثر است.

- عنصر سن، سن مخاطبان (کودک، نوجوان، جوان، مسن یا ترکیبی) در گزینش و خوانش مقتل مؤثر است.

- عنصر جنس، مقتل برای مخاطبان زن و مرد یا ترکیبی، می‌تواند متفاوت باشد یا در خوانش و گزینش مقتل مؤثر باشد.

- عنصر تیپ، مثلاً تیپ دانشجو، تیپ دانش‌آموز، تیپ بازاری، تیپ کارگر و کارمند یا تیپ ترکیبی در مقتل خوانی و گزینش مقتل می‌تواند مؤثر باشد.

در مقتل خوانی ایستاده خواندن نشسته خواندن بر منبر خواندن و از پشت تریبون خواندن متفاوت خواهد بود و هر یک از این موقعیت‌ها تأثیر متفاوت خواهند داشت



۵. ابزار و رسانهٔ مقتل خوانی: مقتل خوانی در رادیو یا تلویزیون می‌تواند متفاوت باشد. اگر در تلویزیون همزمانی و همراهی تصویر نیز باشد، تأثیر متفاوت خواهد بود. مقتل خوانی بدون استفاده از ابزاری چون بلندگو، منبر، تریبون و ... نیز می‌تواند متفاوت باشد.

۶. فرآیند مقتل خوانی: سیر مقتل خوانی از آغاز تا پایان از عناصر مهم مقتل خوانی است، اجزای این فرآیند عبارت‌اند از: - نحوهٔ آغاز خواندن جملهٔ آغازین، شکل بیان (ساده‌گویی یا با آهنگ و لحن همراه بودن)

- نحوهٔ استمرار خوانش مقتل (اکتفا به متن یا توضیح را همراه کردن)

- استفاده از عناصر گوناگون در طول خواندن مقتل برای تأثیر گذاری بیشتر (مثلاً در حین خواندن کسی بیثی یا نکته‌ای را همراه شود؛ یا خود مقتل خوان ابیاتی بخواند یا صوت و صدا را تغییر دهد یا از عناصر انضمامی استفاده کند).

۷. روش مقتل خوانی: روش‌های مختلفی برای مقتل خوانی هست؛ مانند روش ساده خوانی، روش تلفیقی (لحن مرثیه‌ای و ساده توأم)، روش مرثیه‌ای (همراه با آهنگ)، روش خواندن و نمایش، روش بهره‌گیری از همراه (مقتل خوان در کنار خویش از ذاکر و مداح و شاعر استفاده کند).

اهمیت و ضرورت مقتل خوانی

در کنار نوحه، مرثیه، منبر و همهٔ شیوه‌های متداول سوگواری و روضه خوانی، خواندن مقتل به دلایل زیر لازم و بایسته است:

۱. مقتل، متن مکتوب و روایت نوشتاری (به جای گفتاری) است، در نتیجه می‌تواند مستندتر و همراه با تأمل بیشتر تدوین شده باشد و اگر مقتل، متعلق به شخصیت برجسته، عالم و عاشورا آشنا باشد مستندتر و قابل اعتمادتر است.

۲. مقتل مرور زنده‌ترین، زیباترین و سازنده‌ترین رخداد تاریخی است که در آن عشق و عاطفه و اندیشه همزمان برانگیخته می‌شوند. مقتل، ذهن و دل را همراه با هم سیراب

مقدمه:

این سایت قصد دارد تا به عنوان یک سایت تحلیلی شعر آیینی نیاز مداحان به شعر، نوحه، مقتل و سرود را بر آورده سازد؛ بنابراین همه امکانات سایت به صورت نمودار درختی در اختیار مخاطب قرار می گیرد و مخاطب بدون پیچیدگی خاصی به خواسته خود اعم از شعر، سرود، نوحه، مقتل و ... می رسد.

اهداف:

شناسایی و شناسنامه دار کردن شاعران آیینی، ارائه خدمات به شعراء ارائه اشعار آیینی و تولید محتوا برای سایت زمزمه
سایت زمزمه به عنوان یک سایت مرجع در حوزه شعر آیینی به مداحان کل کشور معرفی می شود.
با مرجع شدن سایت زمزمه برای شاعران و مداحان، اشعار این سایت توسط بزرگان حوزه دین، شعر و مدح و مرثیه، در این سایت مورد تحلیل قرار می گیرند.
برگزاری شب شعر و نوحه جهت بزرگداشت شاعران حوزه شعر آیینی

معرفی سایت:

نوار ابزارهای سایت زمزمه

- موضوعات:** مخاطب با انتخاب موضوع می تواند به اطلاعات مورد نیاز خود برسد.
جغرافیا: آستانه ها و مزارها - تکایا - حسینیه ها - مساجد - شهرها - کشورهای ناحیه ها و مناطق مقدس
تاریخ: واقعه ها و حادثه های تاریخ - مناسبت ها - تحریف شناسی تاریخ
متون: قرآن - احادیث و روایات - ادعیه و زیارات - نسخ خطی
رجال: چهارده معصوم - مراجع به ترتیب الفبایی - دانشمندان به ترتیب الفبایی - نویسندگان و پژوهشگران به ترتیب الفبایی - ستایشگران به ترتیب الفبایی - هنرمندان به ترتیب الفبایی - شاعران آیینی به ترتیب حروف الفبا
فرهنگ و جامعه: مناسک آیینی و دینی - هنر دینی - ابزار و ادوات
مفاهیم: تعبیرها و اصطلاحها - زیارات و دعاها - سخنان و روایات - شعارها - القاب و عقاید
ارگانها و نهادهای مرتبط: آموزشگاهها - انتشارات - سازمانها و هیئت ها

مآخذشناسی و اندیشه:

- اعلام:** همه مطالب کار شده در سایت با ذکر پدیدآورنده تولید شده است. در صفحه اعلام می توان با جست و جوی نام پدیدآورندگان (شاعران، مداحان و ...) به مطالب مورد نیاز دسترسی پیدا کرد.
- شعر:** همه اشعار بارگذاری شده در سایت در این صفحه دیده می شود (با فیلتر بر اساس چهره و فیلتر بر اساس زمینه مطلب). همچنین در این بخش قابلیت جست و جو و بخش هایی نظیر «مطالب دیگر با همین موضوع» و «مطالب دیگر از همین پدیدآورنده» در این صفحه در دسترس است. مخاطب می تواند با انتخاب

معرفی سایت تحلیلی شعر آیینی

زمزمه

عیسی نصیری



مخاطب قرار می گیرد.
دانلود نرم افزار تلفن همراه: همه نرم افزارهای تولید شده قابل دانلود است.

مداحی در کلام مقام معظم رهبری

شبهای پیشاور: مناظره علمای اهل سنت با علمای شیعه
شاعران عاشورایی متقدم
شاعران عاشورایی متأخر
شاعران عاشورایی معاصر
گوشه های آواز بیات
گوشه های آواز همایون
گوشه های آواز افشاری

نوحه
شعر هیئت
دومه ها

دیدار مداحان و ذاکران با مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۲ ش.

ویژه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم
ویژه امام علی علیه السلام
ویژه حضرت زهرا سلام الله علیها
ویژه امام حسن علیه السلام

د) جست و جوی پیشرفته: همه مطالب بارگذاری شده در سایت به تفکیک موضوعات قابل جست و جو است.

اقدامات انجام شده:

مطالب بارگذاری شده تا تیرماه ۱۳۹۲ ش. در حدود ۲۵۰۰ مطلب و بیش از ۵۰۰۰ صفحه است.
ویرایش بیش از ۵۰۰۰ صفحه مطلب
انتخاب تیترو خلاصه مطالب برابحدوداً ۲۵۰۰ مطلب
ویرایش ۲۵۰۰ عکس مرتبط با موضوع بارگذاری شده در سایت
ویرایش صوتی مطالبی که صوت ندارند
تولید ۵ نرم افزار موبایل

برنامه ها:

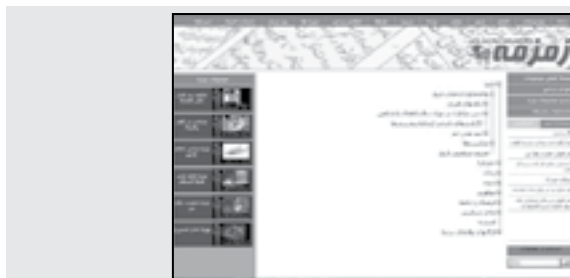
برگزاری شب شعر
برگزاری نشست های علمی و هم اندیشی درباره مسائل مرتبط با سایت
ایجاد ارتباط مستمر با شاعران و مداحان با سامانه پیامکی و اطلاع رسانی به روز شده سایت
انتشار کتاب اشعار شاعران و تهیه بسته فرهنگی برای مناسبت های محرم و فاطمیه
راه اندازی بانک اطلاعات شاعران آیینی
برگزاری جلسات مشترک با تشکل های شعری و انجمن های شعر و تعریف کارهای مشترک
تجلیل از استادان و شاعران آیینی در قالب نکوداشت و اهدای نشان شعر دعبل خزاعی
تشکیل دبیرخانه دائمی شعر آیینی و تجزیه و تحلیل اشعار تولید شده

برگزاری جلسات آموزشی برای شاعران آیینی
شناسایی ظرفیت های موجود در عرصه شعر آیینی در کشور

- مطلب مورد نظر آن را پرینت، ذخیره و یا برای دوستان ارسال کند.
۴) مقتل: همه مقتل های بارگذاری شده در سایت در این صفحه دیده می شود (با فیلتر بر اساس چهره و فیلتر بر اساس زمینه مطلب). قابلیت جست و جو و بخش هایی نظیر «مطالب دیگر با همین موضوع» و «مطالب دیگر از همین پدیدآورنده» در این صفحه نیز در دسترس است.
۵) نوحه و سرود: با مشخصات نوار ابزارهای قبلی
۷) نقدها: نقدهای محتوایی و ادبی درباره اشعار، در این قسمت بارگذاری شده است.
۸) اطلاع رسانی: اخبار مربوط به حوزه ادب و شعر را در این قسمت می توان رصد کرد.
۹) چهره ها: این قسمت نیز ویژگی های نوار ابزارهای سابق الذکر را دارد.
۱۰) خبرنامه: در این بخش مطالب جدید و ویژه نامه ها به صورت ایمیل برای اعضاء فرستاده می شود.

نوار ابزارهای سمت راست سایت:

- الف) صفحه اصلی موضوعات:** جغرافیا، تاریخ متون، رجال، فرهنگ و جامعه، مفاهیم، ارگانها و نهادهای مرتبط، مآخذشناسی و اندیشه
ب) نمودار درختی: در این بخش همه موضوعات به صورت نمودار درختی و گرافیکی قابل جست و جو است.
ج) آرشیو موضوعات ویژه: همه مطالب مورد نظر مدیر سایت به صورت ویژه نامه انتخاب و در اختیار



دو بیتهای انتظار



همان‌طور که در شماره نهم نشریه اطلاع‌رسانی شد، بنیاد دعبل خزاعی در ماه شعبان اقدام به برگزاری مسابقه پیامکی «دو بیته انتظار» کرد. برای این منظور از علاقه‌مندان دعوت کردیم، ناب‌سروده‌های خود را تا دهم شعبان برایمان ارسال کنند. بیش از ۵۰۰ دو بیته از کل کشور برای شرکت در این مسابقه به دبیرخانه برگزاری مسابقه پیامکی دو بیته انتظار، پیامک یا ایمیل شده است که از این تعداد ۶۰ اثر گزینش و از بین این ۶۰ دو بیته ۱۰ نفر به عنوان برگزیدگان اولین مسابقه سایت «زمزمه» (پایگاه جامع ادبیات شیعی بنیاد دعبل خزاعی) انتخاب شده‌اند. اشعار برگزیده و شایسته تقدیر، همراه عکس و مشخصات شاعران آنها در سایت زمزمه بارگذاری و در اختیار ۱۲ هزار مداح تحت پوشش بنیاد دعبل خزاعی قرار می‌گیرد. البته همه شاعرانی که به عشق امام زمان ارواحنا فداه در این مسابقه شرکت کرده‌اند، به مصداق حدیث عبدالله بن فضل هاشمی که از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده است: «هر کس درباره ما بیت شعری بگوید خداوند برایش در بهشت خانه‌ای بنا می‌کند»، برنده هستند. ما حرکتی را با کمک شما آغاز کرده‌ایم که امید است در آینده‌ای نزدیک با رونمایی از اولین سایت جامع و تحلیلی شعر آیینی با نام «زمزمه» تداوم یابد. با تشکر از شاعران عزیزی که برای مسابقه پیامکی انتظار، شعر ارسال کرده‌اند، ۱۰ شعر برگزیده کمیته داوران و شاعران آنها به شرح زیر به استحضار می‌رسد:

یکی افراط‌گر در دین و آیین
یکی درگیر لاکراهی الدین
بیا بر پانما حد وسط را
که آزاد کنی از آن و از این!
محسن کاویانی

این طایفه از نسل نسیم سحرند
هر چند پرنده‌اند؛ بی‌بال و پرند
این خاک غنی عجیب! محتاج شماست
آن‌ان که غنی‌ترند محتاج‌ترند
آزاده ذاکری از خراسان شمالی

گیرم که دعای ما اثر کرد
خورشید دوباره سر بر آورد
ای منتظران به من بگویید
کو ۳۱۳ نفر مرد...؟!
منوچهر سوری از ورامین

چشمان تو رمز و راز دارد آقا
دستم به دلت نیاز دارد آقا
من تازه به دام عشق تو افتادم
این قصه سر دراز دارد آقا
مهدی روزبهانی از همدان

امیر بی قرینه کی می‌آیی؟
کشم ناله ز سینه کی می‌آیی؟
عزیزم مادرت چشم‌انتظاره
سحر خیز مدینه کی می‌آیی؟
جواد حیدری از تهران

به روی شانه بارت را کشیده
جهان بی‌قرارت را کشیده
دل‌م نقاش خوبی نیست آقا
ولی خوب انتظارت را کشیده
محمد تقی عزیزبان از لرستان

دیگر شده‌ام دچار وسواس «بیا»
بد جور به عصر جمعه حساس «بیا»
گفتی به عموی خود ارادت داری
این بار قسم به دست عباس «بیا»
محمد مهدی نیک‌قامت از تهران

کسی نیامده جز او سر قرار خودش
نشسته غرق تماشای شیعیان خودش
چه انتظار عجیبی ست اینکه شب تا صبح
کسی قنوت بگیرد به انتظار خودش
رسول خیابانی از قم

تسبیح دعا دور خودش می‌چرخد
کعبه سر پا دور خودش می‌چرخد
از لحظه غیبت شما تا امروز
هی قطب‌نما دور خودش می‌چرخد
محمد حسین ملکبان از اصفهان

امید آخر حیدر تویی تو!
پس از او ساقی کوثر تویی تو!
تو مجموع کتاب و عترت او
تمام ارث پیغمبر تویی تو!
اصغر عظیمی مهر از کرمانشاه

ملاحظات محتوایی در انتخاب شعر هیئت بر سایر ویژگی‌ها تقدم دارد

روش‌های انتخاب و عرضه شعر هیئت

اسماعیل امینی

و داعیه‌های بی‌اساس که در این گونه سروده‌ها رایج است.

استفاده از شعر در هیئت‌های مذهبی، سنتی است که از لحاظ قدمت با پیشینه تاریخی شکل‌گیری هیئت‌ها، برابری می‌کند. این رسم اگر چه در گذار زمان تغییراتی کرده، اما به هر حال ملازمت شعر و هیئت‌های مذهبی، هرگز دچار وقفه و گسست نشده است.

با توجه به این پیوستگی دیرپای و اهمیتی که شعر، در هیئت‌های مذهبی دارد، در این نوشته تأملی خواهیم داشت بر موضوع روش‌های انتخاب و عرضه شعر هیئت؛ باشد که طرح این موضوع مقدمه شکل‌گیری مباحث علمی دقیق‌تر و گسترده‌تر گردد.

روش‌های انتخاب و عرضه شعر هیئت

بنیان مطالعات نظری و کاربردی هنر شاعری، بر مجموعه‌ای از مباحث زیبایی‌شناسی به نام «علوم بلاغی» است. مبنای بلاغت در سخنوری بر اساس بحث دربارهٔ وجوه تحسین کلام است که در نهایت منجر به تعریف بلاغت می‌شود؛ یعنی تطبیق کلام با مقتضای حال. دربارهٔ «مقتضای حال» در این تعریف چند نظر وجود دارد:

نخست اولویت مقتضای حال مخاطب، دوم اهمیت مقتضای حال موضوع و سوم توجه به مقتضای حال خود کلام.

۱- مقصود از تطبیق کلام با مقتضای حال مخاطب این است که، شاعر در هنگام سرودن شعر، برای سخن خویش مخاطب مفروضی دارد که بر اساس ذوق و پسند و احوال او، سخن سرایی می‌کند؛ چنان که مثلاً شعری که برای قرائت در میان اهل فضل و سخن‌شناسان سروده می‌شود با شعری که برای مخاطب عام است، تفاوت دارد.

۲- مقصود از تطبیق کلام با مقتضای موضوع، این است که تمام عناصر سازندهٔ شعر (وزن، قافیه، دایرهٔ واژگانی، صور خیال، مضامین و...) در نهایت در خدمت موضوع اصلی شعر هستند؛ بنابراین تناسب آنها با موضوع شعر، الزامی است؛ چنان که مثلاً شیوهٔ سخن در حماسه با تغزل، تمایز آشکار دارد و بر همین سیاق شعر حکمی با شعر توصیفی در عناصر شعری متمایز است.

۳- مقصود از تطبیق کلام با مقتضای کلام، این است که اجزای سخن با یکدیگر و با نظام کلی حاکم بر متن، سازگاری داشته باشند.

این سازگاری اعم از تناسب‌های معنایی، شیوایی و موزونی، همسانی لحن و سایر وجوه مرتبط با صورت و محتوای زبان و بیان شعر است.

۱- ملاحظات مربوط به روش‌های انتخاب شعر هیئت

۱.۱. ملاحظات محتوایی

شعر هیئت در تمام گونه‌هایش، به شدت وابسته به محتوا و درونمایه است؛ بنابراین، ملاحظات محتوایی در



مقدمه:

به درستی و نادرستی آن بیندیشند، مسجور ترنم و نظام کلمات و دل‌انگیزی تصویرها می‌شوند؛ این انفعال عاطفی گاهی شرایطی را فراهم می‌آورد که برای مخاطب شعر، مجالی برای استدلال و تفکر منطقی باقی نمی‌گذارد.

قدرت القایی و تلقینی شعر، در ملازمت با خیال‌انگیزی و تأثیرگذاری عاطفی، راه را بر استدلال عقلانی می‌بندد؛ این ویژگی شعر اگر در باز آفرینی تجربه‌های عاطفی، به یاری شاعران بیاید، برای مخاطبان نیز، لذت سهیم شدن در تجربه‌ها و حالات ناب روحی ایشان را به ارمان می‌آورد.

اما آن‌گاه که در پرتو خیره‌کنندهٔ سخن شاعرانه، مرز میان واقعیت و خیال، رنگ می‌بازد، زمینه‌ای مناسب برای فریب و تحریف و دگرگونی واقعیت‌ها فراهم می‌آید. نمونهٔ بارز این فریبکاری و دگرنمایی واقعیت‌ها، انبوهی از سروده‌هایی است که در ستایش از امیران جور و شاهان ستمگر ساخته شده، با تمام اغراق‌های نامعقول

شعر به عنوان هنر ملی مردم ایران، تا پیش از ظهور و گسترش رسانه‌های جدید، مؤثرترین رسانهٔ اجتماعی و فرهنگی بوده است، به گونه‌ای که نهاد‌های اجتماعی، مراکز قدرت، جریان‌های فکری و فلسفی، برای رساندن پیام خود به مخاطبان از ظرفیت‌های شعر بهره برده‌اند. ماندگاری و گسترش مخاطبان، بسیاری از نام‌ها، رخدادها و اندیشه‌ها، بیش از آن که حاصل ویژگی‌های ذاتی آنها باشد، مرهون عرضهٔ آنها در بیان شعری است. سخن منظوم و مخیصل، در میان مردم فراتر از سخن‌های معمول و متداول در گفت‌وگوها تلقی می‌شود و درست یا نادرست، اغلب مردم آن را برتر از نثر می‌پندارند؛ گویی کسی که می‌تواند سخن موزون و آهنگین و قافیه‌دار بیافریند، توانایی ماورایی دارد.

سحر سخن شاعرانه تا آن پایه است که بسیاری از مخاطبان، بیش از آن که در محتوای سخن تأمل کنند و

ج) توجه به موضوع محوری که در هیئت مطرح است (مثلاً یادمأن شهدا، بزرگداشت پیش کسوتان، سوگ ائمه، تفسیر قرآن و نظایر آن) این نکته در هیئت‌های مذهبی به صورت سنت پسندیده‌ای متداول بود، که شعر ارائه شده در مجلس با موضوع سخنرانی خطیب منبری هماهنگی داشت؛ اما چندی است که به این سنت مقبول چندان اعتنایی نمی‌شود.

۴- روش‌های انتخاب شعر هیئت

در دورانی نه چندان دور، انتقال تجربه‌ها از طریق روش استاد و شاگردی صورت می‌گرفت و بر این اساس، تجربه‌های مفید و کارآمد در تمامی زمینه‌ها و از جمله در موضوع انتخاب شعر برای هیئت، از نسلی به نسل دیگر می‌رسید.

به این ترتیب میزان تکرار خطاهای رایج و آسیب‌های حاصل از آن به حداقل می‌رسید.

اگرچه این روش کاستی‌هایی هم داشت که مهم‌ترین آنها، ایجاد مانع در خلاقیت و ابتکار عمل بود.

به هر حال در این روزگار که آن شیوه انتقال مستقیم دانش و تجربه میان استاد و شاگرد، چندان متداول نیست، برای این امر خطیر تدوین روش‌های جدید ضروری به نظر می‌رسد.

مقصود از روش‌های انتخاب شعر برای هیئت، مجموعه‌ای از مهارت‌ها و شناخت‌هاست که موجب می‌شود کاربران اشعار هیئت، برای دستیابی به شعر مطلوب و مناسب با سهولت، سرعت و دقت عمل کنند و از روش‌های تصادفی و بدون برنامه بهره‌برند.

۴-۱. اصول کلی حاکم بر روش‌های انتخاب شعر هیئت

الف) شناخت منابع و کتاب‌های ارزشمند و ناشران معتبر

ب) مراجعه به مراکز مورد وثوق، مانند برخی مجامع معتبر شاعران و ذاکران اهل بیت، سایت‌های مرتبط با

نهادهای شناخته شده نظیر سازمان تبلیغات اسلامی (ج) مشورت با استادان و کارشناسان برجسته، به‌ویژه شاعران و ذاکران پیش کسوت و صاحب تجربه

د) آشنایی با پیشینه تاریخی و سیر تحول اشعار هیئت از گذشته تا امروز برای استفاده از روش‌ها و آثار موفق که در گذار زمان ممکن است از خاطرها محو شده باشند.

ه) حضور در محافل شعری و برقراری ارتباط مؤثر با شاعران برجسته برای استفاده از آثار و تجربه‌های ایشان

۵- ملاحظات مربوط به روش‌های عرضه شعر هیئت

مقصود از روش‌های عرضه شعر هیئت، گونه‌های مختلف استفاده از شعر در هیئت‌های مذهبی است مانند:

۱- کتیبه‌نویسی، که در اغلب این کتیبه‌ها، از ابیات ترکیب‌بند مشهور محتشم کاشانی استفاده می‌شود؛ اگر چه در چند سال اخیر کتیبه‌هایی با اشعار شاعران معاصر نیز عرضه شده است.

۲- قرائت شعر به صورت خطایی و بدون استفاده از ادوات آوازی و تحریری

۳- استفاده از شعر به عنوان نوحه سینه‌زنی یا زنجیرزنی

۴- استفاده از شعر در بخش دعای پایانی مراسم هیئت

۵- شعرخوانی به شیوه‌های متنوع سنتی با استفاده از ادوات آوازی در جشن‌ها و سوگواری‌ها

۶- عرضه شعر در مکالمات شخصیت‌های شبیه‌خوانی و تعزیه

۷- کاستی‌های رایج در شیوه‌های عرضه شعر هیئت

الف) استفاده از کتیبه‌های مرسوم در هیئت‌های مذهبی در مکان‌های اداری و تجاری و حتی روی نرده‌های

ادبی شعر نداشته باشند. اما ضرورت توجه به استحکام ادبی شعر هیئت، نه به این دلیل است که هیئت‌های مذهبی لزوماً به محافل ادبی شباهتی دارند و یا مخاطبان این گونه شعرها دارای دانش وسیع ادبی هستند؛ بلکه از آن رو که مجموعه علوم بلاغی و دانش‌های ادبی، با هدف بررسی و جوه تحسین کلام و روش‌های مؤثر سخن گفتن با مخاطبان، پدید آمده است، آشنایی با مبانی بلاغت و توجه به آنها در انتخاب اشعار ضروری است.

۱-۲. اصول کلی حاکم بر ملاحظات ادبی در انتخاب شعر هیئت

الف) سلامت زبان شعر از لحاظ رعایت قواعد دستوری

ب) انسجام زبانی و رسایی متن برای سهولت ارتباط با مخاطبان

ج) رعایت قواعد ابتدایی شعر، از قبیل قواعد وزنی، اصول قافیه صحیح، ایجاز و فصاحت

استفاده از شعر در هیئت‌های مذهبی سنتی است که از لحاظ قدمت با پیشینه تاریخی شکل‌گیری هیئت‌ها برابری می‌کند این رسم اگرچه در گذار زمان تغییراتی کرده اما به هر حال ملازم‌ت شعر و هیئت‌های مذهبی هرگز دچار وقفه و گسست نشده است



د) توجه به خلاقیت و طراوت بیان شعری و پرهیز از تکرار و تقلید و استفاده از صور خیال و استعاره‌ها و تشبیهات دست‌فروسی که قدرت خیال‌انگیزی و تأثیرشان را از دست داده‌اند.

ه) توجه به این نکته که شعر هیئت، از انواع سخن خطایی است؛ یعنی از طریق شنیداری و فی‌المجلس عرضه می‌شود؛ بنابراین تمامی عناصر شعر از جمله زبان، بیان، نمادها، خط روایت، ساختار معنایی و طول متوسط عبارات باید به گونه‌ای باشد که مانع برقراری ارتباط با مخاطب نشود.

۳- ملاحظات کاربردی در انتخاب شعر هیئت

مقصود از ملاحظات کاربردی، مجموعه‌ای است از نکاتی که مربوط به نوع استفاده و زمان، مکان، نوع مجلس و طیف مخاطبان شعر است.

چنان که مثلاً وقتی در یک هیئت، اکثریت اعضا از دانشگاہیان هستند در انتخاب شعر باید سطح دانش و پسند ایشان، ملحوظ گردد.

و یا هنگامی که هیئت برای مخاطبان کودک و نوجوان تشکیل شده، طبیعتاً نوع شعر انتخابی با توجه به احوال ایشان خواهد بود.

۱-۳. اصول کلی حاکم بر ملاحظات کاربردی در انتخاب شعر هیئت

الف) توجه به طیف مخاطبان و سطح دانش و پسند ایشان به هنگام انتخاب شعر

ب) توجه به شرایط زمانی (از جمله مناسبت‌ها) و مکانی (شهر، محله و فضای تشکیل هیئت) برای انتخاب شعر مناسب و منطبق با این شرایط

انتخاب شعر هیئت، بر سایر ویژگی‌ها، تقدم دارد. محتوای شعر انتخاب شده، بر آمده از نگاهی است که کاربران شعر هیئت (ذاکران و مداحان) به اهداف و کارکردهای محافل دینی دارند.

در باره این اهداف، مباحث نظری فراوانی مطرح است، اما سه نوع نگاه در این زمینه به عنوان نگاه‌های رایج و کاربردی وجود دارد:

الف) گزاره‌های کلی عقیدتی و عاطفی درباره اهداف تشکیل هیئت، نظیر: ایفای وظیفه دینی، نوکری اهل بیت، ادای نذر و از این قبیل.

این گونه بیان اهداف، با تمام ارجمندی آن، چون وابسته به نیات درونی انسان است، قابل ارزیابی علمی و سنجش کمی و کیفی نیست.

ب) گزاره‌های کاربردی و غیر رسمی درباره اهداف تشکیل هیئت، نظیر:

- ۱- جذب مخاطبان پر شمار
- ۲- معرفی متولیان و برگزارکنندگان مجلس و از جمله ذاکران و خوانندگان به جامعه و رسانه‌ها
- ۳- رقابت با هیئت‌های دیگر و پیشی گرفتن از آنها
- ۴- زمینه‌سازی برای طرح اندیشه‌ها و تحلیل‌های مورد نظر برگزارکنندگان هیئت در موضوعات روز
- ۵- انگیزه‌های صنفی، قومی، منطقه‌ای، اداری و جناحی

ج) گزاره‌های سنتی درباره اهداف تشکیل هیئت، نظیر:

- ۱- ادامه رسم موروثی در یک خانواده یا یک واحد اجتماعی بزرگتر
 - ۲- برگزاری هیئت به عنوان یک آیین مذهبی در زمرة آیین‌های مرسوم دیگر
- با تأملی در این گزاره‌ها، می‌توان دریافت که فرآیند سفارش شعر یا انتخاب آن، چگونه با اهداف کاربردی تشکیل هیئت پیوستگی دارد.
- چنان که مثلاً در هیئت‌هایی با اهداف سنتی، شعرهای انتخاب شده از میان آثار مانوس برای مخاطبان است که تداعی‌کننده خاطرات و پیشینه هیئت و بانیان آن می‌تواند باشد.

و یاد در هیئت‌هایی با اهداف جناحی، شعرهای انتخاب شده، از میان آثاری است که ادبیات رسانه‌ای و اصطلاحات متداول در تحلیل‌های سیاسی در آنها دیده می‌شود.

۲-۱. اصول کلی حاکم بر ملاحظات محتوایی انتخاب شعر

الف) صحت مطالب مطرح شده در متن شعر از لحاظ تطبیق آنها با منابع معتبر تاریخی

ب) دقت در نوع نگاه و شیوه تحلیل رخدادها و داوری‌ها و انطباق آنها با تعالیم دینی و اعتقادی شیعی

ج) توجه به شرایط زمان و حساسیت‌های موجود در زمینه‌های مرتبط با مسائل قومی و اختلافات میان مذاهب مختلف اسلامی

د) تبعیت از رهنمودهای مراجع دینی در زمینه وظایف و کارکردها و روش‌های مشروع و مقبول تبلیغ دینی در هیئت‌های مذهبی.

۲- ملاحظات ادبی مربوط به روش‌های انتخاب شعر

در تداول عام، اهمیت محتوایی شعر هیئت و تقدس موضوعات آن به گونه‌ای است که رعایت قواعد رایج ادبی در آنها چندان ضروری به نظر نمی‌رسد؛ به‌ویژه با توجه به آن که مخاطبان این گونه اشعار از اقشار مختلف مردم هستند و ممکن است، چندان با مسائل نظری شعر آشنا نباشند و به همین دلیل حساسیتی نسبت به ارجمندی

پارک‌ها، دیوار بیرونی ادارات، بدنه قطارهای مترو و اتوبوس‌های سرویس ادارات که مفاخر شأن شعر مذهبی است.

ب) عرضه شعر هیئت با موسیقی‌های نامناسب، مبتذل و تقلیدی که درباره این کاستی بحث‌های مفصلی مطرح است.

ج) عرضه شعر هیئت با لحن‌های نامناسب و گاه جاهلانه که سالیانی است متداول شده است، به گونه‌ای که گویی خواننده شعر نه در حال سوگواری مذهبی که در حال عریده‌کشی برای عرض اندام در برابر حریفان است. د) پخش شعر مذهبی و نوحه‌ها و مرثیه‌ها از بلندگوی ادارات، ترمینال‌های مسافری، داخل هواپیماها، بلندگوی دانشگاه‌ها، مدرسه‌ها و حتی بیمارستان‌ها، که مصداق بارز ضد تبلیغ است.

ه) استفاده از شعر مذهبی برای زنگ پیشواز در شبکه‌های تلفن همراه که شیوه‌ای بسیار نامناسب و موهن است.

و) استفاده از اشعار و مدایح برای آهنگ انتظار تلفن‌های مراکز اداری

ز) عرضه شعر مذهبی به شیوه خوانندگان کنسرت‌های موسیقی مبتذل، همراه با حرکات و پایکوبی‌های موهنی که در این گونه کنسرت‌ها متداول است.

ح) عرضه شعر مذهبی در شرایط نامناسب، مثلاً جلسه تودیع و معارفه اداری، میان برنامه یک جنگ تفریحی، پیش از آغاز مسابقات ورزشی و یا در زمان نیمه بازی در استادیوم‌ها

و) استفاده از شعر و نغمات مذهبی برای آگهی‌های تجاری

ز) استفاده از شعر مذهبی برای تبلیغ انتخاباتی و سیاسی و پخش آثار مذهبی به عنوان هدیه ستادهای انتخاباتی

۲-۵. ملاحظات محتوایی در عرضه شعر هیئت

مقصود از ملاحظات محتوایی در عرضه شعر هیئت، این است که انتخاب شیوه عرضه شعر، با توجه به محتوای آن صورت گیرد؛ چنان که مثلاً میان شعر مولودی و شعر مرثیه، در شیوه عرضه تفاوت بارزی هست.

با آن که این سخن بدیهی به نظر می‌رسد، اما بسیار دیده شده که در عرضه شعر، نغمه‌های یکسانی برای سوگ و سور متداول شده است.

بر همین سیاق می‌توان گفت که روش عرضه شعری با محتوای حکمی، با شعری که جنبه اندرز و تذکار دارد متفاوت است.

و یا مثلاً شعری که محتوای نیایشی دارد نباید با لحن رجز‌خوانی و مبارز طلبی عرضه شود.

شعر هیئت در تمام گونه‌هایش به شدت وابسته به محتوا و درنمایه است بنابراین ملاحظات محتوایی در انتخاب شعر هیئت بر سایر ویژگی‌ها تقدم دارد



مجموعه این ملاحظات ممکن است به صورت تجربی و ذوقی، مطمح نظر برخی از بزرگان این عرصه باشد، اما برای تدوین و سامان‌دهی آنها هنوز کار شایسته‌ای صورت نگرفته است.

۳-۵. ملاحظات عرضه شعر هیئت با توجه به مخاطبان

الف) توجه به طیف مخاطبان از لحاظ ترکیب سن و سطح تحصیلات و انتخاب روش متناسب با احوال ایشان در عرضه شعر

ب) توجه به وضعیت روحی و واکنش‌های مخاطبان در انتخاب و تغییر لحن و شیوه عرضه شعر (مثلاً علایم خستگی و ملال، آمادگی برای همراهی با شعر، شور و حال سوگواری و گریه)

ج) گاهی با توجه به واکنش مخاطبان مجلس، ذاکر می‌تواند علاوه بر عرضه شعر، با توضیحاتی درباره محتوای آن و یا تحلیل برخی ظرایف و اشارات سخن، توجه مخاطبان را به دقایق شعر جلب کند؛ تا از این

طریق، قدرت تأثیر شعر افزایش یابد.

۴-۵. ملاحظات هنری در عرضه شعر هیئت

مقصود از ملاحظات هنری در عرضه شعر هیئت، مجموعه‌ای از ملاحظات زیباشناسانه است که موجب عرضه مؤثر و شایسته شعر مذهبی می‌شود، مواردی از این قبیل:

۱- زیبایی و رسایی صدای خواننده

۲- انتخاب نغمه متناسب با شعر و بهره‌گیری از فراز و فرودهای تأثیرگذار آوازی

۳- در عرضه شعر به صورت کتیبه، استفاده از خط خوش و آراستگی‌های متناسب با موضوع

۴- در صورت همراهی ساز با صدای خواننده، توجه به تناسب آهنگ و حتی نوع ساز با محتوای شعر

۵- در صورت همراهی گروه همخوانان، توجه به اصول هارمونی و قواعد موسیقی مرتبط با هنر همخوانی

۶- آشنایی کامل خواننده و ذاکر با قواعد شعری، از جمله وزن و نکات بلاغی، به‌ویژه قواعد مربوط به قرائت شعر (لحن، تکیه و تأکید، توجه به ابیات موقوف المعانی، تلفظ صحیح کلمات و عبارات و نظایر آن) و به کارگیری این قواعد هنگام عرضه شعر، به گونه‌ای که مخاطبان به‌سادگی با محتوای شعر ارتباط برقرار کنند.

۷- آشنایی با سنت‌های عرضه شعر هیئت در اقلیم مورد نظر و استفاده به‌موقع از این قابلیت‌ها، چنان که مثلاً شیوه نوحه‌خوانی در هر یک از مناطق کشور و در میان اقوام مختلف و نیز شیعیان کشورهای دیگر با هم تفاوت دارد؛ بنابراین برای برقراری ارتباط مؤثر با مخاطبان، آشنایی با شیوه‌های مقبول ایشان ضروری است.

این همه گفتیم لیک اندر بسیج

بی عنایات خدا هیچیم هیچ

بی عنایات حق و خاصان حق

گر ملک باشد سیاهستش ورق



موقعیت‌های خاص عرضه نوحه ظرفیت بالایی را برای تأثیرگذاری و جریان‌سازی در اختیار آن قرار می‌دهد

نوحه و وحدت ذهنی شاعرانه

مصطفی نیازی



نوحه در لغت به معنی بیان مصیبت، گریه کردن به آواز و شیون و زاری بر مرده است. به آوازهای متریک و اندوه‌ناکی که اغلب از گوشه‌های ردیفی گرفته شده‌اند و یا برداشتی از مقام‌های آوازی موسیقی نواحی مختلف هستند نیز نوحه می‌گویند. نوحه‌ها نقش مؤثری در حفظ نغمات و ردیف دستگاه‌های موسیقی ایرانی دارند و در اصطلاح ادیبان، نوحه نوعی از شعر فارسی است که عموماً در سوگواری کسی که تازه مرده و مخصوصاً برای امامان شیعه و به‌طور اخص به انگیزه ارادت به امام حسین علیه‌السلام و خاندانش و در سوک شهادت آن حضرت و یارانش در ایام عاشورا سروده می‌شود.

در نوحه، برای استرحام شرکت‌کنندگان، واژه‌های غم‌انگیز و ترکیبات حزن‌آور کاربرد زیادی دارد و برای سهولت در کار هم‌خوانی، استفاده از کلام ساده و الفاظ بی‌تکلف و همچنین کوتاهی سطح افقی شعر، رعایت می‌شود.

نوحه، بخشی از ادب غنایی و نوعی از مرثیه مذهبی است و از حیث محتوا، مضامین و آهنگ‌های ویژه‌ای که دارد، گاهی جنبه حماسی می‌یابد. زمان، مکان و موقعیت‌های خاص عرضه نوحه ظرفیت بالایی را برای تأثیرگذاری و جریان‌سازی در اختیار آن قرار می‌دهد.

در نوحه، مفهوم بر قالب و هر عنصر شعری دیگر برتری دارد و این اندازه تأکید بر مفهوم گاهی سبب می‌شود که آن مفهوم فقط جنبه‌روایی بیابد و با تاریخ انطباقی نداشته باشد. محتوای برخی نوحه‌ها با اندیشه‌ها و باورهای درآمخته است که در همه جا مرسوم نیست و گاهی آنچنان با برخی از افکار و اعتقادات مردم کوچک و بازار درآمخته که مورد انتقاد اندیشمندان قرار گرفته است.

در عصر صفویه با رواج روضه‌خوانی، میرزاهای تعزیه، مداحان اهل بیت علیهم‌السلام و شاعران به سرودن شعر نوحه روی آوردند. به‌خصوص با تشکیل دسته‌های بزرگ زنجیرزن، سینه‌زن و کرب‌زن برای عزاداری در برخی از روزهای محرم و ماه رمضان در زمان پادشاهی شاه عباس اول، سرودن اشعار نوحه رواج یافت.

نوحه‌ها مانند شعر نوشتاری فارسی سروده می‌شوند و اغلب دارای وزن، قافیه و مشخصات شعر سنتی فارسی هستند. نوحه تصنیفی با مضمون مذهبی و دینی است و برای سینه‌زنی در مراسم سوگواری سروده می‌شود. زبان اصلی نوحه، فارسی است؛ اما شیعیان ترک، کرد، عرب و حتی صاحبان لهجه‌های محلی نیز نوحه‌های خاص خود را دارند؛ برای نمونه «اوخشاما» به معنای ستایش، مدح، نوحه‌گری و مویه کردن از تأثیرگذارترین قالب‌ها در مرثیه ترکی است.

البته اوخشاماها علاوه بر مفهوم غم در معنای شادی را نیز در برمی‌گیرد و بیشتر در قالب «بایاتی» سروده می‌شود. اشعاری که در قالب بایاتی سروده می‌شوند، مانند رباعی و دوبیتی در زبان فارسی از چهار مصراع تشکیل شده‌اند. به‌طوری که مصراع‌های اول، دوم و چهارم هم‌قافیه و مصراع سوم آزاد است. وزن بایاتی مانند دیگر قالب‌های شعر ترکی، هجایی است.

قدیم‌ترین شعری که در نوحه‌های فارسی استفاده شده، از «سیف فرغانی» از شاعران معاصر ایلخانان با مطلع زیر است:

ای قوم در این عزای بگریید!
بر کشته کربلا بگریید!

گروهی نیز نخستین نوحه فارسی را از «صبا بیدگلی» با قصیده‌ای شبیه نوحه با مطلع زیر می‌دانند:

امروز عزای شاه دین است
از ناله سپهر چون زمین است

یغمای جندقی (۱۲۷۶-۱۱۹۶ ق.) اولین شاعری است که بخشی از دیوانش به نوحه اختصاص یافته و پس از او فرزندانش اسماعیل هنر (متولد ۱۲۸۸ ق.)، ابراهیم دستان (متولد ۱۳۱۰ ق.) و احمد صفایی (متولد ۱۳۱۴ ق.) راه پدر را ادامه دادند و اشعار تازه‌ای در این زمینه از خود باقی گذاشتند. یغما با سرودن مرثیه‌هایی که برای آهنگ ضربی ساخته شده و خود آنها را نوحه‌ی سینه‌زنی یا سنگ‌زنی می‌نامد، نوع تازه‌ای از مرثیه را بوجود آورد که اکثر آنها در قالب مستزاد و دارای استحکام لفظی و معنایی است و به این ترتیب او را متحول‌کننده سبک نوحه‌سرایی جدید می‌دانند.

بیدل باغدشتی الموتی، سیدمیرزا آقا سمل سخت‌سری و میرزا موسی مکلای طالقانی نیز در مرثیه سینه‌زنی آثاری شیوا و استوار از خود برجای گذاشته‌اند نوحه‌ها در ابتدا بسیار ساده، کوتاه، بدون پیرایه و گاهی با وزن‌های غلط و نادرست ارائه می‌شدند. این نوحه‌ها که از ذهن و زبان مردم می‌تراویده با برداشتی از اشعار مرثیه و شعر تعزیه‌ها سروده می‌شده است.

با گذشت زمان نوحه‌ها از نظر وزن، ترکیب واژگان، قالب و قافیه، عنصر خلاقیت و سایر عناصر شعری مطلوب‌تر شده‌اند. یغمای جندقی (۱۲۷۶-۱۱۹۶ ق.) را متحول‌کننده سبک نوحه‌سرایی جدید می‌دانند. او با پرهیز از الفاظ و ترکیبات ذلت‌بار در محتوای نوحه‌های عاشورایی و با مرثیه‌هایی که برای آهنگ ضربی ساخته شده و خود آنها را نوحه سینه‌زنی یا سنگ‌زنی می‌نامد، نوع تازه‌ای از مرثیه را بوجود آورده که اکثر آنها در قالب مستزاد و از استحکام لفظی و معنایی برخوردار است.

برای سرودن نوحه خوب شناخت آهنگ‌ها و ممارست و تجربه کافی در به‌کارگیری و تنسيق واژه‌ها برای القا موسیقی کلامی مورد نظر آشنایی با فرهنگ و شعر هجایی مردمی مهارت شعری در حد اعلاء و وحدت ذهنی شاعرانه لازم است



تضمین‌های یغما از غزلیات معروف سعدی و حافظ در نوحه‌های عاشورایی، از ویژگی‌های دیگر نوحه‌های اوست.

برای سرودن نوحه خوب شناخت آهنگ‌ها و ممارست و تجربه کافی در به‌کارگیری و تنسيق واژه‌ها برای القا موسیقی کلامی مورد نظر، آشنایی با فرهنگ و شعر هجایی مردمی، مهارت شعری در حد اعلاء و وحدت ذهنی شاعرانه لازم است. وزن و قافیه و تقطیع و تلفیق اوزان در نوحه نسبت به سایر قالب‌های شعر سنتی فارسی متنوع‌تر است. اشعار نوحه با ضرب آهنگ‌های سینه‌زنی متناسب و هم‌آهنگ است. نوحه در ساختار خود به آهنگ، لحن و موسیقی وابسته است. لزوم همراهی لحن و آهنگ با نوحه، شاعران را به نوآوری‌هایی در سرودن آن ترغیب می‌کند. در انواع مختلفی از شعر فارسی نظیر ترجیع‌بند، ترکیب‌بند، مستزاد، مسقط، مخمس و ... نوحه سروده شده است. گاهی نوحه‌سرایان قالب‌های شعر سنتی را با یکدیگر تلفیق کرده‌اند و حتی در مواردی دست به ابداعاتی بر خلاف سنت شعر فارسی زده‌اند.

بهترین نوحه، نوحه‌ای است که دارای محتوای مذهبی و آیینی باشد

نوحه زبان یک جامعه یک هیئت و یک جمعیت عاشورایی است

گفت‌وگو با غلامرضا سازگار

الهام غریبی

«غلامرضا سازگار» از ستايشگران و ذاکران اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است که در سال ۱۳۲۰ ش. در شهر قم متولد شد. در ۱۰ سالگی تحت تأثیر فرزند مرحوم «آیت الله شرعی» به امام حسین علیه السلام متوسل شد؛ تا در جرگه ستايشگران اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قرار گیرد. با پشتکاری که از خود نشان داد، از استاد «میرزا محمد فقیهی» اجازه خواندن یافت و در جلسات ایشان چند بیت مختصر می‌خواند. سازگار از محضر مرحوم «حاج ملا حسین مولوی» نیز کسب فیض کرده و در جلسه عصر جمعه ایشان که با نام «ذاکرین» و به سرپرستی آن استاد بزرگوار بود، بهره برده است. اغلب اشعار فرآورانی برای انقلاب و شهدا سروده است. از جمله آثار ایشان مجموعه اشعار با نام «نخل میثم» است که کمتر مداحی است که از آن بهره نبرده باشد. اغلب نوحه‌های غلامرضا سازگار علاوه بر شیوایی و روانی کلام، به دور از تحریفات محتوایی است. در گفت‌وگویی با استاد سازگار به موضوع نوحه از حیث محتوا، مضمون و قالب نیم‌نگاهی انداخته‌ایم. در ادامه گفت‌وگوی «دعبل» با استاد غلامرضا سازگار را بخوانید.



این نکته را باید اضافه کنیم که در این موضوع با دو بخش روبه‌رو هستیم؛ بخش اول: نوحه و بخش دوم: شعر. شعر جمله‌ای است که فریاد زده می‌شود؛ مثلاً خدا یا تانقلاب مهدی خمینی را نگهدار. نوحه عرض حال عزاداران امام حسین علیه السلام به سبک سینه‌زنی و همه‌خوانی همراه با دم است. بهترین نوحه، نوحه‌ای است که دارای محتوای مذهبی و آیینی باشد.

دعبل: شما تأکید کردید که نوحه دارای

سبک‌های بسیار زیادی است؛ بهترین سبک برای سرودن نوحه کدام است؟ به نظرم سبکی که در بین افراد جامعه ماندگار شود و به اصطلاح در دهان با بچرخد، بهترین سبک برای نوحه‌سرایی است. نمی‌توانیم برای این کار یک سبک واحد مشخص کنیم و بگوییم که این سبک بهترین سبک برای نوحه‌سرایی است.

گاهی اوقات نوحه‌های سروده می‌شود و به قدری زیبا است که مخاطب با یک بار شنیدن نوحه آن را به یاد می‌سپارد؛ مثلاً این نوحه:

بر مشامم می‌رسد هر لحظه بوی کربلا...

به قدری این نوحه زیبا است که مردم به خوبی در یادشان سپرده شده است. این نوع از نوحه، بهترین نوع نوحه است؛ چون نوحه‌ای است که با زبان، فکر و سوز جامعه مطابقت دارد.

دعبل: آیا برای نوحه تقسیم‌بندی موضوعی

وجود دارد؟ نظیر تقسیم‌بندی موضوعات شعر آیینی به شعر علوی، شعر غدیر، شعر نبوی و ...؟

است که شعر همراه با آهنگ و تَن سینه خوانده شود. اشعاری را که چارپاره یا گوشواره داشته باشد و عنوان «دم» گرفته باشد می‌توان نوحه نامید؛ ممکن است همان نوحه با زبان حال و مرثیه نیز خوانده شود؛ ولی همچنین حالتی را که در آن افرادی با هم شعر می‌خوانند و همراه با شعر خوانی، سینه‌زنی می‌کنند و سبکی را بر روی آن قرار می‌دهند، نوحه می‌گویند. صدها سبک وجود دارد و نمی‌توانیم برای نوحه یک قالب و محتوای مشخص تعیین کنیم؛ همان‌طور که شاهد هستیم نوحه‌هایی که در محرم خوانده می‌شود قالب‌های مختلفی دارند.

**اگر نوحه دارای محتوا باشد
در جامعه تحول بزرگی
ایجاد می‌کند**



دعبل: مهم‌ترین نکاتی که در سرودن یک

نوحه باید مد نظر نوحه‌سرا باشد، چیست؟ به نظرم نوحه باید دارای پیام، سوز، حماسه و با مصائب و مقام اهل بیت علیهم السلام وفق داشته باشد. نوحه عنصری است که فراخور هر زمان می‌توان از آن استفاده کرد؛ مثلاً قبل از انقلاب و در زمانی که فیضیه آتش زده شده بود، این نوحه خوانده می‌شد:

قم گشته کربلا

فیضیه قتلگاه

خمینی ثار الله

شد موسم یاری مولا

یا در زمان انقلاب این نوحه خوانده می‌شد:

ای شاه خائن آواره گردی

خاک وطن را ویرانه کردی

کشتی جوانان وطن ...

دعبل: نوحه چیست؟ آیا نوحه به عنوان یک

گونه خاص از اشعار مذهبی موضوعیت دارد؟ اگر این‌طور است، ویژگی‌های مخصوص این نوع شعر چیست؟

از نظر لفظی نوحه، یعنی عزاداری و نوحه کردن. سابقه تاریخی نوحه به دوران امام حسین علیه السلام برمی‌گردد. در آن زمان امام سجاد علیه السلام فرمودند: «من فرزند کسی هستم که جن در زمین و پرندگان در آسمان برای او نوحه خواندند.»

نوحه دارای دو معنا است. معنای اول: نوحه و زاری کردن و معنای دوم: معنایی که امروزه به خود گرفته است؛ یعنی دمی که سبک داشته باشد و جمعیت آن را تکرار کنند و همراه با آهنگ آن به زنجیر یا سینه‌زنی بپردازند.

این گونه از ادبیات چه نوحه باشد یا شعر، مشروط بر این است که مضمون‌هایی نو و زیبا در آن گنجانده شود؛ ممکن است در حال طی مسیر یک میلیون نفر یک نوحه را بشنوند و صدها نفر آن را تکرار کند؛ بنابراین موضوع نوحه بسیار با اهمیت است و به عزاداری‌ها جلوه خاصی می‌بخشد.

دعبل: نوحه‌های مذهبی از حیث مضمون،

محتوا و قالب چه تقسیم‌بندی‌هایی دارند؟

در این مورد نمی‌توان یک نظریه ارائه کرد. گاهی اوقات با یک نوحه همراه با مضمون، محتوا، سبک و خواندن بسیار خوبی مواجه هستیم؛ نوحه‌هایی هم مشاهده می‌کنیم که هیچ کدام از این ویژگی‌ها را ندارد؛ بنابراین نمی‌توانیم راجع به همه نوحه‌ها یک نظر را صادر کنیم. نوحه قالب مخصوصی ندارد. با گذشت زمان، سبک‌های جدیدی پا به عرصه گذاشته و همراه می‌شوند با سبک‌هایی که از گذشته وجود دارند. قالب نوحه این



خیر، چون نوحه مخصوص اهل بیت علیهم السلام است. شعر به چند دسته آیینی، غیر آیینی، شعر علوی و ... تقسیم می‌شود. این بخش به دو قسمت «نوحه» و «سرود» تقسیم می‌شود.

سرود: اگر شعری آیینی باشد که مخصوص مولودی‌ها است و گاه همراه با کف زدن است، نام سرود به خود می‌گیرد.

نوحه: اگر شعر رنگ و بوی مصیبت داشته باشد و با سینه‌زنی همراه باشد، نام نوحه بر روی آن گذاشته می‌شود و این نکته فرق بین نوحه و سرود است.

دعبل: آیا با تعریف عام نوحه به معنای بیان مصیبت و آواز ماتم، در نوحه خوانی می‌توان از سایر گونه‌های شعری نظیر قصیده و غزل هم استفاده کرد یا بیان مصیبت در قالب انواع اشعار دیگر نام دیگری غیر از نوحه خوانی دارد؟

بله، می‌توان این کار را انجام داد؛ البته من با این کار موافق نیستم و به نظر من باید نوحه را با سبک نوحه و شعر را با سبک شعر اجرا کرد. نوحه‌ای را که سبک سینه‌زنی دارد، می‌توان به سبک غزل یا زبان حال اجرا کرد. من شاهد بودم که بعضی از آقایان این کار را انجام می‌دهند و شعر را با زبان نوحه، مرثیه و سبک مصیبت اجرا می‌کنند؛ البته این کار را نمی‌توان با شعرها و نوحه‌های حماسی انجام داد و این شعرها و نوحه‌ها را باید با حماسه و سبک سینه‌زنی مخصوص به خودشان اجرا کرد.

دعبل: به نظر تان باید چه کاری انجام داد تا تعداد آثار فاخر و مستقل در قلمرو نوحه افزایش پیدا کند؟

با برگزاری همایش‌ها، سوگواره‌ها، کنگره‌ها و برنامه‌هایی از این قبیل می‌توانیم در این مسیر گام مؤثری برداریم. تا به حال همایش‌های مختلفی با موضوع شعر برگزار شده اما تا به الان همایشی با موضوع نوحه برپا نشده است؛ در صورتی که نوحه حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد. قصیده را یک شخص می‌خواند و سایرین گوش می‌دهند؛ ولی نوحه را همه افراد با همدیگر می‌خوانند و می‌شنوند. برای نوحه باید همایش‌های مختلف و متعددی برگزار شود و بر روی موضوع نوحه بحث و گفت‌وگو صورت گیرد؛ متأسفانه این کار تا به حال صورت نگرفته است و امیدوار هستیم به زودی شاهد این اتفاق باشیم.

انجمن‌های شعری مختلفی با حضور ۱۰۰ شاعر در طول سال برگزار می‌شود و همه این افراد و شاعران به غزل خوانی یا قصیده خوانی می‌پردازند و هیچ‌کدام به موضوع نوحه توجه نمی‌کنند. امروز شاهد ارج و قرب بیشتری نسبت به نوحه هستیم، در گذشته افراد شعرهای سستی را ارائه می‌کردند و نام نوحه را بر روی آن می‌گذاشتند، اگر نوحه دارای محتوا باشد در جامعه تحول بزرگی ایجاد می‌کند.

دعبل: از استادان بزرگ چه کسانی را می‌شناسید که در خصوص نوحه و ویژگی‌های آن قلم زده و به معرفی آن پرداخته‌اند؟

چند شاعر، کتاب نوحه به چاپ رسانده‌اند؛ اما در فنون شعر استاد نبودند. هنوز من ندیدم که کتاب نوحه‌ای چاپ شود و هنوز مکتبی یافت نشده است که صرفاً به مسئله نوحه بپردازد. نوحه هنوز نتوانسته است در ادبیات جایگاه مناسبی پیدا کند؛ البته

بعضی از نوحه‌ها در ادبیات دارای جایگاه هستند و بعضی از دوستان مثل آقای «علی انسانی» نوحه‌های بسیار خوبی ارائه می‌کنند؛ یا من نیز نوحه‌هایی ارائه می‌کنم که مورد توجه قرار می‌گیرد. بعضی از دوستان دیگر که البته آنها شاعر هستند و در کنار سرودن شعر، به نوحه‌سازی هم می‌پردازند. ما در حال حاضر شعری نداریم که فقط نوحه‌ساز باشد؛ ولی امیدوارم به جایگاهی برسیم که کتاب نوحه را به عنوان شعر ادبی، آیینی و قوی به جامعه ارائه کنیم.

دعبل: برای تناسب وجه ادبی نوحه با وجه موسیقایی آن، آیا نوحه‌سرا نیز نقشی دارد؟ یا این فقط مربوط به مداح می‌شود؟

هر دو در این موضوع مؤثر هستند. اگر نوحه دارای موسیقی، سبک و گنجاندن درست و مناسب مصیبت باشد، نور الی نور است و این موارد لازمه نوحه‌سرایی است.

دعبل: در صورتی که برای معرفی و شناخت نوحه مطلبی هست که در سؤالات به آن توجه نشده، آن را تشریح کنید.

به عزیزی که نوحه‌سرا هستند این موضوع را گوشزد می‌کنم که اهمیت نوحه از غزل و قصیده بیشتر است و باید به این نکته توجه کنند. نباید فکر کرد که نوحه یک بار گفته می‌شود. نوحه زبان یک جامعه، یک هیئت و یک جمعیت عاشورایی است؛ بنابراین باید با سبک فاخر و محتوای صحیح گفته شود. من از همه عزیزی که نوحه‌سرا هستند، تقاضا می‌کنم به این نکته توجه کنند.



کوثریہ

ترجمه رائیه «سید رضا هندی»

مهدی امین فروغی

به: «بلغه الراجل»، «المیزان العادل بین الحق و الباطل»، «دُرر البحور»، «الوافی فی شرح الکافی» و «سبیکه العجد» اشاره کرد.

آنچه بیش از جایگاه سید رضا هندی در فقه و اصول و سایر علوم حائز اهمیت است، مقام ادبی و شعری اوست و پیوسته نور پرفروغ شعر او چشم‌ها را خیره کرده است و جایگاه علمی وی را تحت الشعاع قرار داده است؛ به گونه‌ای که وی را از مهم‌ترین پایه‌های نهضت ادبی عرب در آغاز قرن بیستم میلادی دانسته‌اند و او را در طول نیم قرن، یکی از چهره‌های درخشان شعر عراق برشمرده‌اند.^۱ صرف نظر از اشعار بلندمرتبه‌ای که از او به جای مانده است، سایر آثار ادبی او حیرت‌انگیز است که از آن میان می‌توان به نامه‌ای اشاره کرد که به شیخ رضا اصفهانی نوشته است که هم به نثر خوانده می‌شود و هم به نظم!^۲ و ماده تاریخ‌هایی که از خود به یادگار گذاشته نیز در خور توجه است.^۳

جایگاه رفیع شعر او و اقبال جامعه به آثارش به گونه‌ای بود که خطبا و ادبا و طلاب و حتی جوانان و کودکان، سروده‌های او را هنوز به چاپ نرسیده حفظ می‌کردند و برای هم می‌خواندند.

وی در قالب‌های مختلف شعری از قصاید و غزلیات گرفته تا موشحات و لغز و معما و ماده تاریخ به استادی سخن می‌گفت و در مدح و رثای اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام آثاری گرانسنگ از او به یادگار مانده است.

نقلی است که یکی از شیعیان در خواب به زیارت

را می‌خوانم، از آن پس از عهده آیات مشکل قرآن و تلفظ صحیح عبارات به راحتی برمی‌آمدم و کم‌کم خبر این ماجرا دهان‌به‌دهان نقل شد تا اینکه روزی در محضر میرزای شیرازی، این کرامت را بازگو کردند. میرزا که از این قضیه به شگفت آمده بود، این حدیث نبوی را متذکر شد که: «العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء» و مرامورد لطف و مرحمت خویش قرار داد.^۴

سید رضا هندی در سال ۱۲۱۱ ق. به نجف اشرف بازگشت و به تکمیل تحصیلات خویش همت گماشت. وی علاوه بر فقه و اصول، علاقه وافری به شعر و ادب و معانی و بیان و سرودن شعر داشت و علاوه بر کسب علوم دینی رایج در حوزه علمیه نجف، از محضر ادیبان و شعرای زمان خود مانند سید جعفر حلّی، شیخ محمد جواد شبیبی، شیخ هادی کاشف الغطا و شیخ محمد سحای بهره‌ها برد.

استادان وی در حوزه نجف، صرف نظر از پدرش سید محمد، عبارتند از: شیخ محمد طه نجف، سید محمد بحر العلوم طباطبایی (مؤلف بلغه الفقیه)، شیخ حسن فرزند شیخ محمد حسن نجفی (مؤلف جواهر الکلام)، ملا محمد شربیانی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (مؤلف کفایة الاصول).

از این بزرگان اجازه نقل حدیث داشت: پدرش سید محمد، شیخ محمد حرزالدین (مؤلف معارف الرجال)، شیخ محمد طه نجف، سید حسن صدر، شیخ اسدالله زنجانی، سید ابوالحسن اصفهانی، و شیخ آقا بزرگ تهرانی.^۵

از جمله آثار بر جای مانده از سید رضا هندی می‌توان

سید رضا موسوی هندی نقوی «فرزند سید محمد بن سید هاشم بن میر شجاع‌تعلی هندی لکنهویی در هشتم ذی‌قعدة سال ۱۲۹۰ ق. در نجف اشرف دیده به جهان گشود.

خاندان وی از سادات نقوی هستند و نسب به امام دهم حضرت علی بن محمد بن محمد الهادی علیه‌السلام می‌رسانند. سید رضا در هشت سالگی همراه پدر و برادرش برای شرکت در درس میرزای شیرازی رهسپار سامرا شد.^۱

سید محمد فرزند خود را در سامرا برای فراگیری قرآن به مکتب فرستاد. روزها ملایی مکتب در سخن عسکرین علیه‌السلام می‌نشست و شاگردان در محضر وی زانوی تلمذ می‌زدند. سید رضا می‌گوید: «فراگیری قرآن برایم بسیار دشوار بود و از ادای صحیح عبارات عاجز بودم و پیوسته مورد استهزای کودکان قرار می‌گرفتم. روزی پس از اینکه تلفظ غلط من باعث خنده شدید کودکان و در پی آن استهزای آنان شد، دل شکسته برخاستم و دوان دوان با پای برهنه و خاک‌آلود، گریه‌کنان وارد رواق حرم مطهر شدم. خود را به ضریح رساندم و با دو دست شبکه‌های ضریح امام دهم علیه‌السلام را گرفتم و خود را به ضریح مطهر چسبانیدم و بلندبلند شروع کردم به گریستن. در همین اثنا ناگهان در دستان خود شمعی دیدم فروزان که در پرتو نور آن، خواندن کتیبه‌های ضریح

علی‌رغم پیچیدگی‌ها، برایم بسیار آسان بود!

شگفت‌زده به جمع کودکان و ملای مکتب رفتم و همه با تعجب و حیرت مشاهده کردند که در خواندن قرآن هیچ مشکلی ندارم و به آسانی و روانی، آیات قرآن



آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی بر پیکر او نماز گزارد و در مقبره پدری در خانه‌اش در محله «خویش» نزدیک مسجد شیخ مرتضی انصاری در نجف اشرف به خاک سپرده شد.^۹

وی چند روز پیش از مرگ، وفات خود را پیش بینی کرده بود. پدر در خواب از او خواسته بود که همراهش به زیارت برود.^{۱۰}

این ابیات از نخستین سروده‌های اوست:

یا ایها النجف الاعلیٰ لک الشرف
ضمنت خیر الوری یا ایها النجف
فیک الامام امیر المؤمنین ثری
فالدّر فیک و ما فی غیرک الصدف
یا سائرین الی ارض الغری ضحی

نشر تکم بأمیر المؤمنین قفوا
ماضرکم لو حملتم ما ینکم
صبّ غریب کئیّب هائم رفّ

منابع:

۱. اعیان الشیعه، امین عاملی، سید محسن، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ ق.
۲. حکامه کوثریه، مؤسسه تحقیقات و انتشارات طور، ۱۳۷۰ ش.
۳. دیوان السید رضا الموسوی الهندی، گردآوری سید موسی موسوی، تصحیح دکتر سید عبدالصاحب موسوی، بیروت، دارالأنواء، ۱۴۰۹ ق.
۴. معارف الرجال فی تراجم العلماء و الادباء، حرزالدین، شیخ محمد، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، بی تا.
۵. نقیه البشر فی قرن الرابع عشر، تهرانی، شیخ آقا بزرگ، مشهد، دارالمرتضی، بی تا.
۶. هکذا عرفتهم، الخلیلی، جعفر، بغداد، مطبعة الزهراء، ۱۹۶۳ م.

سه روز بعد سید در جمع حاضران این چکامه ارجمند را خواند و حیرت همگان را برانگیخت و خیلی زود ابیات آن بر سر زبان‌ها افتاد و روز به روز تقاضای استنساخ از آن بیشتر شد تا اینکه به درخواست سید احمد، فرزند ارشد شاعر در یکی از روزنامه‌های نجف به چاپ رسید و به دلیل استقبال بی سابقه، چندین نوبت به چاپ رسید.^۸

به دلیل روانی واژگان و موسیقی دلپذیر وزن آن و اینکه به راحتی در حافظه جای می‌گرفت فرزندان به تشویق والدین خود به حفظ کردن این قصیده پرداختند و خیلی زود «کوثریه» نقل مجالس و محافل شد و از کودکان کوی گرفته تا خطبا بر فراز منبر آنرا می‌خواندند.

با به وجود آمدن چکامه کوثریه، بسیاری از شاعران اقدام به تضمین و استقبال و تخمیس آن نمودند که از آن میان می‌توان به آثار محمد امین نجفی، دکتر عباس ترجمان، شیخ محمد السماوی، سید مجتبی شیرازی، سید محمد هادی شیرازی، شیخ قیس العطار، شیخ محمد کرمی، شیخ قاسم محیی‌الدین، شیخ محمدجواد مطر، دکتر حسین میرزایی، سید محمد نوری موسوی و سید علی هندی اشاره کرد.

شاعر فقید سید رضا هندی که در زمان زعامت و مرجعیت آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی به نمایندگی از ایشان به فیصلیه (سواریه) رفته بود و به امور دینی مردم رسیدگی می‌کرد، سرانجام در روز پنجشنبه ۲۲ جمادی‌الاولی سال ۱۳۶۲ ق. دعوت حق را لبیک گفت. مردم با تشییعی با شکوه با شاعر خود وداع کردند و

حضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف نایل آمد و از آن حضرت پرسید: «بر پیکر جدّ غریب شما حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام چه کسی نماز گزارد؟» حضرت فرمودند: «از پسر سید رضا هندی بپرس!» سراسیمه از خواب بیدار شده، سحرگاه به در خانه سید رضا هندی می‌رود و ماجرای خواب خود را برای او بازگو می‌کند.

سید به سجده افتاده و سپس دست او را گرفته به اندرونی می‌برد و این بیت را که روز گذشته به بیت پیشین آن رسیده بود و هنوز برای کسی نخوانده بود را انشاء می‌کند:

صلّت علی جسم الحسین سیوفهم
فغد الساجدة الطّیّی محمرا^{۱۱}

اما از میان همه آثار بر جای مانده از او، «کوثریه» در مدح ساقی کوثر، امیر المؤمنین حیدر علیه‌السلام از جایگاهی ویژه برخوردار شد و در زمره چند اثر برگزیده ادبیات شیعی قرار گرفت.

روزی در خانه شیخ عبد علی آل حاج منصور پاشا (احتمالاً از شیوخ قبایل عرب) که پیوسته محل آمد و شد دانشمندان و شاعران و ادیبان بوده است و در آنجا گردهم می‌آوردند، سخن از جایگاه رفیع «آزری» و اثر تابناک او به میان آمد و یکی از حاضران گفت: «ففسوس که در زمان ما کسی مانند شیخ کاظم آزری وجود ندارد تا اثری در خشان چون شعر او پدید آورد.»

سید رضا هندی که در آن جمع حاضر بود، این کلام را شنید و برخاسته به خانه رفت. هنوز آفتاب روز بعد طلوع نکرده بود که «کوثریه» متولد شد و با تابش خیره‌کننده‌اش جهان را روشن کرد.

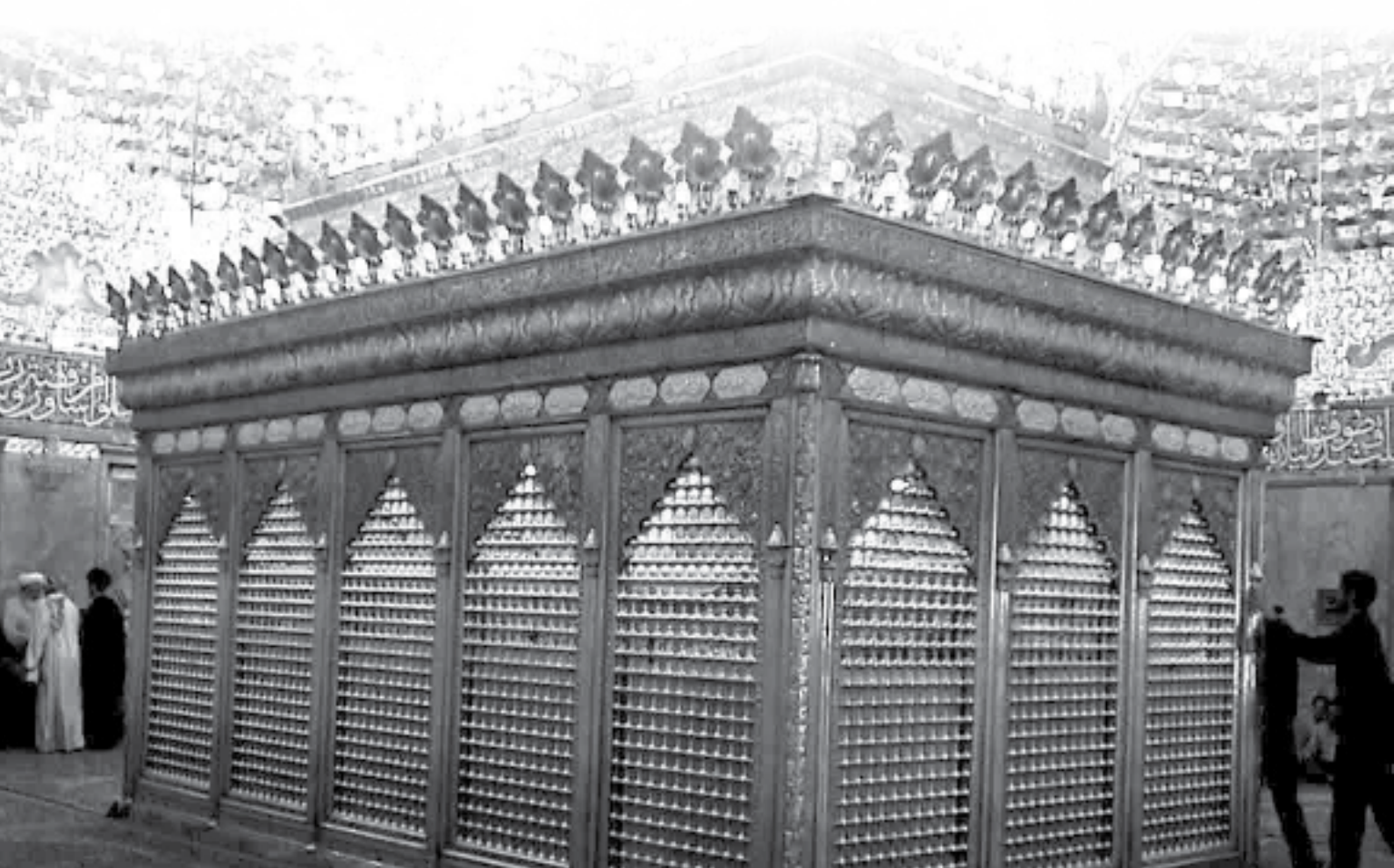
بسم الله الرحمن الرحيم

١. أمفلج ثغر ك أم جوهر
- و رحيق رضابك أم سكر؟
٢. قد قال لثغر ك صانعه:
- «نأأ أعطيناك الكوثر»
٣. والخال يخذك أم مسك
- نقطت بد الورد الأحمر
٤. أم ذاك الخال بذاك الخد
- رفتيت التدد على محمر
٥. عجباً من جمرته تذكرك
- وبها لا يحترق العنبر!
٦. يا من تبدولي مفرته
- في صبح محياه الأزهر
٧. فاجن به بالليل إذا
- يغشى «والصبح إذا أسفر»
٨. إرحم أرقاً لولم يمرض
- بنعاس جفونك، لم يسهر
٩. تبيض لهجر ك عيناه
- حزنا و مدامعه تحمر
١٠. يا للعشاق لمفتون
- بهوى مرشاً أحوى أحوار
١١. إن بيد لذي طرب، عني
- اولاح لذي نسك، كبر
١٢. امنت هوى بنبوته
- و يعينه «سحر يوثر»
١٣. أصفيت الود لذي ملل

- عيشى بقطيعته كدر
١٤. يا من قد اثر هجراني
 - و علي بلقياه استأثر
 ١٥. أقسمت عليك بما أولت
 - ك النظرة من حسن المنظر
 ١٦. و بوجهك إذ يحمر حيا
 - و بوجه محبك إذ يصفر
 ١٧. و بلؤلؤ ميسمك المنظو
 - م و لؤلؤ دمعى إذ ينثر
 ١٨. أن تترك هذا الهجر فلي
 - س يليق بمثلي أن يهجر
 ١٩. فاجل الأقداح بصرف الرأ
 - ح عسى الأفراح بها تنشر
 ٢٠. و اشغل يمناك بصب الكأ
 - س و خل يسارك للمزهر
 ٢١. قدم العنقود و لحن العو
 - د يعيد الخير و ينفي الشر
 ٢٢. بكر للسكرك قبيل الغب
 - مر فصفو الدهر لمن بكر
 ٢٣. هذا عملي فاسلك سبلي
 - إن كنت تقر على المنكر
 ٢٤. فلقد أ سرفت و ما أسلف
 - ت لنفسى ما فيه اثر
 ٢٥. سودت صحيفة أعمالى
 - و وكلت الأمر الى حيدر
 ٢٦. هو كهفى من نوب الدنيا
 - و شفيعى في يوم المحشر
 ٢٧. قد تمت لي بولايته

- نعم جمت عن أن تشكر
٢٨. لا صيب بها الحظ الأوفى
 - واخصص بالسهم الأوفر
 ٢٩. بالحفظ من النار الكبرى
 - و الأمن من الفزع الاكبر
 ٣٠. هل يمنعى - و هو الساقى -
 - أن أشرب من حوض الكوثر؟
 ٣١. أم يطردنى عن مائدة
 - وضعت للقانع والمعقر؟
 ٣٢. يا من قد أنكر من آيا
 - ت أبى حسن مالا ينكر
 ٣٣. إن كنت لجهلك بالآيا
 - م جحدت مقام أبى شبر
 ٣٤. فاسأل بدرا و اسأل احدا
 - و سل الأحزاب مرل خبير
 ٣٥. من دبر فيها الأمر و من
 - أردى الأبطال و من دمر؟
 ٣٦. من هد مصون الشرك و من
 - شاد الاسلام و من عمر؟
 ٣٧. من قدمه «طه» و على
 - أهل الايمان له أمر؟
 ٣٨. فاسوك أبا حسن بسوا
 - ك و هل بالطود يقاس الدر؟!
 ٣٩. أنى ساووك بمن ناوو
 - ك؟ و هل ساووا نعلى قنبر؟!
 ٤٠. من غيرك من يدعى للحر
 - ب والمحراب و للمنبر؟
 ٤١. أفعال الخير إذا انتشرت

- في الناس، فأنت لها مصدر
٤٢. و إذا ذكر المعروف، فما
 - لسواك به شىء يذكر
 ٤٣. أحبيبت الدين بأبيض قد
 - أودعت به الموت الأحمر
 ٤٤. قطبا للحرب يدبير الضر
 - ب و يجلو الكرب بيوم أكثر
 ٤٥. فاصدع بالأمر فناصر ك ال
 - بتار و شانتك الأبتار
 ٤٦. لولم تؤمر بالصبر و كظ
 - م الغيظ - وليتكم لم تؤمر -
 ٤٧. مانال الأمر أخو «تيم»
 - و تناوله منه «حبت»
 ٤٨. لكن اعراض العاجل ما
 - علقت برذائك يا جوهر
 ٤٩. أنت المهتم بحفظ الدي
 - ن و غيرك بالذنيا يغتر
 ٥٠. أفعالك ما كانت فيها
 - إلا ذكرى لمن أذكر
 ٥١. حججا ألزمت بها الخصما
 - ء و تبصرة لمن استبصر
 ٥٢. آيات جلالك لا تحصى
 - و صفات كمالك لا تحصر
 ٥٣. من طول فيك مدائحه
 - عن أدنى واجبها قصر
 ٥٤. فاقبل يا كعبة آمالى
 - من هدى مديحى ماستيسر



۱. با من بگویی که آیا این دندان میان دار توست یا رشته گوهی به هم پیوسته؟! او این شهد شیرین و زلال، آب دهان توست یا شهد شکر؟!
 ۲. در شأن دندان های تو آفریننده اش فرمود: «ما به تو کوثر عطا کردیم»
 ۳. با من بگویی آیا خال است که بر گونه دلفریب خود داری یا اینکه مشک دانه های است که با آن بر رخسارت که همچون گل سرخ است نقطه های سیاه زده ای؟!
 ۴. آیا آن خال سیاه بر آن گونه، سوخته اسپند نیست که بر چهره ات که چون مجمری فروزان است جای گرفته است؟!
 ۵. (اگر چنین است) در شگفتم از آتش چهره ات که شعله ور است اما آن خال عنبرین را نمی سوزاند!
 ۶. (آه...) ای که زیبایی زلف سیاه خود را در اطراف صبح تابان چهره ات در برابر من به جلوه آورده ای؛
 ۷. و من دیوانه وار از خود بی خود می شوم شبانه گام که تاریکی همه جا را فرامی گیرد و سحر گهان، هنگام که سپیده سر می زند. (شب هنگام به یاد سیاهی زلف تو صبح به یاد روشنی چهره ات می افتم)
 ۸. بر من شب زنده دار که پیوسته بیدارم و خواب از چشمانم گریخته ترحم کن. که اگر دل در گرو چشمان بیمار و خمارین تو نمی داشتم، شب را به بیداری نمی گذراندم.
 ۹. مرا دریاب که دیدگانم از غم دوری تو سپید شد و سرشک سرخ فام از دیده می بارم.
 ۱۰. هلا... آی عاشقان، این دلدادۀ مفتون که دل در هوای عشق آهو بچه ای با چشمانی سیاه و درشت دارد را در یابید.
 ۱۱. محبوب من اگر در مجمع اهل شور و طرب در آید، جمله را به وجد آورده به تغنی می کشاند و اگر بر پارسیان بگذرد، از دیدار جمال او بانگ بر آورند که: «الله اکبر»
 ۱۲. من عاشقانه به پیامبریش ایمان آوردم که در چشمانش جادویی نهفته دارد و در هر جای گفت و گوی اوست.
 ۱۳. عشق را برای محبوبم پاک و خالص کردم، همو که با هجران خود، شادایم را از من گرفته، روزگارم را تیره گون ساخته است.
 ۱۴. ای محبوب من، ای که از من دوری گزیده و مرا به هجران خود مبتلا کرده، دیدارت را از من دریغ می کنی؛
 ۱۵. تو را سوگند می دهم به زیبایی رخسارت که جمال، طراوت و شادابی به آن بخشیده است.
 ۱۶. و سوگند می دهم تو را به چهره ات، آنگاه که از شرم و حیا گلگون می شود و به رخسار دلدادگان، هنگام که از درد و رنج هجران به زردی می گراید؛
 ۱۷. و سوگند به مرا و یاد صف کشیده و پیوسته در دهانت و گوهر اشک دیده ام، آنگاه که چشمانم گوهر افشانی می کند،
 ۱۸. که این هجران را به وصال مبدل کن که روان نیست همچون منی هجران زده باشد.
 ۱۹. جام های شراب را ای دوست به نوشاتوش

جلایخش، باشد که بدان شادی افزایشند.
 ۲۰. دست راست خود را به کار سقای پپاله بدار و با دیگر دست عود بنواز.
 ۲۱. و بدان که شراب و نوای عود، بدی را دور و خیر و نیکی را فراچنگ می آورد.
 ۲۲. در سحر گاه برای نوشیدن بر خیز که شادی آن کس راست که سحر خیز باشد.
 ۲۳. مرا خود جز این کاری نیست. تو نیز اگر گناهکاری و بدان اقرار می کنی با من همراه شو.
 ۲۴. من در گناه سخت زیاده روی داشته ام و هیچ عذری در این کار برای خویش فراهم نکرده ام.
 ۲۵. من نامه اعمال خود را سیاه کردم اما کار خود را به مولایم امیر المؤمنین حیدر علیه السلام وانهادم.
 ۲۶. او در هنگامه های سخت و دشوار زندگی پناه من است و دستگیر است مرا در روز رستاخیز.
 ۲۷. در سایه سار ولایت او، نعمت ها بر من تمام است. نعمت هایی که بیرون از شماره است و شکر آن نتوانم کرد.
 ۲۸. بی شک در این امر، بهره کامل از آن من است و سود سرشار مراست؛
 ۲۹. به اینکه از آتش سوزنده دوزخ در امان خواهم بود و از هول و هراس روز رستاخیز بر کنار.
 ۳۰. ای علی مرتضی علیه السلام که ساقی کوثر است مرا از نوشیدن آن بازمی دارد؟!
 ۳۱. و آیا مرا از کنار خوان رحمتی که برای همگان، چه ثروتمند و چه تنگدست گسترده اند، می راند؟!
 ۳۲. ای آنکه افتخارات انکار ناشدنی بوالحسن علیه السلام را نمی شناسی و نمی پذیری.
 ۳۳. اگر به واسطه اینکه از چند و چون روزهای تاریخ بی خبری، مقام و منزلت حضرت او را نادیده گرفته، انکار می کنی؛
 ۳۴. پس از بدر و احد بخواه تا او را به تو باز شناسند و از خندق و خیبر احوال او باز پرس.
 ۳۵. چه کسی جز علی علیه السلام بود که در این مواقف کارهای دشوار را سامان می داد و سرکشان را از پای درمی آورد و پشت گردان را به خاک می مالید؟
 ۳۶. چه کسی جز او دژهای استوار شرک را زیر و رو کرد و اسلام را آبادانی بخشید؟
 ۳۷. چه کسی را جز او رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر اهل ایمان امیر گردانید؟
 ۳۸. ای ابوالحسن علیه السلام، آوخ که تو را با دیگران هم طراز کرده، سنجیدند! مگر ذره را با کوه استوار می توان هم طراز کرد؟!
 ۳۹. شگفتا، چگونه تو را با دشمنان برابر کردند؟! آیا آنان را با نعلین قنبر غلام تو، همسنگ توان دانست؟!
 ۴۰. یا علی، جز تو که بود که هم در کارزار بی همتا باشد و هم در محراب و منبر یگانه روزگار خوانده شود؟

۴۱. اگر تمامی نیکی ها در میان مردمان منتشر شود، بی شک تو سرچشمه همه خوبی هایی.
 ۴۲. و هنگامی که از خوبی سخن رود، جز تو کسی را نتوان خاستگاه آن دانست.
 ۴۳. دین خدا را با تیغ آبگون خویش زنده کردی. با همان تیغ که مرگ سرخ فام را نصیب کافران می کردی.
 ۴۴. تو در گماگرم کارزار چونان ستون و محوری استوار بودی که امور رزم را سامان می دادی و اندوه از چهره ها می زدودی.
 ۴۵. پس آشکارا حق را بازگو کن که منکران بی دود مانند و صولت شمشیر بران یاری گر توست.
 ۴۶. یا علی، اگر به فرو خوردن خشم و از کف ندادن دامان شکیبایی فرمان نداشتی که ای کاش مأمور به صبر نبود؛
 ۴۷. فرزند «تینم» عهده دار امور نمی شد و از پس او فریبکاری جانشین او نمی گشت.
 ۴۸. اما ای جوهره هستی، دامان تو به پلیدی های این جهان آلوده نگشت.
 ۴۹. تو ای علی، همت خویش را بر نگاهبانی از دین گماشتی در آن هنگام که دیگران را دنیا فریفته بود.
 ۵۰. ای علی، برای آن کس که جویای حقیقت است، جمله کارهیت راهگشا و آگاهی بخش بود.
 ۵۱. و این روشنگری ها دلایلی ست محکم که سستیزه گران را به وادی تسلیم می کشاند و هدایت گر است برای آن کس که جویای نور و روشنی ست.
 ۵۲. آیات و نشانه های جلال تو را شماره نتوان کرد و اندیشه از درک صفات کمال تو عاجز است.
 ۵۳. من که در مدیحه سرایی تو سخنم به درازا کشید، هنوز وامانده آغاز راهم.
 ۵۴. پس ای علی، ای قبله گاه آرزوهایم، این مدیحه را که پیشکش توست از من پذیرا شو که بیش از این در توان نداشتم.
 پی نوشت:
 ۱- اعیان الشیعه، سید محسن امین عاملی، ج ۷، ص ۲۳.
 ۲- دیوان السید رضا الموسوی الهنوی، ص ۹.
 ۳- نقباء البشر فی قرن الرابع عشر، شیخ آقا بزرگ تهرانی، ج ۷، ص ۷۶۹.
 ۴- چکامه کوثریه، مؤسسه تحقیقات و انتشارات طور، ص ۱۰.
 ۵- اعیان الشیعه، سید محسن امین عاملی، ج ۷، ص ۲۷، هکذا عرفتم، جعفر الخلیلی، ج ۱، ص ۲۸.
 ۶- عرک - چکامه کوثریه، ص ۱۲.
 ۷- چکامه کوثریه، ص ۱۸.
 ۸- چکامه کوثریه، ص ۱۷.
 ۹- معارف الرجال تراجم العلماء والادباء، شیخ محمد حرزالدین، ص ۳۲۶.
 ۱۰- هکذا عرفتم، جعفر الخلیلی، ج ۱، ص ۳۷.

عبرات ۱۴

«عبرات» نام مجموعه‌ای از نغمات اصیل مذهبی است که شامل انواع «نوحه»، «مناجات»، «مولودی»، «روضه» و دیگر الحان است که بر اساس موسیقی سنتی مناطق ایران و ردیف - دستگاهی خوانده می‌شوند. این مجموعه با هدف ترویج، آموزش و افزایش دانش نغماتی مداحان گرامی، حفظ و اشاعه مراسم مذهبی اصیل و به‌منظور دستیابی به معقول‌ترین و مطلوب‌ترین الگوی عزاداری - به‌ویژه در مورد نوحه خوانی - تهیه و تنظیم شده و گاهی در قالب لوح فشرده صوتی، ضمیمه نشریه داخلی بنیاد دعبل خزاعی، «دعبل»، می‌شود. این مجموعه، پیش از این با نام «جامه‌دران» تقدیم مخاطبان می‌شد. «عبرات» پیشنهاد برخی از مخاطبان است که نام جامه‌دران را بیشتر ناظر بر وجه موسیقایی نوحه‌ها و نغمات می‌دانند؛ در حالی که به لحاظ ساختار و محتوا علاوه بر حیثیت موسیقایی وجوه معنایی، ادبی و ... نیز دارند که ممکن است جامه‌دران گویای این وجوه نباشد. پیش از این چهار شماره از مجموعه‌های جامه‌دران در مرکز مطالعات راهبردی خیمه و سه شماره در بنیاد دعبل خزاعی تولید و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. در شماره‌های قبلی - «جامه‌دران (۱ تا ۷)» و «عبرات ۸ تا ۱۳» - نمونه‌هایی از انواع موسیقی مذهبی ایران با صدای پیرغلامان حسینی «مهرداد عباس زادگان»، «حجت‌الاسلام سیدعباس میرحسینی»، «حسین قدوسی»، تعدادی از نوحه‌خوانی‌ها در کشور عراق و همچنین نمونه‌های اصیلی از دهه کرامت و نغماتی درباره مقام ولایت نبی اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - و مدایح و مرثیه‌های عاشورایی در ماه‌های محرم و صفر، مولودی و مدایح ماه‌های رجب و شعبان و ... تهیه و به استحضار علاقه‌مندان رسیده است.

«بنیاد دعبل خزاعی» در ادامه این مسیر و به همت کارشناس نغمات آیینی بنیاد، آقای «متین رضوانی پور» - که تولید شماره‌های قبلی جامه‌دران، عبرات و تألیف چند کتاب در حوزه نوحه‌ها و نغمه‌های آیینی را در کارنامه علمی و فرهنگی خود دارد - در نظر دارد در این مجموعه‌ها با معرفی روایان، ذکر نام گوشه‌ها و دستگاه‌های الحان انتخاب شده و ارائه متن کامل اشعار، زمینه استفاده‌های کاربردی از این نغمات را برای مخاطبان خود فراهم کند. امیدواریم با استفاده مستمر از شماره‌های آتی، گوش علاقه‌مندان به فضاهای دستگاه‌های موسیقی آشنا و مسلط شود.

موضوع دیگری که در این مجموعه در نظر داریم بدان بپردازیم، معرفی معیارهای مشترک شعری و موسیقایی بین اقوام و شهرهای گوناگون ایران است که در طول تاریخ و با مراددهای فرهنگی صورت می‌پذیرفت؛ به‌طوری که اکثر اکتات بسیاری را در سرتاسر ایران و حتی دیگر کشورهای شیعه‌نشین پدید آورده است.

متین رضوانی پور

عراق آواز افشاری و درآمد، بوسلیک، بیات راجع و عشاق آواز بیات اصفهان اجرا کرده است. این قطعه چهارمین نمونه این مجموعه است.

در پنجمین نمونه، اسدالله عسگری گوشه‌های درآمد، جامه‌دران، فیلی، خاوران و نیشابورک آواز بیات ترک با اشاراتی به پرده‌های گوشه درآمد دستگاه ماهر را بر روی شعری از «حسن لطفی» درباره امام علی علیه‌السلام اجرا کرده است. گوشه خاوران در واقع از گوشه‌های دستگاه ماهر است که در این نمونه در کنار دیگر گوشه‌های آواز بیات ترک خوانده شده است.

ششمین نمونه شامل خوانش گوشه‌های درآمد، بیات راجع و عشاق آواز دشتی با اشاراتی به پرده‌های دستگاه شور با اجرای حمید منتظر است که شعری از «محمود ژولیده» درباره مرثیه امام علی علیه‌السلام است.

مرثیه دیگری از امام علی علیه‌السلام در نمونه بعدی آمده است. این مرثیه را حمید منتظر در آواز بیات ترک، گوشه‌های درآمد، رضایی، خاوران، شکسته، جامه‌دران و فیلی خوانده است. این قطعه هفتمین نمونه و از سروده‌های «قاسم نعمتی» است.

هشتمین قطعه مرثیه دیگری درباره امام علی علیه‌السلام و با اجرای اسدالله عسگری در گوشه‌های درآمد، جامه‌دران و عراق دستگاه نوا با ورود به پرده‌های گوشه‌های بیات راجع و عشاق دستگاه همایون است. شعر این قطعه از «غلامرضا سازگار» است.

حمیدمنتظر نهمین قطعه این اثر را که مناجاتی از سروده‌های «علیرضا قزوین» درباره

شب قدر است، در گوشه‌های درآمد، گشایش، فیلی و آذربایجانی دستگاه ماهر اجرا کرده است. منتظر این نمونه را در اکتاوه‌های اوج و پایین خوانده است.

دهمین نمونه این مجموعه شعری درباره عید سعید فطر از سروده‌های «غلامرضا سازگار» با اجرای اسدالله عسگری در گوشه‌های درآمد آواز ابو عطا، بیداد، بیات راجع و عشاق دستگاه همایون، درآمد آواز بیات اصفهان و گوشه عراق است.

در این شماره از عبرات (عبرات ۱۴) اجراهایی از مناجات خوانی ماه رمضان، مولودی خوانی امام حسن علیه‌السلام، مرثیه خوانی امام علی علیه‌السلام و شعری درباره عید سعید فطر را می‌شنویم. این قطعات را دو تن از مداحان صاحب‌نام، «حمید منتظر» و «اسدالله عسگری» در دستگاه‌ها و آوازهای اصیل ایرانی خوانده‌اند؛ که ان‌شاءالله مقبول در گاه خدا و مورد استقبال دوست‌داران اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم واقع قرار گیرد.

حاج اسدالله عسگری از پیرغلامان شهرستان ورامین و نسل اندر نسل مداح، مناجات‌خوان و روضه‌خوان می‌باشند که در این شماره به جای «سید علی سادات رضوی» از نوای گرمشان بهره‌مند شده‌ایم.

اولین نمونه این مجموعه مناجات با خدا و از سروده‌های «حسین ایزدی» است که حمید منتظر آن را در گوشه‌های درآمد، زابل، مویه و مخالف دستگاه چهارگاه خوانده است.

نمونه دوم از سروده‌های «حسان» درباره فضایل ماه رمضان است. حمید منتظر این قطعه را در دستگاه همایون، در گوشه‌های شوشتری، بیداد و بیات راجع اجرا کرده است. از نکات جالب این اجرا، خوانش ابیاتی در گوشه عراق است که به دیگر مقام‌های موسیقی ایرانی تعلق دارد و در این اجرا، در برخی ابیات به پرده‌های آواز بیات اصفهان اشاراتی شده است.

نمونه سوم این مجموعه از غزل‌های «غلامرضا سازگار» است. اسدالله عسگری این قطعه را در دستگاه ماهر با اشاراتی به گوشه‌های

دستگاه‌های همایون، نوا و آواز بیات اصفهان خوانده است. گوشه‌های استفاده‌شده در این نمونه شامل آذربایجانی، درآمد، فیلی و عراق از دستگاه ماهر، نیشابورک از دستگاه نوا، بیات راجع از دستگاه همایون و درآمد آواز بیات اصفهان است.

در ادامه اجرای «حمید منتظر» را می‌شنویم که شعر مولودی امام حسن مجتبی علیه‌السلام، از سروده‌های «سید محمدعلی ریاضی یزدی» را در گوشه‌های درآمد، نیشابورک، جامه‌دران و



دستگاه چهار گاه

ما را به حق ساقی کوثر قبول کن (گوشه درآمد)
 با ناله‌های هر شب حیدر قبول کن (گوشه درآمد)
 ما بچه‌های مادر پهلوی شکسته‌ایم (گوشه درآمد)
 ما را به حق پهلوی مادر قبول کن (گوشه درآمد)
 ما غیر گریه، تحفه برایت نداشتیم (گوشه زابل)
 این قطره را تو چند برابر قبول کن (گوشه زابل)
 تاج غلامی تو به شاهی نمی‌دهیم (گوشه زابل)
 ما را همیشه رعیت و نوکر قبول کن (گوشه زابل)
 خسته شدم ز توبه شکستن دگر بس است (گوشه مویه)
 حالا که رو زدم به تو دیگر قبول کن (فرود به گوشه درآمد)
 از بار معصیت کمرم درد می‌کند (گوشه مخالف)
 یعنی منم شکسته و مضطر قبول کن (گوشه مخاف)
 تا حک شود ز بار به این تن نشانه‌ای (گوشه مخالف)
 ما را شکسته‌سینه و بی‌سر قبول کن (گوشه مخالف)
 ما را شکسته‌سینه و بی‌سر قبول کن (فرود به گوشه درآمد)

حسین ایزدی

دستگاه همایون

رمضان آمد و دارم خبری بهتر از این (گوشه شوشتری)
 مژده‌ای دیگر و لطف دگری بهتر از این (گوشه شوشتری)
 گر چه باشد سپهر آتش دوزخ صومش (گوشه شوشتری)
 لیک با این همه دارد سپهری بهتر از این (گوشه شوشتری)
 شب قدر رمضان گر چه بسی پر قدر است (گوشه بیداد)
 دار این ماه ولیکن سحری بهتر از این (گوشه بیداد)
 چون که در نیمه این مه پرسی زاد بتول
 (گوشه بیداد با اشاره به گوشه بیات راجع)
 کس نزادست و نژاید پسری بهتر از این (گوشه بیات راجع)
 مجتبی لؤلؤ پاک «مرج البحرین» است (گوشه عراق)
 نیست در رشته خلقت گهری بهتر از این (فرود به گوشه شوشتری)
 گفت خالق «فتبارک» به خود از خلقت او (گوشه بوسلیک)
 کلک ایجاد ندارد اثری بهتر از این (اشاره به پرده‌های آواز بیات اصفهان)
 بگذر آهسته‌تر ای ماه حسن، ای رمضان (گوشه عراق)
 عمر ما را نبود چون گذری بهتر از این
 (گوشه عراق با اشاره به پرده‌های آواز بیات اصفهان)
 اثر صلح حسن نهضت عاشورا بود (گوشه عشاق در گام پایین)
 امتی را نبود راهبری بهتر از این (اشاره به پرده‌های آواز بیات اصفهان)
 زنده شد باز از این صلح موقت اسلام (گوشه بیداد)
 نیست در حسن سیاست رهبری بهتر از این (گوشه بیداد)
 گر چه مشمول عنایات تو بوده‌ست «حسان» (گوشه شوشتری)
 یا حسن کن به محبان نظری بهتر از این (فرود به گوشه درآمد)

حسان

دستگاه همایون

چونانکه خالق احد ذوالمنن یکی است (آذربایجانی)
 بین تمام حسن فروشان حسن یکی است (فرود به گوشه درآمد)
 عالم اگر شود ز گل دل چمن چمن (گوشه فیلی)
 در باغ حسن مثل تو سر و چمن یکی است (گوشه‌های رهاب و درآمد)
 بین هزار خرمن گل مثل بوی تو (گوشه فیلی با اشاره به گوشه عراق)
 بوی لطیف عطر گل یاسمن یکی است (گوشه‌های عراق و آذربایجانی)
 تو ماه عالمی و هزارانت انجمن (گوشه عراق)
 گویند متفق که مه انجمن یکی است (گوشه عراق)
 هر کس که دید روی تو را بین پنج تن (گوشه بیات راجع در فضای دستگاه همایون)
 اقرار کرد کاینه پنج تن یکی است (گوشه بیات راجع)
 ماه خدا دو نیمه شد و گفت آسمان (گوشه عراق)
 هر چند از ستاره‌پری ماه من یکی است (گوشه عراق)
 گر چه تو و علی و نبی را سه پیکر است (گوشه عراق)
 جان تو و علی و نبی در بدن یکی است (اشاره به آواز بیات اصفهان)
 آن چار تن که زیر کسا با تو اند پنج (اشاره به گوشه نیشابور ک دستگاه نوا)
 یک نور واحدید همانا سخن یکی است (گوشه عراق)
 اسرار غیب آینه‌ای رویه‌روی توست (گوشه عراق)
 عین الهی و پیش تو بسر و علن یکی است (گوشه عراق)
 صبر تو بست دست تو را ور نه دست تو (گوشه عشاق)
 بادست‌های حیدر خبیر شکن یکی است (اشاره به پرده‌های دستگاه نوا)
 هر جا سفر کنیم دل من در بقیع توست (گوشه عشاق)
 آری بر این مسافر تنها وطن یکی است (اشاره به پرده‌های دستگاه نوا)
 مردی چو جد و باب و حسین و تو نیست نیست (گوشه عشاق)
 چونانکه مثل حضرت صدیقه زن یکی است (اشاره به پرده‌های دستگاه نوا)
 هر چند نیست قابل وصف تو یا حسن (گوشه عشاق)
 اینجاقیق «میثم» و در عدن یکی است (فرود در فضای دستگاه شور)

غلامرضا سازگار

۴

آوازهای افشاری و بیات اصفهان

ای علوی ذات و خدایی صفات (گوشه در آمد آواز افشاری)
 صدر نشین همه کائنات (گوشه در آمد آواز افشاری)
 سید سالار شباب بهشت (فروده به آواز بیات اصفهان)
 دست قضا و قلم سر نوشت (گوشه در آمد آواز بیات اصفهان)
 زاده طوبی و بهشت برین (گوشه بوسلیک)
 نور خدا در ظلمات زمین (گوشه بوسلیک)
 نور دل و دیده ختمی ماب (گوشه در آمد در گام پایین)
 سایه ای از پر تو نور خدا (گوشه در آمد)
 علت غایی همه ممکنات (گوشه عشاق در گام پایین)
 عمر ابد داد به آب حیات (گوشه عشاق)
 جد تو پیغمبر نوع بشر (گوشه جامه در آن)
 جن و ملک بر قدمش سوده سر (فروده به گوشه در آمد)
 آینه پاک که نور خدا (گوشه نیشابور ک)
 تابدا از این آینه بر ما سوا (گوشه عشاق)
 عاشق کل حضرت سلطان عشق (اشاره به پرده های گوشه عراق)
 خون خدا شاه شهیدان عشق (گوشه جامه در آن)
 با تو ز یک گوهر و یک مادر است (گوشه عشاق)
 ظل خدایی تواش بر سر است (فروده به گوشه در آمد)
 آینه ذات محمد نما (گوشه عشاق در گام پایین)
 حسن خدایی حسن محبتی (گوشه عشاق در گام پایین)
 نام حسن روی حسن خو حسن (گوشه عشاق)
 نور خدا چار می پنج تن (گوش عشاق)

سید محمد علی ریاضی

۵

آواز بیات ترک و دستگاه ماهور

آن که امشب در تب وصل خداست (گوشه در آمد)
 سفره دار مردمان بی نواست (گوشه در آمد)
 آن که گوید راز دل را زمین (گوشه جامه در آن)
 نیست مردی جز امیر المؤمنین (گوشه جامه در آن)
 پر شده گوش تمامی فلک (گوشه جامه در آن)
 از صدای لطمه خیل ملک (فروده به گوشه در آمد)
 مرد می آید به سوی سجده گاه (گوشه فیلی)
 ماه می گوید که بر بندید راه (گوشه فیلی)
 در میان کوچه، بالی جبرئیل (اشاره به پرده های گوشه خواران)
 بسته راه رفتن پیر دلیر (فروده به گوشه در آمد)
 کی خدای بیات! راه بیت گیر (گوشه نیشابور ک)
 دست ما بر دامن پاکت امیر (گوشه نیشابور ک)
 عالمی را غرقه در ماتم نکن (گوشه نیشابور ک)
 سایهات را از سر ما کم نکن (گوشه نیشابور ک)
 یا به تنهایی مرو مولای من (اشاره به گوشه در آمد دستگاه ماهور در اوج)
 یا کسی بفرست دنبال حسن (گوشه نیشابور ک)
 دست هستی شد گره بر دامنش (گوشه نیشابور ک)
 بادها بستند راه رفتنش (گوشه نیشابور ک)
 نوح آمد با تمام انبیا (گوشه نیشابور ک با اشاره به پرده های گوشه در آمد دستگاه ماهور)
 مرتضی در ازدحام انبیا (گوشه نیشابور ک)
 هر یک از خیل رسل تا می رسید (گوشه در آمد دستگاه ماهور در اوج)
 آستینش یا عبا پیش می کشید (گوشه شکسته)
 کی خدای بیات! راه بیت گیر (گوشه نیشابور ک)
 دست ما بر دامن پاکت امیر (گوشه در آمد دستگاه ماهور در اوج)
 ماه، پیش پاش صد چاک افتاد (گوشه نیشابور ک)
 عشق، پاره پاره بر خاک افتاد (گوشه نیشابور ک)

حسن لطفی

۸

دستگاه نوا با اشاراتی به دستگاه همایون و آواز بیات اصفهان

خون جبین به گلشن حسنش گلاب شد (گوشه در آمد)
 چون شمع سوخته نور پر اکند و آب شد (گوشه در آمد)
 از خون او به دامن محراب، نقش بست (گوشه جامه در آن)
 بر این شهید، ظلم و ستم بی حساب شد (فروده به گوشه در آمد)
 شمشیر، گریه کرد به زخم سر علی (گوشه عراق)
 حتی به غربتش جگر خون کباب شد (گوشه عراق)
 محراب! ناله از دل خونین کشید و گفت: (گوشه بیات راجع)
 یا فاطمه! دعای علی مستجاب شد (گوشه بیات راجع در فضای دستگاه همایون)
 مویی که شد سفید ز هجران فاطمه (گوشه عراق)
 جرمش مگر چه بود که از خون خضاب شد؟ (گوشه عراق)
 هر کس گرفت سهم خود از دست روزگار (گوشه عشاق)
 سهم تراب، خون سر بوتراش شد (گوشه عشاق)
 هر پادشاه ستم به رعیت کند ولی (گوشه عشاق)
 پیوسته بر علی ز رعیت عذاب شد (گوشه عشاق)
 «میثم!» سرشک دیده و خون جگر کم است (گوشه عشاق)
 بسر رهبری که پیر به فصل شباب شد
 (فروده به فضای گوشه در آمد آواز بیات اصفهان)

غلامرضا سازگار

۹

دستگاه ماهور

دلیم تنگ است و دلتنگانند دل تنگان و دل ریشان (گوشه در آمد)
 شب قدر است، لبخندی بز، مولای درویشان! (گوشه در آمد)
 اگر همسو نمی گردند با فریادهای تو (گوشه گشایش)
 نمی گیرند دل ریشان، نمی چرخند درویشان (فروده به گوشه در آمد)
 هنوز آن سوی دنیا قدر خوبی را نمی فهمند (گوشه فیلی)
 فراوان اند بد خواهان و بسیارند بد کیشان (گوشه فیلی)
 رها از خود شدم آن قدر این شبها که پنداری (گوشه آذربایجانی)
 نه با بیگانگانم نسبتی باشد نه با خویشان (فروده به گوشه در آمد)
 به مرگ زندگی! ... من مرگ را هم زندگی کردم (گوشه آذربایجانی در اوج)
 جدا از زندگانی کردن این مرگانندیشان (گوشه آذربایجانی)
 شب قدر است لبخندی بز تا عید فطر من (گوشه آذربایجانی)
 تبسم عیدی من باد، با عیدی ایشان (فروده به گوشه در آمد)

علیرضا قزوه

آواز بیات ترک

میان قبلهٔ محراب ناله‌ها کردم (گوشهٔ درآمد)
 به هر قنوت برای همه دعا کردم (گوشهٔ درآمد)
 برای این که به وصل حبیبه‌ام برسیم (گوشهٔ درآمد)
 به قلب سوخته هر شب خدا خدا کردم (گوشهٔ درآمد)
 گرفته مسجد کوفه شمیم تو زهرا (گوشهٔ رضایی)
 ببین چه محشری از عاشقی به پا کردم (گوشهٔ رضایی)
 میان گودی محراب تا زمین خوردم (گوشهٔ فیلی)
 عجیب یاد تو و داغ کوچه را کردم (گوشهٔ فیلی)
 تو گیر کردی و نام مرا صدا کردی (گوشهٔ خاوران)
 ببین به صورت خونین تو را صدا کردم (گوشهٔ شکسته)
 عزیز من به تو گفتم که بی تو می‌میرم (گوشهٔ شکسته)
 ببین به عهد چهل ساله‌ام وفا کردم (فروید به گوشهٔ درآمد)
 دلم ز بس نگران نگاه زینب بود (گوشهٔ جامه‌دران)
 دو شانهٔ حسنین خودم رها کردم (فروید به گوشهٔ درآمد)
 محارم‌اند کنون دور دخترم اما (گوشهٔ فیلی)
 اشاره جانب گودال کربلا کردم (گوشهٔ فیلی)
 تمام شاخه گلانش به نیزه چیده شود (گوشهٔ جامه‌دران)
 به پیش دیدهٔ زینب گلو بریده شود (فروید به گوشهٔ درآمد)

قاسم نعمتی

آواز دشتی

خانه‌ای کاش که اینگونه پریشان نشود (گوشهٔ درآمد)
 شبی آشفته‌تر از شام غریبان نشود (گوشهٔ درآمد)
 غسل شب نالهٔ شب دفن شب افسوس سحر (گوشهٔ درآمد)
 کاش آماج دل هیچ مسلمان نشود (گوشهٔ درآمد)
 یاد آن غسل که از پهلوی زهرا خون ریخت (اشاره به گوشهٔ بیات راجع)
 خون فرق علی انگار که در مان نشود (گوشهٔ درآمد)
 نیمه‌شب گوشهٔ تابوت به دوش حسنین (گوشهٔ بیات راجع)
 بی علی مشکل تشییع که آسان نشود (گوشهٔ بیات راجع)
 کوفه از اشک یتیمان به خود می‌لرزد (گوشهٔ عشاق)
 بعد از این کاش گرفتار یتیمان نشود (گوشهٔ عشاق)
 مردم کوفه سر عهد بمانند اگر (گوشهٔ عشاق)
 طعمهٔ سنگدلان معجز نسوان نشود (فروید به گوشهٔ درآمد)
 نزد این سنگ‌دلان سنگ زدن آسان است (گوشهٔ عشاق با اشاراتی به پرده‌های
 دستگاه شور)
 کاش در شهر شما آینه مهمان نشود (گوشهٔ عشاق با اشاراتی به پرده‌های دستگاه
 شور)
 نخل‌ها از غم هجران علی خم شده‌اند (گوشهٔ عشاق)
 چاه‌ها شاهد آن نالهٔ سوزان نشود (گوشهٔ عشاق)
 اولین روز حسن بهر امامت چه گذشت! (گوشهٔ عشاق)
 این بلا بر پسر فاطمه جبران نشود (گوشهٔ عشاق)
 داغ مولا شود از یوسف زهرا تسکین (گوشهٔ عشاق با اشاراتی به پرده‌های دستگاه
 شور)
 ور نه جانسوزی این غصه به پایان نشود (فروید به گوشهٔ درآمد)

محمود زولیده

آواز ابو عطا و دستگاه همایون

گذشت ماه صیام و رسید عید صیام (گوشهٔ درآمد)
 کنیند یکسره بهر نماز عید، قیام (گوشهٔ درآمد)
 اگر چه رفت مه روزه و مه نسبیح (گوشهٔ درآمد)
 مبارک است به اهل صیام، عید قیام (گوشهٔ درآمد)
 شراب کوثر و باغ بهشت و جلوۀ یار (فروید به گوشهٔ بیداد در دستگاه همایون)
 به روزه‌دار حلال و به روزه‌خوار حرام (گوشهٔ بیات راجع)
 برات عفو بگیرید از خدای کریم (گوشهٔ بیات راجع)
 که گشته عفو عمومی به دوستان اعلام (گوشهٔ بیداد)
 هزار حیفا دروغا! چه زود پایان یافت (گوشهٔ عراق)
 مهی که دست الهی به ما خوراند طعام (گوشهٔ عراق)
 سلام باد به ماهی که بود ماه درود (گوشهٔ عراق)
 درود باد به ماهی که بود ماه سلام (فروید به فضای آواز بیات اصفهان)
 سلام باد به ماهی که بود لیلۀ قدر (گوشهٔ عشاق)
 سلام باد به ماهی که بود ماه تمام (فروید به گوشهٔ بیداد)
 چه حاجتی چه نیازش بر این خلافت بود (گوشه‌های عشاق و بیداد)
 کسی که بود به کوبش امین و حی، غلام (گوشهٔ بیات راجع)
 فقط نه این که به دام جهان اسیر نشد (گوشهٔ بیات راجع)
 ببین به گردن دنیا نهاد، مولا دام (گوشهٔ بیداد)
 چقدر دور حرم راه می‌روی «میثم»! (گوشهٔ بیداد)
 به طوف خانهٔ مولا علی ببند احرام
 (فروید به گوشه‌های شوشتی و درآمد دستگاه همایون)

غلامرضا سازگار

فرم نظرسنجی دعبل شماره ۱۱

خواننده گرامی!

برای رسیدن به بهترین نمونه یک نشریه فرهنگی - اجتماعی در حوزه ستایشگران و ذاکران اهل بیت علیهم السلام، به راهنمایی های شما و آراء و نظرها یتمان نیازمندیم. ان شاء الله به کمک شما، محتوا و فرم این ماهنامه مرضی خاطر مولایمان ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد. برای ارسال این فرم، آن را از نشریه جدا کنید و بدون پاکت پستی و الصاق تمبر، در صندوق پست بیندازید. بهره مندی از آراء ارزشمند شما مایه امتنان این مرکز خواهد بود.

نام:

نام خانوادگی:

۱- جنسیت: زن مرد

۲- سن:

۳- تحصیلات:

۴- ارزیابی شما از کیفیت مطالب چیست؟

خوب متوسط ضعیف

۵- انتخاب سوره ها در گفت و گوها، مقالات، گزارش ها و ... تا چه اندازه با مخاطبان نشریه هم خوانی دارد؟

زیاد متوسط کم خیلی کم

۶- حجم مطالب را چگونه ارزیابی می کنید؟

بیش از نیاز کافی کم

۷- سبک نوشتاری و ویرایش مطالب چگونه است؟

بسیار خوب خوب متوسط ضعیف

۸- تیتراها و سوتیتراهای انتخابی تا چه حد شما را برای خواندن مطالب ترغیب می کنند؟

بسیار زیاد زیاد کم بسیار کم

۹- صفحه آرایی مطالب چه طور است؟

بسیار خوب خوب متوسط ضعیف

۱۰- کدام مورد را برای طرح جلد این نشریه مناسب می دانید؟

طراحی مفهومی عکس پیرغلامان

توضیح بیشتر:

۱۱- به نظر شما انتشار نشریه ای با ویژگی های «دعبل» ضرورت دارد؟

بسیار ضروری است ضروری است موازی کاری است

شاید با تغییر در فرم و محتوا، ضرورت آن احساس شود

۱۲- بهترین طرح جلد از نظر شما: شماره

بهترین طرح صفحه از نظر شما: صفحه

بهترین مطلب از نظر شما: مطلب

۱۳- به نظر شما «دعبل» به چه مطالب دیگری باید پردازد؟

.....

.....

۱۴- سایر پیشنهادها و انتقادات خود درباره «دعبل» را بفرمایید؟

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



نیازی به الصاق تمبر نیست

هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره ۱۴۱۵۴/۴۸۷ پرداخت شده است.

نام شرکت: بنیاد دعبل خزاعی

شماره صندوق پستی: ۱۴۱۵۵/۸۸۴۸

تلفن و فکس: ۰۲۱-۸۸۵۳۸۷۵۰-۲

نام شهر: تهران

مشخصات فرستنده:

نام و نام خانوادگی:

استان:

آدرس دقیق پستی:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....